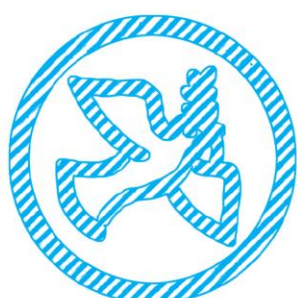


کارت گزارشدهی برابری جنسیتی سال ۲۰۱۴ افغانستان

ارزیابی پیشرفت دولت افغانستان در قبال تعهداتش برای
زنان و برابری جنسیتی



پروژه صلح



امنیت



صحت عامه



تعلیم و تربیه



دسترسی به
عدالت



خشونت در مقابل
زنان



اشتراک سیاسی



منابع و خدمات



فرصت های
اقتصادی



گروه های
آسیب پذیر



آگاهی عامه

در مورد موسسه برابری برای صلح و دموکراسی

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی یک نهاد غیردولتی، غیرانتفاعی بوده که زنان و جوانان را در سطوح ملی و پالیسی تقویت می کند. این موسسه در اوایل سال ۲۰۱۰ توسط محترمه نرگس نهان تاسیس گردید. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی در راستای ارتقای ظرفیت جوانان و زنان فعالیت نموده تا آنها نیازمندی ها و ضرورت های شان را در پروسه های انکشاف، صلح و دموکراسی انعکاس دهند. برعلاوه، این مؤسسه تلاش می نماید تا زنان و جوانان را بسیج ساخته که آنها در راستای فایق آمدن بر چالش های بی ثباتی که افغانستان با آن مواجه است، سهم خویش را ادا نمایند.

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی زمینه هایی را برای زنان و جوانان ایجاد نموده است تا آنها بتوانند گرد هم جمع شده؛ شبکه ها را ایجاد کرده؛ در ارتباط با اعتماد سازی گام برداشته و مشترکا باهم تلاش نموده تا افغانستان را به یک کشوری دموکراتیک عاری از هر نوع خشونت و تبعیض مبدل سازند. ائتلاف افغانها برای شفافیت و حسابدگی (اکتا) شبکه ای می باشد که مبنای آن را اجتماع های مردمی تشکیل داده و این شبکه عرضه خدمات را نظارت نموده و برای بهبود حکومتداری خوب دادخواهی می نماید. این ائتلاف در ولایات هرات، بامیان، ننگرهار و کابل مصروف فعالیت می باشد. شبکه های ولایتی زنان این موسسه که نیز ناشی از اجتماعات مردمی می باشد همواره در صدد شناسایی و مورد توجه قراردادن مسایل وموضوعاتی می باشد که مایه نگرانی برای زنان بوده و این شبکه ها در هرات، بامیان، فاریاب، کندز، ننگرهار، کندهار و کابل فعالیت دارند.

علاوه برآن، موسسه برابری برای صلح و دموکراسی یکی از نهادهای پیشتاز جامعه مدنی در ایجاد ایتلاف ها با سایر نهادهای مدنی و گروپ ها، نظارت از پالیسی سازی حکومت در عرصه های صلح و حکومتداری، تحقق بخشیدن حقوق بشر و دادخواهی برای دخیل سازی نهادهای مدنی می باشد. کارمندان موسسه برابری برای صلح و دموکراسی برعلاوه سفر و دیدارها با مردم در ولایات جهت درک مشکلات و نگرانی های شان، در سطح مرکز نیز مجالس و بحث های را پیرامون مطرح ساختن نگرانی های شهروندان با پالیسی سازان و تصمیم گیرندگان، برگزار می نمایند. اعضای رهبری این موسسه در مجالس و کنفرانس های بین المللی شرکت نموده و برای تداوم و همکاری پایدار جامعه بین المللی در افغانستان، دادخواهی می نمایند.

سپاسگزاری

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی در قدم نخست از اعضای شبکه زنان ولایت و سایر جناح های ذیدخل که در این مباحث مشورتی سهم گرفتند، ابراز امتنان می نماید. البته قابل ذکر است که بدون همکاری آنها، اجرای این گزارش ممکن نبود. این موسسه همچنان از سفارت هالند جهت تمویل و حمایت از این پروژه و از مرور کننده گان خارجی؛ محترمه هینا پارتیز جیننگ، داکتر پام گرین و محترمه فریده میا جهت ارایه نظریات سودمند شان برای تهیه این گزارش، اظهار سپاس و شکران می نماید. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی همچنان از محترمه مری هوپر برای نوشتن و تدوین تحقیق، از محترم موریتس راد و محترمه شمسیه نوری برای حمایت شان در راستای تدوین و جمع آوری معلومات، اظهار سپاس و امتنان می نماید. در اخیر، از تمام همکاران این موسسه جهت همکاری بی شایبه شان در تمام مدت این پروژه و به خصوص از محترم ذبیح الله زاهد و هماهنگ کننده گان ولایتی این موسسه، ابراز سپاس و قدردانی صورت میگیرد.

فهرست مطالب

39.....	سواد آموزی	2.....	در مورد موسسه برابری برای صلح و دموکراسی
40.....	تعلیمات اسلامی	2.....	سپاسگزاری
41.....	دسترسی به عدالت	4.....	مخففات
42.....	حفاظت های حقوقی	5.....	خلاصه
43.....	قابل دسترس بودن نهادهای عدلی رسمی	6.....	پیشرفت ها، موانع و مشکلات فرا راه زنان و برابری جنسیتی
45.....	نهادهای عدلی رسمی	9.....	کارت گزارش دهی 2014
45.....	مقامات عدلی اناث	12.....	مقدمه
47.....	خشونت علیه زنان	13.....	روش ها
48.....	حفاظت های حقوقی برای خشونت علیه زنان	14.....	در مورد شبکه های ولایتی زنان
49.....	میکانیزم های حمایتی دولت	15.....	مطالعه دیموگرافیک
50.....	تطبیق قانون و کاهش خشونت علیه زنان	15.....	محدودیت ها و چالش ها
52.....	سهمگیری اشتراک سیاسی زنان	کارکرد کلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای حقوق	
53.....	اشتراک زنان در نهادهای سیاسی	زنان و برابری جنسیتی	
54.....	اشتراک و سهم گیری زنان در انتخابات	17.....	پروسه های صلح
56.....	دسترسی به منابع و خدمات	19.....	پروسه های ملی صلح
57.....	منابع	21.....	پروسه های محلی صلح
58.....	ترانسپورت	23.....	امنیت
59.....	مشارکت زنان در تصمیم گیری روی منابع و خدمات	24.....	حفاظت زنان و دختران
60.....	فرصت اقتصادی	25.....	مسوولین امنیتی و حقوق زن
61.....	حمایت زنان در تجارت	26.....	استخدام زنان در سکتور امنیتی
62.....	تبعیض مثبت	28.....	صحت
63.....	میراث زنان	30.....	دسترسی زنان به مراقبت های صحنی
64.....	زنان در زراعت	31.....	صحت باروری و تنظیم خانواده
65.....	گروه های آسیب پذیر	33.....	حمایت های عاطفی و اجتماعی - اقتصادی
69.....	آگاهی دهی	34.....	معارف
72.....	نتیجه گیری	36.....	تعلیمات ابتداییه و متوسطه
74.....	ماخذ ها	38.....	تحصیلات عالی

مخففات

LOTFA صندوق نظم و حاکمیت قانون افغانستان	ACTA ائتلاف افغانها برای شفافیت و حسابدگی
M&E نظارت و ارزیابی	AFN واحد پول افغانستان
MAIL وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	AGO اداره لوی سارنوالی
MMR میزان مرگ و میر مادران	AIBA انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان
MoEd وزارت معارف	AIHRC کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
MoF وزارت مالیه	AISA اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان
MoHE وزارت تحصیلات عالی	ALP پولیس محلی افغان
MoI وزارت امور داخله	AMDG اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان
MoJ وزارت عدلیه	AMICS سروی شاخص های کلستر های متعدد افغانستان
MoLSAMD وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین	ANA اردوی ملی افغانستان
MoPH وزارت صحت عامه	ANC مراقبت های قبل از ولادت
MoWA وزارت امور زنان	ANDS استراتیژی انکشاف ملی افغانستان
MRRD وزارت احیا و انکشاف دهات	APRP برنامه صلح و ادغام مجدد افغانستان
NABDP برنامه ملی رشد و انکشاف منطقوی	ASPP برنامه حفاظت اجتماعی افغانستان
NAPWA پلان کاری ملی زنان افغانستان	AWBF فدراسیون زنان تجارت پیشه افغانستان
NCO آفیسر گماشته نشده	BC متحد المال بودجوی
NGO سازمان غیردولتی	BPHS بسته اساسی خدمات صحتی
NPP پلان ملی دارای اولویت	CDC شورای انکشافی محل
NRVA ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری	CEDAW کنوانسیون محو هرنوع خشونت علیه زنان
NSP برنامه همبستگی ملی	CSO اداره مرکزی احصائیه
PDC کمیته انکشافی ولایتی	DoWA ریاست امور زنان
PPC شورای صلح ولایتی	EPD موسسه برابری برای صلح و دموکراسی
PRR ریفورم های بازسازی دارای اولویت	EUPOL پولیس اتحادیه اروپا
PTSD فشارهای روحی بعد از صدمات	EVAV محو خشونت علیه زنان
PWN شبکه ولایتی زنان	FRU واحد رسیدگی به منازعات فامیلی
SBA ماهرین ولادی	GBV خشونت مبتنی بر جنسیت
SME تجارت های کوچک و متوسط	GDP تولید ناخالص ملی
ToT آموزش آموزگاران	GIRoA دولت جمهوری اسلامی افغانستان
UN ملل متحد	GIZ اداره انکشافی آلمان
UNAMA هیات معاونت سیاسی ملل متحد در افغانستان	GPE مشارکت جهانی برای تعلیم
UNDP برنامه انکشافی ملل متحد	GRB بودجه سازی پاسخگو به جندر
UNFPA صندوق جمعیت سازمان ملل متحد	HMIS سیستم مدیریت معلوماتی صحتی
UNICEF صندوق اطفال ملل متحد	HPC شورای عالی صلح
USAID اداره انکشافی ایالات متحد	IARCSO کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی
USD واحد پولی دالر امریکایی	ICT تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی
VAW خشونت علیه زنان	IEC کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان
WPC خانه های امن برای زنان	IGDK ریاست مستقل کوچی ها
	JICA اداره همکاری های بین المللی جاپان

خلاصه

از سال 2001 بدین سو؛ دولت جمهوری اسلامی افغانستان بیشتر از 2300 تعهدات صریح را در راستای حقوق زنان و برابری جنسیتی در قوانین، معاهدات، موافقنامه ها، پالیسی ها و استراتژی ها، انعکاس داده است که این رقم بیشتر از آن تعهدات لفظی بی شماری می باشد که در 40 سال گذشته صورت گرفته است. هرچند تمرکز بیشتر در راستای تعهدات دولت نسبت به حقوق زنان بر محور پلان کاری ملی زنان افغانستان میچرخد، اما این سند تنها بخش کوچکی از این تعهدات را احتوا می نماید. این تحقیق به بازنگری این تعهدات در ساحات مختلف پرداخته است. روندهای صلح و مصالحه، امنیت، صحت، معارف، اقتصاد، دسترسی به عدالت، خشونت علیه زنان، دسترسی به منابع و خدمات، سهمگیری سیاسی، فرصت های اقتصادی و کاربایی، حفاظت از گروپ های آسیب پذیر، و افزایش آگاهی عامه از جمله مواردی اند که در این گزارش مطرح گردیده اند. این تحقیق پیشرفت ها و کمبودات را در تمام ساحات فوق الذکر مورد ارزیابی قرار داده است و البته قابل ذکر است که این ارزیابی دیدگاه های زنان را انعکاس داده و با 154 تن از اعضای شبکه های ولایتی در پنج ولایت افغانستان صورت گرفته است

که شامل مطالعه اسناد های مورد نیاز و همچنان مصاحبه ها با جناح های ذیدخل، می باشد.

برای اینکه توانسته باشیم پیشرفت های دولت افغانستان را در قبال تعهدات انجام شده، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم؛ این گزارش در صدد آن شده است تا دریابد که تا چه حد پیشرفت ها از سال 2001 بدین سو صورت گرفته است و در کدام ساحات تمرکز بیشتر برای آوردن بهبودی ها در دهه تحول محسوس است. شاخص ها در این گزارش بگونه ای تعیین گردیده اند که بتوانند تعهدات کلی را که دولت افغانستان در پالیسی ها و اسناد مربوطه انعکاس داده است، بیان داشته و همچنان بیانگر آن ساحات و عرصه های کلیدی باشد که تغییرات واقعی مثبت را در زندگی روزمره زنان افغان ارایه بخشد. کارت گزارشدهی برای جنسیتی سالانه توسط اعضای شبکه ولایتی زنان موسسه برابری برای صلح و دموکراسی صورت گرفته و به عنوان یک ابزار دادخواهی؛ جامعه مدنی، دولت افغانستان، و جامعه جهانی را در برابر تعهدات شان در قبال حقوق زنان و برابری جنسیتی، حسابه و مسوول قرار خواهد داد.

پیشرفت ها، موانع و مشکلات فرا راه زنان و برابری جنسیتی

180 زن وجود داشته است. در حال حاضر 24٪ کارکنان خدمات ملکی افغانستان را زنان¹ تشکیل می دهد.

پیشرفت های چشمگیری در راستای دسترسی زنان به خدمات صحتی و آموزشی صورت گرفته است. 74٪ از تسهیلات صحتی حداقل دارای یک کارکن صحتی از طبقه انات می باشد. میزان مرگ و میر مادران بصورت قابل ملاحظه از 1600 واقعه مرگ فی 100000 تولدات زنده در سال 2001 به تقریباً 400 در سال 2004 کاهش یافته است و اوسط عمر زنان از 58.3 سالگی در سال 2005 به 61.8 در سال 2012 در حال افزایش می باشد. میزان عقامت از 8.2 در سال 2003 به 5.1 در سال 2012 کاهش یافته است. در حال حاضر، حدوداً 3 میلیون دختر شامل مکتب می باشد. تقریباً 30٪ معلمان را زنان تشکیل داده و تا حدود 54٪ شاگردان دارالمعلمین ها را طبقه انات تشکیل می دهد. دولت همچنان برخی از رویکرد های تبعیض مثبت را در پالیسی های دولت جهت افزایش میزان دختران در دوران تحصیلات عالی، روی دست گرفته است.

قانون منع خشونت علیه زنان طی یک فرمان تقنینی از طرف رییس جمهور به توشیح رسید که یک خود یک تلاش بزرگ جهت کاهش و جلوگیری از

بعد از سقوط طالبان، افغانستان با چالش های جدی در راستای برابری جنسیتی روبرو گردید که این حالت ناشی از سرکوبی و سواستفاده قرار دادن زنان و دختران در طی شش سال رژیم طالبان می باشد که منتج به کاهش قابل ملاحظه دختران در سکتور معارف و صحت گردید. در عرصه های مختلف، پیشرفت ها و همچنان موانع جدی فرا راه زنان در افغانستان و برابری جنسیتی از سال 2001 بدین سو، وجود داشته است که همین امر باعث گردید تا اعضای شبکه های ولایتی زنان نتوانند دولت را در هنگام نمره دهی A و یا F درجه بندی کنند. این بدین معنی است که ساحات و عرصه هایی وجود نداشته که دولت در آن بخش ناکام بوده باشد و ازسودبگر؛ عرصه هایی هم وجود نداشته است که زنان درک کرده باشند که دولت تعهدات اش را بصورت کامل برآورده کرده باشد.

امروزه، قانون اساسی افغانستان برابری زنان و مردان را به رسمیت شناخته است. زنان 28٪ ولسی جرگه، 21٪ اعضای شوراهای ولایتی، و 35٪ اعضای شوراهای انکشافی محل را تشکیل میدهند. از 6.6 میلیون رای ریخته شده در صندوق ها در روند اول انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات اعلام داشت که 35٪ آن را، آرا زنان تشکیل داده است. 2185 زن در پولیس ملی استخدام شده است و این در حالی است که در سال 2005 تنها

¹ معلومات که در این خلاصه گزارش بیان گردیده است، در متن گزارش به صورت مکمل نیز آمده است.

خشونت علیه زنان و مجازات عاملین آن می باشد. این قانون اعمال خشونت آمیز علیه زنان همچو تجاوز، خشونت های خانوادگی، ازدواج زیر سن، ازدواج اجباری، بد دادن²، و سایر اشکال خشونت علیه زنان را جرم پنداشت است که در مجموع 22 نوع مشخص می باشد و همچنان برای عاملین خشونت علیه زنان مجازات پیشبینی نموده است. دولت واحدهای رسیدگی به خشونت های خانوادگی را در چوکات پولیس ملی، خانه های امن برای زنان تحت رهبری وزارت امور زنان، واحدهای ویژه مبارزه علیه خشونت اداره لوی سارنوالی و مراکز نگهداری زنان تحت رهبری وزارت صحت عامه را تاسیس نموده است تا از قربانیان خشونت های جنسی در سراسر افغانستان حفاظت نموده باشد. علاوه برآن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سراسر افغانستان دفاتر متعدد دارد تا زنان بتوانند شکایات شان را درج نموده و توصیه ها و مساعدت های حقوقی را دریافت نمایند. افزایش چشمگیری در میزان ثبت و راجستر نمودن قضایای خشونت علیه زنان رونما گردیده است که این میزان تنها در سال های 2012 و 2013 تنها 28% بوده است.

در رابطه به دسترسی زنان به منابع، معلومات و تکنالوژی مخابراتی در سال 2002 بدین سو، برنامه ملی رشد و انکشاف منطقوی بیشتر از 612 پروژه های آب رسانی و کانالیزسیون را تطبیق نموده است که بیشتر از 2.2 میلیون افراد را در سراسر افغانستان مستفید ساخته است. امروزه، 29% افغانها به برق دسترسی داشته که این رقم در سال 2002 به 6% بوده است. یک رقم قابل ملاحظه 80 درصدی افغانها بصورت منظم و یا وقفه ای به خدمات موبایل دسترسی دارند.

1600 زن تجارت پیشه از سال 2003 بدین سو ثبت و راجستر کرده اند. فدراسیون زنان تجارت پیشه افغانستان که در سال 2004 تاسیس گردیده است، تفاهم نامه ای را با وزارت تجارت و امور زنان امضا نموده است و اظهارنامه های حمایتی را از طرف اداره صادرات افغانستان و اتاق تجارت و صنایع افغانستان دریافت نموده اند. حق میراث برای زنان در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است و قانون مدنی افغانستان برای زن اجازه داشتن، فروش و تصاحب ملکیت را از طریق ازدواج، میراث و خریداری، فراهم نموده است.

دولت کمپاین های آگاهی دهی متعددی را راه اندازی نموده است، هرچند این کمپاین ها با حمایت مالی تمویل کننده گان بوده است. محور اصلی این کمپاین ها را افزایش دسترسی زنان به عدالت، آموزش، صحت، استخدام زنان در سکتور امنیت، پروسه صلح تشکیل داده است. برعلاوه آن، دولت بودجه سازی پاسخگو به جندر را نیز بصورت آزمایشی روی دست گرفته است که این امر شامل مدغم ساختن جندر در متحدهالمال های شماره 1 و 2 در روند بودجه می باشد. این امر نیز شامل مطرح ساختن نیازمندی ها برای جمع آوری و شامل ساختن آمار به تفکیک جنسیت می باشد تا باشد که پلانگذاری، تطبیق، و نظارت برنامه های دولت نسبت به مسایل جندر حساس گردد. اداره مرکزی احصایه و وزارت امور زنان در سپتمبر 2014 یک ورکشاپ 3 روزه را جهت ایجاد هماهنگی و درمیان گذاشتن معلومات راجع

به احصایه های جندر³ برگزار نمود. بحث و تبادل افکار یک آغاز خوب در این امر می باشد، اما نتیجه این بحث ها نباید تنها مبدل به پالیسی ها شده بلکه باید دولت را قادر بسازد تا عملکردهای واقعی را جهت تدوین شاخص های حساس به جندر روی دست گرفته و پلانگذاری، تطبیق و نظارت باید حساس به نیازمندی های جندر ساخته شود.

بآنهم، موارد وجود دارند که پیشرفت چندانی صورت نگرفته و موانع همچنان پابرجاست. زنان هنوز هم در روند صلح خیلی نقش کم رنگ دارند و تنها 9 عضو در شورای عالی صلح داشته (13%) و تا کنون هیچ تلاشی صورت نگرفته است تا نیازمندی های زنان را در روند ادغام مجدد در سطح ملی مطرح سازد. دولت با زنان در رابطه به روند های صلح ملی مشورت نکرده است. میزان تلفات زنان ملکی به حد قابل ملاحظه ای تا 61% در سال 2013 افزایش یافته است و کمیسیون حقوق بشر موارد زیادی را مستند ساخته است که در چوکات پولیس ملی، زنان مورد سواستفاده قرار گرفته اند. تاکنون هم زنان تنها 2% پولیس ملی را تشکیل می دهند. تنها 335 وکیل مدافع زن نزد انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان ثبت می باشد که بیشتر از نصف آنها در کابل و هرات مستقر بوده و 13 ولایت تا کنون از عدم موجودیت وکلای مدافع زن رنج می برند. تنها 8.4% قضات، 5% سارنوالان و 19% وکلای مدافع را در افغانستان زنان تشکیل میدهند. فقط 5% از آنها می که در ریاست های حقوق ایفا وظیفه می نمایند، زنان می باشند. هرچند 24% کارکنان خدمات ملکی را زنان تشکیل میدهند اما تنها 15 وزارت می باشد که حضور زنان در آنها در حد 10% و یا کمتر از آن می باشد، و 6 وزارت با حضور کمتر از 20% زنان بوده و قابل ذکر است که زنان در سطوح رهبری کمتر می باشند.

هرچند قانون اساسی حق سهمگیری و نمایندگی سیاسی را برای زنان تضمین نموده است که باید از هر ولایت دو زن وارد ولسی جرگه گردد اما در سال 2004، پارلمان سهمیه زنان را در شوراهای ولایتی از 25% به 20% کاهش داد. این تغییر بصورت طبیعی منجر به کاهش زنان در مشرانو جرگه میگردد زیرا بخشی از آنها از اعضای شوراهای ولایتی انتصاب میگرددند. از میان 2500 تن نماینده گان در لویه جرگه، تنها 400 تن آنها را زنان تشکیل میداد و در نظام اداری حکومت اخیر، تنها از 25 وزیر، 3 وزارت را زنان رهبری می کردند. هرچند 36% رای دهنده گان را در انتخابات سال 2014 زنان تشکیل میداد اما هنوز هم 52% زنان ترس و نگرانی از اشتراک در انتخابات دارند و 28% زنان هیچ گونه معلوماتی را در مورد انتخابات گذشته دریافت نکرده بودند.

هرچند میزان مرگ و میر مادران کاهش یافته است اما هنوز هم در سطح جهان 28 (بیست و هشتم) درجه بلند مرگ و میر از افغانستان میباشد و تنها 39% ولادت میان سال های 2010 و 2012 از طرف ماهرین ولادی انجام یافته است. درحالیکه میزان عقامت در افغانستان نیز کاهش یافته است اما هنوز هم در سطح جهان به 13 (سیزدهم) درجه بلند قرار دارد. به شکل کلی، هنوز هم زنان از عدم دسترسی به خدمات صحتی روانی رنج میبرند

² دادن و یا تبادل زن برای جبران خساره یک جرم و یا کشتن

³ بیانیه مطبوعاتی اداره مرکزی احصایه و وزارت صحت عامه از ورکشاپ مشترک برای ایجاد هماهنگی میان نهادهای دولتی در مورد تبادل معلومات و احصایه های جندر.

هرچند آمارها نشان میدهند که 60٪ افغانها (اکثرا زنان) از فشارها و مشکلات روانی و اختلالات دماغی رنج می‌برند. هنوز هم خلای جنسیتی 16٪ در تعلیمات دوره ابتداییه و 19٪ در دوره متوسطه وجود دارد و تنها 3٪ دختران تحصیلات عالی را تکمیل می‌نمایند. تنها 17٪ زنان افغان در مقایسه با 45٪ مردان افغان با سواد اند، درحالیکه میزان سواد آموزی جوانان افزایش یافته است، خلای جنسیتی در واقع از 20٪ به 30٪ گسترش یافته است.

هرچند قانون منع خشونت به توشیح رسید اما عدم اجرای این قانون به مشاهده میرسد. هرچند ثبت و راجستر قضایای خشونت علیه زنان از 28٪ در سال 2012 تا 2013 افزایش یافته است. مبنا قراردادن قانون منع خشونت در هنگام اصدار حکم تنها 20٪ افزایش یافته است. معرفی قانون احوال شخصیه اهل تشیع در سال 2009 یک مانع دیگر برای زنان می‌باشد زیرا این قانون بصورت حقوقی سد راه تحرک زنان قرار گرفته و ازدواج زیر سن 16 را جواز می‌داند و برای شوهر اجازه می‌دهد تا در شرایط خاص از فراهم آوری تسهیلات برای خانمش، خودداری کند. قانون مدنی 1997 که بصورت عمومی یک قانون پیشرفته در راستای برابری جنسیتی تلقی میگردد، تعدیل نگردیده است تا موارد نابرابری را در باب طلاق، میراث، سرپرستی و سایر موارد برطرف نماید.

در حالیکه میزان دسترسی به برق افزایش یافته است، تنها 40٪ زنان افغان گزارش کردند که فامیل‌های آنها دسترسی به آب نوشیدنی صحتی پاک دارند و 17٪ دسترسی به برق. 25٪ زنان تاحدی در رابطه به میزان دسترسی شان به آب پاک صحتی و 64٪ از خدمات برق ناراضی بودند. تنها 2٪ زنان افغان دسترسی به خدمات انترنت داشته و 88٪ نفوس افغانستان در محدود خدمات چهار شبکه مخابراتی بزرگ قرار دارند و 80٪ مردم دسترسی به خدمات موبایل دارند و از میان 10 زن افغان، 6 تن آنها هنوز هم برای دسترسی به معلومات از موبایل استفاده نمی‌کنند. زنان هنوز هم از گزینه‌های ترانسپورت عامه محروم نگهداشته می‌شوند و آزار و اذیت جنسی در جاده‌ها به عنوان یک معضل بزرگ برای زنان باقی است.

زنان جهت دستیابی به فرصت‌های اقتصادی به موانع و چالش‌های عمده مواجهه‌اند. 81٪ زنان تجارت پیشه افغان قادر نبودند تا دسترسی به منابع مالی و قرضه‌ها داشته باشند و تنها 13٪ آنها قادر بودند تا فرصت‌های اقتصادی و تجاری را در دولت داشته باشند. هرچند قانون حق میراث را برای زنان به رسمیت شناخته است اما در عمل زنان جهت مطالبه حق میراث شان به مشکلات مواجهه‌اند. یک مطالعه‌ای که در سال 2013 در 10 ولایت انجام یافت، آشکار ساخت که تنها 37٪ زنان در مقایسه با 89٪ مردان، از حقوق میراث شان برخوردار گردیدند. باوجود اینکه زنان 65٪ قوای کار را در عرصه زراعت تشکیل می‌دهند اما هنوز هم تعداد محدود زنان صاحب زمین می‌باشند و عدم دسترسی زنان به زمین‌ها و عدم کنترل

بالای این زمین‌ها و محروم نگهداشتن زنان از منافع اقتصادی کار شان، به شکل جدی مطرح است. تنها 4٪ کارمندان وزارت زراعت، آبیاری و مالداري را زنان تشکیل می‌دهند.

افغانستان هنوز هم از برنامه و فعالیت‌های رفاه اجتماعی که بتواند زنان به شمول خانواده‌های که توسط زنان سرپرستی میگردد، بیوه‌ها و زنان دارای معلولیت را مورد حمایت قرار دهد، محروم می‌باشد. تقریباً 1.5 میلیون زن بیوه در افغانستان وجود دارد که تداوم زندگی شان را وابسته به شبکه‌های حمایتی اجتماعی و خانوادگی می‌دانند. زنان کوچی همچنان از آسیب‌پذیری شدیدی رنج می‌برند. درحالیکه 33٪ زنان در روستاها، ولادت‌های شان در حضور ماهرین ولادی انجام میگیرند، این رقم نزد زنان کوچی به 13٪ بوده است. بالین وجود، میزان شمولیت دختران در همچو برنامه‌ها 48٪ بوده و این رقم نزد دختران کوچی 13٪ بوده است. علاوه‌آ، دولت کمپاین‌های متعددی را جهت افزایش آگاهی عامه در مورد حقوق زنان راه اندازی کرده است اما اکثرا چنین کمپاین‌ها خیلی بصورت پراکنده صورت گرفته و هنوز هم یک چارچوب کلی برای برنامه‌های دادخواهی و افزایش آگاهی عامه نزد دولت موجود نمی‌باشد.

مضاف برآن، درسال‌های اخیر، حلقه‌های محافظه کار تلاش‌هایی را انجام دادند تا حقوق زنان را در افغانستان کاهش دهند. در سال 2012، شورای علمای افغانستان اظهارات را نشر نمودند که نقش‌های مثبت را برای زنان در نظر گرفته بود که از میان آنها میتواند موارد؛ "زنان حق دسترسی به میراث، مالکیت و تجارت را دارند، حق میراث در مطابقت به شریعت اسلام می‌باشد و زنان حق دارند تا همسرزندی را مطابق به خواست خود انتخاب کنند" را نام برد. این اظهاریه نیز اظهار می‌دارد که مطابق به آیه‌های شماره 1 و 34 سوره نساء قرآن کریم، مردان اصل و زنان فرع می‌باشند. همچنان در باب وظایف زنان آمده است که زنان نباید با مرد بیگانه در محلات گوناگون اجتماع از قبیل مکاتب، خریداری، محیط دفتر و سایر جاها باهم باشند، و نیز بیان می‌دارد که زنان نباید بدون محرم شرعی شان به سفر بروند. در ابتدا، رییس جمهور کرسی از آن حمایت نموده بود اما بعداً نسخه انگلیسی آن از وبسایت ریاست جمهوری حذف گردید اما نسخه دری و پشتو همچنان باقی‌ماند.⁴ برعلاوه، در سال 2004، پارلمان افغانستان قانونی را به تصویب رساند که شهادت اقارب را برعلیه یکدیگر ممنوع قرار داده بود که این امر خود میتوانست باعث قانونی ساختن خشونت‌های خانوادگی گردد که فوراً از طرف رییس جمهور کرسی ممنوع قرار گرفت.⁵

قانون عفو عمومی، ثبات ملی و ادغام مجدد از طرف پارلمان در سال 2007 به تصویب رسید، باوجودیکه رییس جمهور کرسی وعده کرده بود که چنین قانونی را اجازه نمی‌دهد. این قانون در جریده رسمی در سال 2008 به نشر رسید که مبدل به قانون شد و اما تا سال 2010 بصورت عمومی تصدیق

⁴ آن ویلکین، از دست دادن اهداف: گزارش کمیته سویدن در مورد زنان، صلح و امنیت در افغانستان، <http://kvinatillkvinna.se/en/files/qbank/2dace78f80bc92e6d7493423d729448e.pdf>.

⁵ الیزابیت کمپرون و داکتر جویری کامنیگا "عقب دروازه‌های بسته: خطرات نادیده گرفتن صدای زنان برای آینده افغانستان"، Oxfam, 2014, http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/file_attachments/bp200-behind-doors-afghan-women-rights-241114-en.pdf.

نگردیده بود.^۶ درحالیکه این قانون از گروه های مسلح دولت میخواهد تا به روند صلح و مصالحه بپیوندد، همچنان برای جناح هایی که قبل از ایجاد اداره موقت^۷ در جنگ و ویرانی ها دست داشته اند پوشش فراهم می کند.

این قانون برای افراد اجازه می دهد تا قضایا را بیاورد اما در مورد افغانستان این امر اصلاً قابل تصور نیست.^۸ این قانون به صورت گسترده بالای جناح

های بزرگتر قابل تطبیق بوده و همچنان میتواند که به عنوان یک مانع فرا راه مسایل مصالحه و منازعه در سطح محلات ذریعه روش های مختلف با ایجاد فضای ناعتمادی میان شهروندان و دولت، مطرح می باشد و همچنان این امر باعث آن میگردد تا آنهایی که مرتکب نقض های حقوق بشری و عاملین قساوت ها علیه زنان بوده است را از مسوول قرار گرفتن معاف بدارد.

کارت گزارش دهی 2014

در مطابقت به این پیشرفت ها و دستاوردها، 154 زنی که در این تحقیق اشتراک داشتند، حکومت افغانستان را در راستای برآورده ساختن تعهداتش در قبال حقوق زنان و برابری جنسیتی، C+ درجه بندی کرده است. این امر شامل تعهدات در ساحات روند صلح، امنیت، صحت، معارف، دسترسی به عدالت، خشونت علیه زنان، سهم گیری سیاسی، دسترسی به منابع و خدمات، فرصت های اقتصادی، حمایت از گروه های آسیب پذیر و افزایش آگاهی

عامه می باشد. در این یازده کتگوری، دولت بصورت مثبت در عرصه صحت، معارف و آگاهی دهی عامه، (B-) را از آن خود کرده است. حکومت در عرصه های صلح، امنیت، دسترسی به عدالت، خشونت علیه زنان، اشتراک سیاسی زنان، ارزیابی دسترسی زنان به خدمات و منابع اقتصادی، درجه بندی C ویا C+ را نصیب خود کرده است، و پایین ترین درجه بندی (C-) در عرصه حمایت از گروه های آسیب پذیر از آن خود کرده اس

C+	روند صلح
C	سهم گیری زنان در روند ملی صلح
C	مشورت با زنان در روند ملی صلح
C+	درنظرگرفتن حقوق و نیازمندی های زنان در روند صلح ملی
C+	مطرح ساختن اندوه های گذشته زنان در روند صلح ملی
C+	سهم گری زنان در نهادهای صلح در سطح محلات
C	مشورت با زنان در روند های صلح در سطح محلات
B-	درنظرگرفتن حقوق و نیازمندی های زنان در روند های صلح در سطح محلات
C	مطرح ساختن اندوه های زنان در روند های صلح در سطح محلات
C	درنظر گرفتن نیازمندی های زنان در روند ادغام مجدد مخالفین دولت

C+	امنیت
C-	حفاظت زنان و دختران در ساحات امنیتی و مصوونیت فیزیکی
B-	آگاهی دهی جناح های امنیتی در مورد حقوق زنان
C	حفاظت جناح های امنیتی از حقوق زنان
C+	فرصت های کاریابی برابر برای زنان و مردان در سکتورامنیت
B	میزان حضور زنان در پولیس ملی در مقایسه با 5 سال قبل

⁸ "افغانستان: قانون درخواست عفو": دیده بان حقوق بشر: 10 March 2010, <http://www.hrw.org/news/2010/03/10/afghanistan-repeal-amnesty-law>.

⁶ افغانستان اظهار میدارد که قانونی را ساخته تا جرایم جنگی را مورد عفو قرار دهد. The New York Times, 16 March 2010, http://www.nytimes.com/2010/03/17/world/asia/17kabul.html?_r=0.
⁷ Ibid.

B-	صحت
B-	دسترسی زنان به خدمات صحتی اساسی
C+	تعداد کارکنان مراقبت های صحتی شایسته زن در تسهیلات صحتی دولتی
B	موجودیت کارکنان صحتی زن در مقایسه با 5 سال قبل
B-	قابل دسترسی بودن تسهیلات صحتی دولتی برای زنان
B	حساس بودن به نیازمندی های زنان در تسهیلات صحتی
C-	آگاهی زنان در مورد برنامه های تنظیم خانواده
C	ولادت های که در حضور ماهرین ولادی متخصص انجام یافته است
B	میزان مرگ و میر در مقایسه با 5 سال قبل
B-	دسترسی زنان به حمایت های که از طرف متخصصین مراقبت های صحتی دولتی برای نیازمندی های عاطفی و روانی فراهم می گردد.

B-	معارف
B-	شمولیت دختران تا سطح تعلیمات متوسطه
B	شمولیت پسران تا سطح تعلیمات متوسطه
B	حساس بودن مکاتب ابتدایی و متوسطه در برابر نیازمندی های دختران
B-	فراهم آوری زمینه های برابر تعلیمی برای دختران و پسران
C+	موجودیت معلمین اناث
B	موجودیت معلمین اناث در مقایسه با 5 سال قبل
C	تلاش های دولت در راستای استخدام معلمین اناث شایسته
C-	فراهم آوری کورس های آموزشی برای دختران جهت امتحان شمولیت در دانشگاه ها
C+	حساس بودن دانشگاه ها در برابر نیازمندی های زنان
B	بهبودی در سواد زنان
B	حساس بودن کورس های سواد آموزی در برابر دختران و زنان
B-	موجودیت تعلیمات اسلامی برای دختران و پسران

C+	دسترسی به عدالت
B-	حفاظت های قانونی برای دختران و پسران
C+	حفاظت حقوق زنان از طرف نهادهای عدلی دولتی
C+	برابری زن و مرد در پیشگاه قانون
C	قابل دسترسی بودن نهادهای عدلی دولتی برای زنان
C+	مصوون بودن دسترسی زنان به نهادهای عدلی دولتی
C-	موجودیت حمایت های حقوقی برای زنان
C+	حفاظت زنان از طرف قضات، سارنوالان، و نهادهای رسمی دولتی
B	حساس بودن نهادهای عدلی دولتی در برابر نیازمندی ها و منافع زنان
C	موجودیت مقامات عدلی دولتی اناث

C+	خشونت علیه زنان
C+	حفاظت های قانونی برای زنان در برابر خشونت های فیزیکی، روانی و جنسی
C-	حمایت دولت برای قربانیانی که از طرف اعضای فامیل مورد بدرفتاری قرار گرفته اند
C+	موجودیت تسهیلات دولتی برای زنانی قربانی خشونت های خانوادگی که در خانه های امن به سر می برند
B-	تحت پیگرد قراردادن شوهر در موارد بدرفتار با زن
C	شیوع بددادن به عنوان یک رویکرد سنتی
B	داشتن حقی که بتوانی ازدواک نکنی

C	اشتراک و سهمگیری سیاسی زنان
C	اشتراک سیاسی زنان در نهادهای سیاسی در سطح محلات
D	اشتراک سیاسی زنان در نهادهای سیاسی در سطح ولایت
D	اشتراک سیاسی زنان در نهادهای سیاسی در سطح ملی
C	فراهم آوری امنیت برای مراکز رای دهی زنانه
B	حساس بودن موقعیت های مراکز رای دهی در برابر نیازمندی های زنان
C	تلاش های دولت جهت فراهم آوری سهولت های ترانسپورتی برای زنان تا و از مراکز رای دهی
C+	تلاش های دولت جهت فراهم آوری معلومات برای زنان در مورد انتخابات

C	دسترسی به خدمات و منابع
B	دسترسی زنان به آب آشامیدنی پاک
C	دسترسی زنان به خدمات مخابراتی و تکنالوژی
C+	دسترسی زنان به برق
D-	حساس بودن فراهم آوری منابع برای نیازمندی های زنان
C	موجودیت ترانسپورت عامه برای زنان و دختران
C+	مصوونیت ترانسپورت عامه برای زنان و دختران
C	دخیل بودن زنان در تصمیم گیری های محلی در مورد استفاده از منابع
C	دخیل بودن زنان در تصمیم گیری های محلی راجع به انکشاف و بازسازی محل

C	فرصت های اقتصادی
C	حمایت دولت از زنان تجارت پیشه
C	تبعیض مثبت برای بست های دولتی
C+	اشتغال زایی دولت برای زنان
C+	تلاش های دولت جهت افزایش تعداد زنانی که آموزش دریافت می دارند تا در سکتور معارف و صحت کار کنند
C	تلاش های دولت در راستای فرصت های ازدیاد عواید برای زنان در سکتور زراعت

C-	گروه های آسیب پذیر
C	حمایت دولت از خانواده های فقیری که توسط زنان سرپرستی میگردد
D+	حمایت دولت از زنان کوچی
C	دسترسی زنان که دارای معلولیت می باشند به خدمات
C	فراهم آوری کورس های حرفوی و فرصت های اقتصادی برای زنانی که دارای معلولیت می باشند
D+	حساس بودن پالیسی ها و برنامه های دولت به نیازمندی های زنان بیوه

B-	آگاهی دهی عامه
C+	تلاش ها جهت افزایش آگاهی میان زنان و مردان در مورد حقوق قانونی زنان
C+	تلاش ها جهت افزایش آگاهی میان زنان و مردان در مورد دسترسی زنان به عدالت
C+	تلاش ها جهت افزایش آگاهی میان زنان و مردان در مورد خشونت علیه زنان
C+	تلاش ها جهت افزایش آگاهی میان زنان و مردان در مورد تعلیم دختران و زنان
B-	تلاش ها جهت افزایش آگاهی میان زنان و مردان در مورد سهمگیری زنان در امور سیاسی و انتخابات
C+	تلاش ها جهت افزایش آگاهی میان زنان و مردان در مورد حضور شان در پروسه های صلح

مقدمه

از آنجایی که افغانستان وارد دهه تحول می‌گردد، بحث‌های متعددی در مورد وضعیت زنان افغان و اینکه جامعه جهانی تا چه حد در اجرای تعهداتش موفق بوده و یا خیر، جریان دارد. هرچند، در بیش از یک دهه بعد از تاسیس قانون اساسی و نظام حکومتداری، به شمول ایجاد وزارت امور زنان، بحث‌های محدودی در قبال تعهدات دولت افغانستان در راستای حقوق زنان، صورت گرفته است. از آن جایی که دولت افغانستان با انتقال سیاسی و امنیتی به سوی یک نظام حکومتداری مستقل با کاهش مساعدت‌های تخریکی تمویل‌کننده گان روبرو می‌باشد، اهمیت عملکرد و تعهدات دولت افغانستان در این راستا هرچه بیشتر حایز اهمیت می‌گردد.

از سال 2001 بدین سو؛ دولت جمهوری اسلامی افغانستان بیشتر از 2300 تعهدات واضح را در راستای حقوق زنان و برابری جنسیتی در قوانین، معاهدات، موافقنامه‌ها، پالیسی‌ها و استراتژی‌ها انعکاس داده است که این رقم بیشتر از آن تعهدات لفظی بی‌شماری می‌باشد که در 40 سال گذشته صورت گرفته است. هرچند تمرکز بیشتر در راستای تعهدات دولت نسبت به حقوق زنان بر محور پلان کاری ملی زنان افغانستان می‌چرخد، اما این سند تنها بخش کوچکی از این تعهدات را احتوا می‌نماید. این تعهدات شامل ساحات مختلف می‌باشد که موارد چون معارف، دسترسی به صحت و یا دسترسی به خدمات صحتی و آگاهی‌دهی را در مورد حقوق بشری و اسلامی زنان احتوا می‌نماید. باوجود تعهدات بسیار جدی از طرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان، درکل پیشرفته‌ها در مقایسه با این آرمان‌ها و اهداف بسیار بلند پروازانه، بصورت گسترده محدود بوده است.

این گزارش به بازنگری این تعهدات در ساحات مختلف پرداخته است: روندهای صلح و مصالحه، امنیت، صحت، معارف، اقتصاد، دسترسی به

روش‌ها

این گزارش روش ترکیبی را دربر دارد که شامل مطالعه اسناد، مصاحبه‌های کیفی و سروی‌های کمی می‌باشد. مطالعه اسناد با مرور جامع بیش از 80 قوانین، استراتژی‌ها، پالیسی‌ها، معاهدات و موافقت‌نامه‌های را که از سال 2001 بدین سو دولت جمهوری اسلامی افغانستان صادر نموده است را شامل می‌شود. این اسناد به منظور تعهدات دولت در برابر زنان، دختران و برابری جنسیتی مورد مطالعه و مرور قرار گرفت. این تعهدات مستند گردیده و بعداً مطابق به سکتور و ساحات مربوطه دسته‌بندی گردیده است.

از مستندسازی جامع تعهدات دولت، یک سروی دیدگاه‌ها نیز تدوین گردید. این سروی شامل یازده بخش مطابق به ساحات کلیدی تعهدات دولت که در فوق از آن ذکر به عمل آمد بوده که در هر بخش آن پنج تا دوازده سوال را شامل می‌شود و یک بخش اضافی دیگر در آن نیز بود تا سوالات دیموگرافیک را بتوان مطرح ساخت. این سروی کمی با 154 عضو شبکه

عدالت، خشونت علیه زنان، دسترسی به منابع و خدمات، سهمگیری سیاسی، فرصت‌های اقتصادی و کارایی، حفاظت گروپ‌های آسیب‌پذیر، و افزایش آگاهی عامه. این گزار پیشرفت‌ها و کمبودات را در تمام ساحات فوق‌الذکر مورد ارزیابی قرار داده است و البته این ارزیابی دیدگاه‌های زنان را انعکاس داده و با اعضای شبکه‌های ولایتی در پنج ولایت افغانستان صورت گرفته است که شامل مطالعه اسناد‌های مورد نیاز و همچنان مصاحبه‌های با جناح‌های ذیدخل نیز می‌باشد. در برابر هر تعهد، دولت جمهوری اسلامی افغانستان در این سروی درجه‌بندی شده است که به تعقیب آن تحلیل عمیق نیز با معلومات واقعی در راستای پیشرفت‌ها و اجراات صورت گرفته است. این تحقیق همچنان موفقیت‌های دولت را بازگو نموده و ساحاتی را نیز شناسایی نموده است که در در دهه تحول باید روی آن بیشتر کار صورت گیرد.

به عنوان یک مبنا برای اینکه توانسته باشیم پیشرفت‌های دولت افغانستان را در قبال تعهدات انجام شده مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم؛ این گزارش در صدد آن شده است تا مشخص سازد که به مقدار پیشرفت‌ها از سال 2001 بدین سو صورت گرفته است و در کدام ساحات تمرکز بیشتر برای آوردن بهبودی‌ها در دهه تحول محسوس است. کارت گزارشدهی برای جنسیتی سالانه توسط اعضای شبکه ولایتی زنان موسسه برابری برای صلح و دموکراسی انجام می‌یابد و به عنوان یک ابزار دادخواهی جامعه مدنی، دولت افغانستان، و جامعه جهانی را در برابر تعهدات‌شان در قبال حقوق زنان و برابری جنسیتی حساسده و مسوول قرار خواهد داد. این امر به حیث یک روند نظارت و ارزیابی در مورد ساحات که در حال تغییر می‌باشد، استفاده شده و توجه و تمرکز بیشتر را در این ساحات مورد شناسایی قرار خواهد داد.

های ولایتی زنان در پنج ولایت؛ بامیان، ننگرهار، هرات، فاریاب و کندز⁹، صورت گرفت. این سروی از با 92٪ اطمینان و 5٪ عدم آن از شبکه‌های ولایتی زنان نماینده گی می‌کند.

برای جواب‌های ارایه شده یک کود عدد پنج رقمی به اضافه گزینه "نمیدانم/ترجیح می‌دهم که جواب ندهم" فراهم گردیده بود. مهم‌تر از آن اینکه این سروی از زنان نخواست به درجه‌بندی واقعی را انجام دهند بلکه در عوض مجموعه‌ای از جواب‌های برای شان ارایه گردیده بود که میتوانستند از شماره یک الی پنج نمره دهی کنند، مثل اینکه نمره یک نماینده گی از "بسیار زیاد" و نمره پنج نماینده گی از "هیچ نه" می‌نماید. از روی این نمره‌بندی، یک میزان متغیر برای یازده ساحاتی که دولت تعهد نموده است، ایجاد شده و محاسبه نیز براساس آن صورت گرفته است. میزان درجه بندی طوری ایجاد گردیده است که از $A + F$ الی F می‌باشد. به منظور

⁹ ولایت کندهار، به دلیل اشتباهات تخریکی در جریان بررسی، در نمونه‌گیری شامل نشده است.

میزان درجه بندی

درجه بندی	از	تا
A+	1	1.20
A	1.21	1.59
A-	1.60	1.80
B+	1.81	2.0
B	2.01	2.39
B-	2.40	2.60
C+	2.61	2.80
C	2.81	3.19
C-	3.20	3.40
D+	3.41	3.60
D	3.61	3.99
D-	4.0	4.20
F	4.21	5.00

مصاحبه های متعددی در سطح مرکز با وزارت ها و نهادهای بین المللی انجام یافته است که وزارت ها شامل وزارت معارف، صحت عامه و نهادهای بین المللی شامل صندوق حمایت اطفال ملل متحد (یونسف)، ماموریت پولیس اتحادیه اروپا (یوپول)، برنامه انکشافی ملل متحد (UNDP) و اداره همکاری های بین المللی جاپان (جیکا) را شامل می شود.

اجرای این سروی، درجه بندی بالاتر از B به معنی ارزیابی مثبت می باشد و به این مفهوم است که در راستای عملی سازی تعهدات بهبودی ها صورت گرفته اما هنوز هم باید کارهای زیادی صورت گیرد. در جاهایی که B- و یا C دیده می شود بدین معنی است که دولت در این موارد کمتر مثبت بوده و پاسخ دهندگان طوری وانمود کردند که پیشرفت های دولت در این ساحت کمتر محسوس بوده اند و یا همه چیز به حالت قبلی خود باقی است. درجه بندی C و یا پایین تر از آن به مفهوم منفی است و پاسخ دهندگان وانمود کردند که کاری صورت نگرفته و هیچ تغییرات قابل توجه در این مدت انجام پذیرفته است و یا اینکه دولت نتوانسته تغییرات مثبت را در زندگی روزمره زنان افغان رونما سازد.

مرحله دوم مرور اسناد جهت انعکاس نمودن دیدگاه های اشتراک کننده گان همراه با سایر میکانیزم ها جهت تحلیل و درک پیشرفت ها در هر ساحت مربوطه صورت گرفت در حالیکه اولویت برای دیدگاه های اشتراک کننده گان داده شده است. اکثریت مآخذهای ارایه شده گزارش های سازمان ملل متحد، بانک جهانی و سایر نهادهای بین المللی، موسسات داخلی و گزارش های خود دولت جمهوری اسلامی افغانستان در مطابقت به موجودیت آمار و ارقام می باشد. برعلاوه، برحسب نیاز آمارهای کمی و احصاییه ها با آمارهای کیفی و دیدگاه های اشتراک کننده گان یکجا گردیده تا یافته های این گزارش را با توجه به دیدگاه های و طرز دید اشتراک کننده گان هرچه بیشتر مستند و مستدل ساخته باشد.

در مورد شبکه های ولایتی زنان

وابسته به فعالیت های که وابستگی تمویلی داشته باشد، نمی باشد. هدف شبکه های ولایتی زنان این می باشد تا زنان شبکه های محلی را ایجاد نمایند و حس مالکیت فعالیت ها و ابتکارات را نیز خود شان به عهده داشته باشند و برای مسایل اجتماعات و محلات شان، راه های حل مناسب و جدی را که خود شان شناسایی کرده اند، مطرح بسازند. وقتی اعتماد سازی میان یک گروه کوچک صورت گرفت، بعد این گروه میتوانند با سایر ایتلاف ها و شبکه های دیگر برای بهبودی وضعیت زنان اعتماد سازی نمایند. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی با رویکرد خودکفایی این شبکه ها را حمایت نموده و مساعدت های تخنیکی را در هنگام ایجاد این شبکه ها فراهم می سازد و برعلاوه برنامه های آموزشی و ارتقای ظرفیت را نیز در دسترس شان قرار می دهد و در قسمت عضویت و تعیین مقاصد و اولویت ها، خود شبکه ها مختار می باشند.

از طریق این پلت فارم، موسسه برابری برای صلح و دموکراسی فضای گفتمان و تبادل افکار را نیز فراهم ساخته و کمپاین ها را نیز در سطوح ملی و محلی برگزار می نماید. این موسسه کنفرانس ملی زنان و انتخابات را میزبانی نمود و اشتراک زنان را در لویه جرگه نیز تسهیل بخشید. اعضای شبکه های ولایتی زنان در این همایش هایی دادخواهی اشتراک ورزیده تا اطمینان دهند که یک ارتباط منطقی میان برنامه های آموزشی فراهم شده

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی شبکه ولایتی زنان را که قبلا از آن بنام پلت فارم برابری جنسیتی یاد میشد در سال 2012 به منظور یکجا ساختن زنان از عرصه های مختلف زندگی، ایجاد نمود تا این زنان بتوانند برای برنامه های آموزشی و ارتقای ظرفیت شان کار نموده و زمینه های را برای روی کار سازی ایتلاف ها و اتحادیه ها در میان خود شان و سایر اقشار اجتماع، فراهم نمایند. اعضای این شبکه ها در راستای یادگیری پروسه های صلح و انتقال سیاسی و امنیتی گام برداشته و همچنان توجه دارد تا تاثیرات این پروسه ها را در زندگی روزمره زن افغان چه بوده و چگونه میتوانند روند صلح را تحکیم بخشیده، منازعات را حل نمایند و مسایل مربوط به زنان را در سطح محلات نظارت می نمایند. این شبکه ها همچنان سایر مسایلی را که مانع حضور و پیشرفت زنان می گردد شناسایی نموده و راه کارهای مناسب را برای مطرح ساختن و رسیدگی به آن، پیشنهاد می نمایند.

نقش اساسی شبکه های ولایتی این است تا آنها بتوانند شبکه های حمایتی اجتماعی را در میان خود شان و همچنان در سطح بزرگتر اجتماع به منظور نظارت، رهنمایی، مشورت و اعتماد سازی، ایجاد نمایند و از وابستگی به خارجی ها نجات یابند. اهمیت فعالیت های موسسات داخلی غیرانتفاعی در سطح محلات از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشند اما فعالیت های شبکه های ولایتی زنان بگونه ای است که وابسته به تسهیل بخشی رسمی و

برای شان و فعالیت هایی را که آنها در سطح محلات شان روی دست میگیرند و پروسه های ملی که در حال اتفاق افتادن می باشند، وجود دارد. یکی از مولفه های کلیدی شبکه های ولایتی زنان تسهیل بخشیدن گفتمان ها و تعاملات میان مقامات و نهادهای دولتی می باشد. اشتراک کننده گان مجالسی را با روسای حقوق بشر، و کیلان شورای ولایتی، نماینده گان وزارت های مربوطه، و مقامات پولیس تشکیل دادند. با حضور مقامات دولتی،

مطالعه دیموگرافیک

تمام 154 پاسخ دهنده گان در این سروی، زنان بودند. 23٪ آنها را زنان 20 سال و یا جوانتر، و 31٪ آنها را زنان میان 21 سال و 35.6٪ آنها را زنان میان سن 36 و 45، و 6٪ آنها را زنان میان سنین 46 الی 55 سال و 15٪ آنها را زنان 56 و یا کهن سال تر از آن تشکیل می دهند. 39٪ این پاسخ دهنده گان متاهل، 29٪ مجرد، 4٪ زنان بیوه را تشکیل می دهند و 28٪ زنان نخواستند حالت مدنی شان را ابراز نمایند. 19٪ از اشتراک کننده گان این سروی را پشتون، 29٪ را تاجیک، 14٪ را هزاره، و 10٪ را ازبک، 2٪ را ترکمن را تشکیل می دهد و 26٪ نخواستند که ملیت شان را آشکار سازند.

11٪ از اشتراک کننده گان را زنان بیسواد و 2٪ آن را زنان باسواد، تشکیل می دهند. 4٪ آنها دوره ابتداییه را، 10٪ دوره متوسطه را، 19٪ دوره لیسه را و 19٪ آنها دوره لیسانس و یا بالاتر از آن بودند. بآنها، 35٪ سطح

محدودیت ها و چالش ها

این سروی دارای یک سلسله محدودیت ها می باشد. اول اینکه، این سروی نمایندگی از تمام زنان افغان نمی کند. شبکه های ولایتی زنان تنها محدود به 5 ولایت می باشد و یک نمایندگی کلی مطرح است و کندهار بنابر ملاحظات تخنیکی در اجرای سروی از لیست حذف گردیده است که منجر به این گردیده است که هیچ نظری از زنان زون جنوب در این گزارش انعکاس نیابد. طوریکه در قسمت دیموگرافیک به ملاحظه میرسد اعضای شبکه های زنان در مقایسه با سایر زنان افغان بیشتر باسواد بوده و فعالانه در اقتصاد خانواده های شان سهم گرفته اند. برخی از اعضای شبکه ها، فعالین مدنی و مدافعین حقوق بشر و حقوق زن در سطح محلات شان می باشند. بنابراین، به عنوان زنانی که از لحاظ اقتصادی فعال بوده و دسترسی به آموزش داشته اند، این امر خود نمیتواند که نمایندگی از نظریات تمام زنان افغانستان نماید.

میزان درجه بندی پنج نمره ای در سراسر این تحقیق نیز عاری از محدودیت ها نبوده است. هرچند، میزان پنج نمره ای بگونه ای تقسیم بندی شده است که دو گزینه مثبت، یک گزینه بی طرف و دو گزینه منفی را شامل می گردد تا مانع غرض ورزی گردیده باشد. کود گذاری بصورت برعکس و تصادفی

اعضای شبکه ها در صدد آن می باشند تا یک ارتباط کاری قوی را میان اعضای شبکه و مقامات دولتی در سطح محلات ایجاد نمایند. این شبکه های ولایتی در ننگرهار، بامیان، هرات، کندز، فاریاب، و کندهار با بیشتر از 300 عضو، فعالیت دارند.

تحصیل و تعلیم شان را اظهار نداشتند، 18٪ از اشتراک کننده گان زنانی بودند که در سکتور خصوصی ایفای وظیفه نموده و معاش دریافت می داشتند، 17٪ آنها در سکتور عامه مصروفیت داشتند. 11٪ آنها دارای شغل آزاد بودند و 4٪ آنها در فعالیت های داخل خانه به منظور ازدیاد عواید شان مصروف بودند. تنها 5٪ آنها کارگران بدون مزد بودند و 5٪ آنها نیز بیکار بودند، در حالیکه 40٪ آنها نمی دانستند و یا اینکه نمی فهمیدند تا انتخاب کنند.

هرچند 43٪ این پاسخ دهنده گان نخواستند که عاید ماهانه خانواده خویش را آشکار سازند، 19٪ دارای عاید ماهانه کمتر از 3000 افغانی، 24٪ دارای عاید ماهانه میان 3001 الی 10000 افغانی، 11٪ دارای عاید ماهانه بین 10000 الی 15000 هزار افغانی، و 3٪ دارای معاش بیشتر از 20001 افغانی بودند. 54٪ این جواب دهنده گان اظهار داشتند که زنان در عاید ماهانه فامیل های شان سهم میگیرند.

صورت گرفته است تا از انتخاب گزینه های اولی و آخری که در اول و آخر لیست جوابات وجود دارد، جلوگیری شده باشد. برعلاوه این سروی طوری انجام یافته است که تلاش های غیرضروری جهت تحت نفوذ قراردادن اشتراک کننده از طرف همکاران و یا سایر اشخاصی که در گروپ وجود داشته اند، دفع گردیده است. بآنها، با 11٪ از اعضای شبکه های ولایتی زنان که از نعمت سواد محروم بودند، این سروی بصورت لفظی توسط هماهنگ کننده گان ولایتی موسسه برابری برای صلح و دموکراسی صورت گرفته است و یا پرسشنامه های این سروی به همکاری سایر اعضای شبکه ها تکمیل گردیده است که خود جواب های این زنان را تحت نفوذ قرار داده است.

مضاف برآن، اکثریت آمارها و احصایه ها در افغانستان بصورت تخمینی هستند. افغانستان از سال 1979 بدین سو، هیچ احصایه ملی و سرتاسری را انجام نداده است، بنابراین بیشتر این معلومات براساس همین احصایه ها و تخمین های ذکر شده استوار می باشد، به ویژه در مورد ارقامی که بعد از دوره طالبان را مطرح است. علاوه برآن، مقایسه موضوعات همواره با یک

منبع واحد صورت نمیگیرد که این امر خود اعتبار و موثقت مقایسه آمار را ضربه می زند. هرچند، تلاش های متعددی در اجرای این تحقیق صورت گرفته است که موثقت آمار و معلومات از منابع معتبر اتخاذ گردیده باشد. باتوجه به محدودیت مطرح شده، آمار و معلومات ناشی از مقایسه نباید بصورت قطعی مورد استفاده قرار گیرد بلکه باید در راستای فراهم آوری معلومات بیشتر و انعکاس پیشرفت های عمومی و بیانگر موانع و مشکلات کلیدی فرا راه شاخص های اساسی برای زنان و برابری جنسیتی، مورد بهره برداری قرار گیرد.

باوجود همه این محدودیت، این سروی نمیتواند نمایندگی از دیدگاه های تمام زنان افغان نماید اما هنوز هم میتواند آن را به عنوان یک وسیله برای

ارزیابی و سنجش دیدگاه های زنان در مورد کارکرد های حکومت، استفاده کرد زیرا به عنوان رهبران زن، اعضای این شبکه ها در سطح محلات فعال بوده و قابل دسترس برای زنان در اجتماعات می باشند و به صفت مدافعین حقوق زن، آنها با نیازمندی ها و چالش های زنان بیشتر از هرکس دیگر در تماس بوده و درک می نمایند. اعضای این شبکه های ولایتی زنان برنامه ها و ابتکارات گوناگون و متعدد را در سطح محلات، ولایت و کشور روی دست گرفته که منتج به سهمگیری و دخیل سازی آنها با چالش هایی میگردد که زنان افغان در زندگی روزانه ای شان در تماس اند که این امر خود در سطح بزرگتر منتج به دخیل بودن آنها در پالیسی های و عملکرد های دولت در تمام سطوح میگردد.

کارکرد کلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای حقوق زنان و برابری جنسیتی

C+	کارکرد کلی دولت ^{۱۰}
----	-------------------------------

بصورت کلی، زنانی که در این سروی سهم گرفته بودند، کارکرد حکومت افغانستان را در راستای برآورده ساختن تعهداتش در قبال حقوق زنان و برابری جنسیتی، C+ درجه بندی کرده است که این امر شامل تعهدات در ساحات روند صلح، امنیت، صحت، معارف، دسترسی به عدالت، خشونت علیه زنان، سهم گیری سیاسی، دسترسی به منابع و خدمات، فرصت های اقتصادی، حمایت از گروه های آسیب پذیر و افزایش آگاهی عامه می باشد.

در این یازده کتگوری، دولت بصورت مثبت در عرصه صحت، معارف و آگاهی دهی عامه، (B-) را از آن خود کرده است. حکومت در عرصه های صلح، امنیت، دسترسی به عدالت، خشونت علیه زنان، اشتراک سیاسی زنان، ارزیابی دسترسی زنان به خدمات و منابع اقتصادی، درجه بندی C ویا را C+ را نصیب خود کرده است، و پایین ترین درجه بندی را (C-) در عرصه حمایت از گروه های آسیب پذیر از آن خود کرده است.

پروژه های صلح

ملی زنان افغانستان، زنان را به عنوان قربانیان منازعات در افغانستان شناخته و اظهار می دارد تا یک پلان تدوین شود تا از آن طریق برنامه جبران خسارت روی دست گرفته شده و منتج به بهره وری توسط زنان گردد.

برنامه ملی دارای اولویت در مورد صلح و ادغام مجدد تمرکز بیشتر را روی برنامه صلح و ادغام مجدد دولت نموده و بیان می دارد که، "نقش زنان در سراسر پروسه صلح ترویج گردیده و اطمینان بخشیده می شود." این سند تعهد می دارد که زنان افغان در کرسی های بلند شورای عالی صلح قرار گرفته، و نقش کلیدی را در روند و پروسه های صلح ایفا داشته و حکومت را در راستای ترویج صلح مشوره می دهد. این سند همچنان اظهار می دارد که زنان در شورای عالی صلح و کمیته های صلح ولایتی باید در برنامه های آگاهی دهی عامه، مذاکرات، و سمع شکایات سهیم باشند.

بطور کلی، زنان دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در مورد پروسه های صلح و حضور زنان در سطح ملی و محلی C+ داده است. زنان کارکرد های دولت را در ولایات کندز و فاریاب نسبت به زنان در ولایات بامیان و ننگرهار مثبت ارزیابی کردند و کمترین خوشبینی را در مورد کارکردهای دولت میتوان در ولایت هرات¹³ یافت. تفاوت های خیلی قابل ملاحظه در دیدگاه های زنان افغان از اقوام مختلف¹⁴ وجود داشته است، زنان ازبک و پشتون در مقایسه با زنان هزاره¹⁵ و تاجیک نسبت به کارکردهای دولت خوشبین تر بودند. تفاوت بسیار جدی در دیدگاه زنان در مورد تلاش های دولت در راستای صلح و زنان میان زنان در سنین مختلف، میزان عاید، و حالت مدنی، وجود نداشته است. باآنهم، یک ارتباط قوی در میزان تحصیل وجود داشته است و زنانی که باسواد بودند عملکردها و کارکرد های دولت را بیشتر ضعیف¹⁶ ارزیابی کردند.

دولت افغانستان به منظور حمایت از زنان و برابری جنسیتی تعهدات متعددی را انجام داده است، مانند تلاش دولت در راستای شامل سازی زنان در پروسه های صلح¹² جهت اطمینان بخشیدن از حراست و حفظ پیشرفت های نسبی صورت گرفته در راستای حقوق زنان و اینکه زنان نباید قربانی صلح باشند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان تعهدات خویش را در مورد صلح و مصالحه و ادغام مجدد ذریعه استراتژی انکشاف ملی افغانستان، برنامه های ملی دارای اولویت، پلان کاری ملی زنان افغانستان انعکاس داده است. پلان کاری ملی زنان افغانستان قطعه نامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد را به رسمیت شناخته و از تطبیق آن حمایت خویش را چنین اعلام می دارد: ... نقش بسیار مهم و کلیدی زنان در راستای جلوگیری منازعات و صلح آوری، و تاکید بیشتر روی سهمگیری و اشتراک مساویانه ای شان و سهمگیری کامل شان در تلاش های شان برای حفظ و نگهداری صلح و ثبات و نیاز برای افزایش نقش شان در تصمیم گیری ها در رابطه به جلوگیری از منازعه و به ارمغان آوری صلح.

دولت اظهار داشته است که یک استراتژی تعلیمی صلح را با توجه به اهمیت نقش زنان، تدوین خواهد نمود و همچنان استراتژی های مفصلی را تدوین خواهد نمود که از طریق آن بتوان حضور زنان را در پلان های کاری صلح، مصالحه، ادغام مجدد و عدالت شامل ساخت. دولت جمهوری اسلامی افغانستان تعهد نموده است که میکانیزم های عدالت انتقالی را تعقیب نموده و با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همکاری می نماید تا نظریات و دیدگاه های زنان را در سطوح مجامع علمی و محلی جستجو نموده و میکانیزم های حقیقت یاب را روی دست گیرد. آنها همچنان ابزار داشته اند که دولت حضور زنان را در فعالیت هایی صلح آوری، تاسیس کمیته های مصالحه، وپروسه های وساطت حمایت خواهند نمود. درآخر، پلان کاری

¹¹ متوسط = 2.70, SD=.60

¹² استغن نجسن "پروسه صلح و زنان افغانستان"، 2012

¹³ F(4, 99)=5.85, p<.001; Bamyān (17) M=2.75, SD=.59; Herat (26) M=3.04, SD=.39; Nangarhar (20) M=2.81, SD=.73; Kunduz (20) M=2.52, SD=.54; Faryab (21) M=2.31, SD=.49

¹⁴ F(5, 89)=5.41, p<.001

¹⁵ Pashtun (20) M=2.52, SD=.60; Tajik (39) M=2.99, SD=.54; Hazara (16) M=2.77, SD=.62; Uzbek (16) M=2.22, SD=.48; Turkmen (2) M=2.22, SD=.16; Other (2) M=3.06, SD=.39

¹⁶ R=.277, p<.05

پروسه های ملی صلح

C	سهم گیری زنان در نهادهای ملی صلح ^{۱۷}
C	مشورت با زنان در پروسه های صلح ملی ^{۱۸}
C+	در نظر گرفتن نیازمندی ها و حقوق زنان در پروسه های ملی صلح ^{۱۹}
C+	مورد رسیدگی قراردادن اندوه های گذشته زنان در پروسه های صلح ملی ^{۲۰}

همچنان درالانشای شورای عالی صلح پالیسی جندر را در سال 2011 تدوین نمود تا سهمگیری هرچه بیشتر زنان را در پروسه صلح در میان حکومت، تقویت و ترویج نماید. باآنهم، گزارشی که اخیرا نشرگردید آشکار می سازد که باوجود تعهدات بسیار جدی دولت در قبال حقوق زنان و برابری جنسیتی، مذاکرت و گفتمان هایی که تا کنون در مورد صلح صورت گرفته بیشتر در عقب دروازه های بسته بوده است "بدون دانش، نظریات و سهم گیری^{۲۱} زنان افغان".

مطابق به گزارش اخیر موسسه برابری برای صلح و دموکراسی، رویکرد شورای عالی صلح و درحد بزرگتر رویکرد دولت افغانستان نسبت به پروسه های مصالحه و ادغام مجدد مورد انتقادهای شدید قرار گرفته بود زیرا دولت در آگاهی دهی عامه و دخیل ساختن جامعه مدنی کاستی های از خویش نشان داده است و همچنان این پروسه ها از شفافیت لازم نیز برخوردار نبوده است. این امر منتج به یک انقطاع بزرگ میان تلاش های دولت در راستای صلح و نظریات جامعه مدنی افغانستان گردیده است که بصورت ویژه نگرانی از دست دادن دستاورد های بوجود آمده طی یک دهه^{۲۲} گذشته می باشد. یکی از مقامات برنامه ملی صلح و ادغام مجدد اظهار داشته است که حضور و سهمگیری زنان در پروسه های ملی صلح شامل آجندای حکومت نبوده و آن تعهداتی که از طرف دولت صورت گرفته است، برای آن بودجه^{۲۳} در نظر گرفته نشده است. یک وسیله ای برای تعقیب موضوعات جندر تدوین گردید تا نظارت نماید که چه کسی در سطح محلات چه کاری را انجام می دهد تا

به تعقیب کنفرانس لندن در سال 2010، رئیس جمهور کزری پلان برگزاری جرگه مشورتی صلح را اعلام داشت تا اینکه در مورد چگونگی حضور طالبان و گروه های مسلح دولت بحث نمایند. جرگه مشورتی صلح در ماه جون 2010 در خیمه لویه جرگه برگزار گردید و در آن 1600 تن از نمایندگان در سه کتگوری حضور داشتند که شامل وکلای شورای ملی، وکیلان شورای ولایتی، روحانیون، رهبران قومی، نماینده گان جامعه مدنی، و نماینده گان مهاجرین افغان مقیم در پاکستان^{۲۴} و ایران، بودند. این جرگه مشورتی صلح تنها از حضور 334 تن زن (20٪)^{۲۵} برخوردار بودند. این جرگه منتج به ایجاد شورای عالی صلح^{۲۶} و مشروعیت بخشیدن برنامه ملی صلح و ادغام مجدد^{۲۷} گردید که در سال 2010 آغاز یافت و هدف آن برگرداندن جنگجویانی بود که در سطوح پایین بر علیه دولت می جنگیدند و همچنان فراهم آوری تشویقیه ها برای شان تا صفوف طالبان را ترک کرده و به خانه های شان برگردند تا بدین وسیله بتوان به ترویج صلح از مجرای سیاسی آن پراخت. این جرگه قطعه نامه ای را صادر کرد که درآن چنین آمده است، " مردم افغانستان خواهان صلح می باشد که بتواند حقوق تمام شهروندان به خصوص زنان و اطفال^{۲۸} را تضمین کند."

در این سروی، زنان دولت را در مورد سهم دهی زنان در نهادهای ملی صلح نمره C را داده و همین نمره را در قسمت پروسه های صلح ملی نیز اعطا کرده اند. شورای عالی صلح تنها 9 عضو زن در میان 70 عضو دارد. گلالی نور صافی عضوی شورای عالی صلح تاکید کرد که "ماموریت ما در شورای عالی صلح مبارزه برای حفظ فعال حضور زنان در این شورا بوده و نباید حضور ما بصورت احصاییوی^{۲۹} مطرح باشد." برنامه ملی صلح و ادغام مجدد و

¹⁷ M=2.82, SD=.92

¹⁸ M=2.94, SD=1.23

¹⁹ M=2.64, SD=1.16

²⁰ M=2.75, SD=.98

²¹ تصمیم اتخاذ شده در اختتام جرگه مشورتی صلح، شورای عالی صلح 2010, June 4

²² زرین حمید، قطعه نامه 1325 شورای امنیت: گزارش نظارت جامعه مدنی، شبکه زنان

²³ مریم صافی، پروسه های صلح، آیا در مسیر درست قرار داریم؟ <http://www.diplomaticcourier.com/news/regions/central-asia/386-the-afghan-peace-process-are-we-on-the-right-path>.

²⁴ ایمیلی وینتر بوتان، درمان میراث های جنگ در افغانستان: صدای مردم در مورد عدالت، صلح و مصالحه. <https://www.ecoi.net>

²⁵ وحیده صمد، " زنان و اعمار صلح در افغانستان: فرصت برای خوشبینی

²⁶ استیفن نجسن، " زنان و پروسه صلح در افغانستان، "

²⁷ الیزابت کامرون و دکتر کمینجا، "پشت درهای بسته، 2014."

²⁸ هناع پارتیس - جینیگس و مری س. هوپر، " زنان، صلح و امنیت در افغانستان: نگاه به عقب برای حرکت در جلو، " موسسه برابری برای صلح و دموکراسی،

²⁹ مصاحبه با مقامات برنامه مصالحه و ادغام مجدد

باعث افزایش هماهنگی گردد، اما این امر هیچ گاهی بنابر عدم موجودیت حمایت مالی³⁰، به بهره برداری سپرده نشد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان نمره C+ را در راستای حقوق و نیازمندی های شهروندان در پروسه های ملی صلح و مطرح ساختن اندوه گذشته زنان در این روندها، دریافت نموده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان سروی را تحت عنوان "خواست برای عدالت" در سال 2005، انجام داد که از با 4151 تن از شهروندان افغان و مهاجرین در سراسر کشور مشورت صورت گرفت که 1114 تن آنها را زنان تشکیل می داد. در این گزارش، 69٪ زنان قربانیان جرایم مربوط به منازعات و جنگ ها بودند. برای 42٪ زنان، عدالت به معنی صدور مجازات از طرف محاکم، و برای 76٪ عدالت را مساله خیلی مهم برای شان تلقی کردند. 58٪ زنان اظهار داشتند که جنایت کاران جنگی باید فوراً مجازات شوند و 91٪ آنها باور داشتند که باید ناقضین حقوق بشر باید هرچه زودتر از وظایف رسمی شان سبک دوش شوند. با وجود مشورت خیلی گسترده، این گزارش به حد گسترده مورد بهره برداری قرار نگرفت و در پلان های مصالحه و ادغام

مجدد شامل نگردید و دیدگاه ها و نیازمندی های زنان افغان به شکل خیلی گسترده نادیده گرفته شد. از تلاش های 2005 تاکنون، هیچ تلاشی در سطوح ملی از طرف دولت به منظور مشورت با زنان در پروسه های ملی صلح³¹، صورت نگرفته است.

سند شورای عالی صلح تحت عنوان "راهکار پروسه صلح 2015" که در سال 2012 به نشر رسید که حاوی پلان می باشد که پیشبینی می نماید که تا سال 2015 گروه طالبان، حزب اسلامی و سایر گروه های شورشی به دولت افغانستان پیوسته و در پروسه های سیاسی و قانونی دولت سهم فعال می گیرند و این زمانی خواهد بود که نیروهای خارجی نیز این کشور را ترک خواهند کرد. البته قابل ذکر است که این سند خیلی بلند پروازانه می باشد. این سند تنها در یک جا از زنان ذکر به عمل می آورد و در هیچ جایی دیگر نیازمندی های زنان را جهت نهادینه سازی نگرانی های جنسیتی و یا دیدگاه های زنان افغان را در پروسه های مصالحه و ادغام مجدد، در نظر گرفته نشده است.

³⁰ مصاحبه با مقامات برنامه مصالحه و ادغام مجدد

³¹ فریاد برای صلح: مذاکره ملی درمورد نقض حقوق بشر در گذشته در افغانستان،

کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان

<http://www.refworld.org/pdfid/47fdfad50.pdf>

پروسه های محلی صلح

C+	سهم گیری زنان در نهادهای محلی صلح ^{۳۲}
C	مشورت با زنان در پروسه های محلی ملی ^{۳۳}
B-	در نظر گرفتن نیازمندی ها و حقوق زنان در پروسه های محلی صلح ^{۳۴}
C	مورد رسیدگی قراردادن اندوه های گذشته زنان در پروسه های محلی ملی ^{۳۵}
C	در نظر گرفتن نیازمندی های زنان در ادغام مجدد جنگجویان اسبق ^{۳۶}

متوقف و مسوده جدیدی به عوض آن ترتیب گردید که تا کنون در وزارت عدلیه^{۴۰} به حالت تعلیق در آمده است. عدم موجودیت یک چارچوب برای تشریک مساعی میان نهادهای محلی که در پروسه های صلح و منازعه دخیل اند و نهادهای عدلی رسمی خود باعث یک ضعف دولت جمهوری اسلامی افغانستان گردیده که نتوانسته بصورت موثر حقوق و نیازمندی های زنان افغان را رعایت و مورد حراست قرار دهد.

در این سروی، زنان نمره C+ را برای دولت در راستای دخیل سازی و سهم دهی آنها در نهادهای صلح محلی ارایه کردند. بصورت رسمی، سهم زنان در کمیته های ولایتی صلح سه الی پنج زن در هر کمیته می باشد. تعداد مجموعی اعضای کمیته های ولایتی صلح وابسته به تعداد ولسوالی^{۴۱} های همان ولایت می باشد و باید یک زن از هر ولسوالی در این کمیته ها سهمیم باشند. باآنهم، یکی از مقامات برنامه ملی مصالحه و ادغام مجدد اظهار داشت که اشتراک زنان در نهادها در سطح محلات بصورت ترکیبی می باشد و هدف تعیین شده برای نماینده گی زنان از طرف کمیته های ولایتی صلح 50٪ می باشد اما در عمل به ندرت میتوان شاهد این تعداد زنان^{۴۲} در این کمیته ها بود.

یک تحقیق که در ولایت بلخ و کابل صورت گرفت، آشکار ساخت که زنان در قضایای وساطت و صلح آوری دخیل بوده اند اما این عملکردشان بیشتر

در سطح محلات، پروسه های صلح بیشتر تمرکز روی منازعات و تشنج های محلی داشته و همچنان فعالیت های پروسه ادغام مجدد را در سطح محلات نیز شامل می شود که این امر از طریق کمیته های ولایتی صلح و برنامه ملی مصالحه و ادغام مجدد صورت میگیرد. منازعات محلی بیشتر ناشی از مسایل فامیلی، منازعات روی زمین، کشمکش ها روی آب و منابع، دسترسی به خدمات، منازعات قومی و سمتی، و سایر اختلاف نظرهایی که در سطح محلات^{۳۷} بروز می نماید را شامل می شود. ساختارهای سنتی موجود مانند جرگه ها، شوراهای ملک ها و سایر رهبران مذهبی نقش خیلی مهم و کلیدی را در حل قضایا و منازعات محلی اجرا می نمایند. باوجودی که چنین ساختارها رسماً ثبت نمی باشد، اما بیشتر از 80٪ قضایا و مسایل محلات از طریق همین میکانیزم ها^{۳۸} دور از ساختارهای عدلی رسمی، حل میگردند. باوجودیکه قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان حفاظت های حقوقی را برای زنان فراهم ساخته است اما وقتی که چنین قضایا دور از سیستم عدلی رسمی رسیدگی می شود، برای حفاظت حقوق زنان هیچ مفهومی ندارد.

تاکنون هیچ گونه ارتباط میان سکتور عدلی رسمی و غیررسمی وجود ندارد و یا به هیچگونه محدودیتی بالای نهادهای غیررسمی وضع نگردیده است. هرچند کارهای زیادی روی مسوده پالیسی ملی راجع به ایجاد ارتباط میان سیستم عدلی رسمی و شوراهای حل منازعات محلی در سال های 2008 الی 2010^{۳۹} صورت گرفت اما با تعیین وزیر جدید، کار روی آن پالیسی

M=2.70, SD=1.12
M=2.57, SD=1.17
M=2.83, SD=1.26
M=3.19, SD=1.13

³⁷لیسا اسکریچ ، " طرح پروسه جامع صلح در افغانستان "، USIP, 2011,

http://www.usip.org/sites/default/files/Designing_a_Comprehensive_Peace_Process_for_Afghanistan.pdf.

³⁸ "حاکمیت قانون در افغانستان"، USIP, n.g.,

³⁹ نوح کوبرون ، " حل غیر رسمی منازعات و جوامع بین المللی در افغانستان،"

⁴⁰ " صلح و حکومتداری در افغانستان : مرور بر کارکردهای دولت،"

⁴¹ آن ولکنس، " از دست دادن اهداف، " 2012

تمرکز روی خشونت های خانوادگی^{۴۳} متمرکز بوده است. این گزارش همچنان حکایت داشت که زنان و دختران اکثراً به صورت جمعی^{۴۴} فعالیت های شان را به پیش نبرده اند تا اینکه توانسته باشند یک فضای مصوون را برای شان فراهم ساخته و همچنان مانع اجرای تصمیم هایی شوند که از طرف مردان بصورت گروهی و دسته جمعی و انحصاری در ساختارهای مملو از مردان مانند جرگه ها و شورا ها اتخاذ میگردد.^{۴۵}

دولت نمره C را برای تلاش هایش جهت مشورت با زنان در پروسه های صلح و نمره B- در رعایت نمودن حقوق و نیازمندی های زنان در پروسه صلح، از آن خود کرده است. نهادهای صلح در سطح محلات بلندترین میزان تبعیض را در برابر زنان داشته است زیرا موجودیت رهبران سنتی مذهبی با روحیه مردسالارانه سبب این امر شده است. یک گزارش دیگر دریافته بود که چنین میکانیزم های غیررسمی به نفع زنان عمل ننموده و عملکردهای شان را بیشتر منتج به نابرابری جنسیتی^{۴۶} میگردد. برعلاوه، هیچ برنامه پرداخت خساره که زنان بتوانند از آن مستفید شوند وجود نداشته و پول ها بصورت اختصاصی برای مردان^{۴۷} فراهم میگردد. هرچند، برنامه مصالحه و ادغام مجدد یک پالیسی نهادینه سازی جندر را دارد اما حضور زنان در تصمیم گیری ها خیلی کم رنگ بوده که محدود به فعالیت های نظارت و ارزیابی گردیده و درک خیلی محدود از برنامه ملی مصالحه و ادغام مجدد نزد زنان موجود است. تحقیق دریافته است که نقش زنان در سراسر کشور در پروسه های ادغام مجدد متفاوت بوده است و اکثریت این زنان فعالیت های شان را محدود به قضایای و مسایل خانوادگی دانسته و اکثراً در همچو قضایا به عنوان وساطت کننده گان اجرای نقش کرده اند. این تحقیق همچنان دریافته است که در ولایت کندز، آنهایی که به پروسه ادغام مجدد پیوسته اند و در صفوف پولیس محلی جذب شدند، مانع وظایف زنان در حضور عوام و مطرح ساختن شکایات گردیدند. مهم تر از آن اینکه زنان حق قبول و یا رد آنهایی را که در پروسه ادغام مجدد پیوسته اند را ندارند.^{۴۸}

برای دولت نمره C برای مطرح ساختن اندوه گذشته زنان در پروسه های محلی صلح و در نظر گرفتن نیازمندی های زنان در پروسه ادغام مجدد جنگجویان قدیمی، داده شده است. یک گزارش دیگر از سال 2014 نشان می دهد که نیازمندی ها و حقوق زنان در پروسه های ادغام مجدد جنگجویان

قدیمی در نظر گرفته نشده است و ظرفیت زنان در سطح محلات باید هرچه بیشتر تقویت گردد تا آنها بتوانند حضور شان را در پروسه های محلی صلح^{۴۹} قوی تر سازند. گزارش قبلی موسسه برابری برای صلح و دموکراسی در مورد دیدگاه های زنان افغان راجع به صلح و امنیت حکایت داشت که افکار و نظریات زنان راجع به ادغام مجدد در گفتمان های صلح و مصالحه انعکاس یافته است اما ادغام مجدد برای زنان و مردم افغانستان به عنوان یک نگرانی عمده امنیتی باقی است. برای اکثریت از اشتراک کننده گان، بحث ادغام مجدد طالبان به محلات و اجتماعات شان توأم با ارباب، ترس، نگرانی، تهدید، بدامنی، و خشونت بوده است و چندین تن این اشتراک کننده گان ادغام مجدد طالبان را کاملاً رد نمودند. این زنان باتوجه به گذشته طالبان، نسبت به آنها عدم اعتماد شان را اظهار داشتند و آنها را برای مردم به ویژه برای زنان به عنوان تهدید جدی قلم داد کردند. در این گزارش، اشتراک کننده گان ابزار داشتند که اجازه برای بازگشت طالبان به دامن جامعه تاثیرات منفی روی امنیت خواهد داشت و این جنگجویان به فعالیت های ضد دولتی و خشونت در اجتماعات شان خواهند پرداخت.

در گزارش قبلی موسسه برابری برای صلح و دموکراسی راجع به دیدگاه های زنان، اکثریت از کسانی که با آنها مشورت صورت گرفته بود، مخالفت شان را اظهار داشتند و گفته بودند که این یک ضعف پروسه مصالحه می باشد. موضوعات مصالحه شامل حقیقت و عدالت و پرداخت خساره میگردد که در سطوح سیاسی، ملی و محلی مطرح ساخته می شود. مقاومت دایمی در برابر ادغام مجدد از طرف اشتراک کننده گان این مساله را مطرح می سازد که پروسه مصالحه در راستای فراهم آوری یک اجماع که بتواند اندوه های گذشته را برجسته بسازد و برای زنان این فرصت را فراهم کند تا آنها خود شان بتوانند آینده شان را در یک افغانستان واحد بعد از منازعه، ترسیم نمایند. این امر نشان دهنده این است که در سطح بزرگتر، عدم موجودیت چارچوب های حساس به جندر در تمام سطوح پروسه صلح در افغانستان دیده می شود. در سطح ملی، هنوز هم زنان افغان در پروسه های صلح، مصالحه، ادغام مجدد و نهادهای مانند شورای عالی صلح حضور کم رنگ دارند. در سطح محلات، اکثریت تصمیم گیری ها و نهادهای موظف برای منازعات توأم با روحیه مردسالاری اداره می شوند.

UNDP and ACSOR, 2011,
<http://www.undp.org.af/Publications/KeyDocuments/2011/PPS-Eng%20Version-2011%20Final%20Lowest%20Res.pdf>.

گردآوری راپور توسط دفتر سازمان ملل مطابق متن 15 (ب) ضمیمه

"زنان و پولیس ملی افغان"، 2013.⁴⁷

مصاحبه با مقامات صندوق نظم و حاکمیت قانون

حناح پارتیس - جینینگس و مری س. هوپر، "زنان، صلح و امنیت در افغانستان"، 2014.

زنان و پولیس ملی افغان، "سند اکسفام، 10 September 2013.

http://www.iawp.org/campaigns/Afghanistan/Oxfam_bp-173-afghanistan-women-police-100913-en.pdf.

"سروی دیدگاه پولیس - 2011: دیدگاه افغانها،"

امنیت

است تا یک محیط مصوون پایدار را برای زنان فراهم بسازد تا آنها بتوانند دور از هر نوع ترس، ارباب، نگرانی و خشونت زندگی نموده که منتج به حمایت از اشتراک فعال و رهبری زنان گردیده و باعث ترویج صلح و ثبات دایمی گردد.

در کل، زنان در این سروی نمره C+ را برای کارکردهای دولت در سکتور امنیت در نظر گرفته است که این امر شامل ارزیابی کارکردهای دولت در راستای حفاظت حقوق زنان و دختران، نهادهای دخیل در سکتور امنیت و حقوق زنان، و تلاش دولت جهت افزایش زنان در سکتور امنیت، می باشد. تفاوت دیدگاه میان زنان از یک ولایت تا ولایت دیگر و از یک قوم تا قوم دیگر در مورد کارکردهای دولت در این زمینه، به مشاهده نرسیده است. همچنان تفاوت دیدگاه میان زنان با سنین، حالت مدنی، سطح تحصیلات و اشتغال نیز دیده نمی شد. باآنهم، زنانی که عاید خانواده شان بیشتر بوده، کارکردهای دولت را نسبت به زنانی که عاید شان پایین بودند^{۵۰}، ضعیف تر و ناکارا تر ارزیابی کردند.

در کتگوری صلح، اسناد، استراتژی ها، پالیسی ها و سایر قوانین افغانستان تعهدات کلیدی را برای زنان در راستای امنیت مطرح می سازد. پلان کاری ملی زنان افغانستان تصریح می دارد که دولت برابری جنسیتی و اشتراک زنان در سکتور امنیت را ترویج و تقویت می نماید که این امر در استراتژی انکشاف ملی افغانستان نیز انعکاس یافته است که "ترویج نهادینه سازی جندر و برابری جنسیتی در سکتور امنیت" و "افزایش کارمندان شایسته زنان در سکتور امنیت."

استراتژی انکشاف ملی در تمام پالیسی ها و برنامه ها تصریح می دارد که زنان و مردان از حقوق، امتیازات و مسوولیت های مساوی در سکتور امنیت برخوردار می باشند. دولت متعهد است تا آگاهی دهی را در موضوعات و مسایل مربوط به جندر و حقوق زنان افزایش داده، نقش زنان را در تصمیم گیری ها بیشتر ساخته و اطمینان دهد که زنان از فرصت های کاری برابر در سکتور امنیت برخوردار باشند. دولت همچنان متعهد به ایجاد و روی دست گرفتن میکانیزم هایی می باشد تا اهداف برابری جنسیتی در سکتور امنیت برآورده گردد. در پلان کاری ملی زنان افغانستان، دولت همچنان متعهد شده

حفاظت زنان و دختران

حفاظت فیزیکی و امنیتی زنان و دختران

C-

دولتی، موسسات ملی و بین المللی ایفای وظیفه می نمایند و همچنان فعالین حقوق زن بیشتر مورد ارباب و حملات قرار میگیرند که یک نگرانی عمده در راستای فعالیت های این فعالین حقوق زن مطرح می باشد.

این امر نهایت حایز اهمیت می باشد زیرا ناامنی و تأثیرات آن بالای زنان در حال اوج گرفتن است. سال 2013 خشن ترین سال در مقایسه با سال 2009 بود چون تعداد تلفات ملکی و مجروحین رو به افزایش بوده است و تنها 34٪ این مجروحین و قربانیان را زنان در سال 2012^{۵۲} تشکیل می داد. سال 2014 بصورت گسترده سال 2013 را در قسمت تلفات افراد ملکی و به خصوص زنان به عقب راند زیرا تنها 909 تن این قربانیان (298 کشته و 611 مجروح) را زنان تشکیل میداد که این خود یک رشد 21 درصدی را در مقایسه با سال 2013 نشان می دهد. باتوجه به موارد ذکر شده و احصایه ها، این خود نشان می دهد که دولت در راستای حفاظت زنان و دختران کم کاری کرده.

زنانی که در این سروی سهم گرفته بودند، برای دولت بخاطری حفاظت زنان و دختران و تامین مصوونیت و امنیت فیزیکی شان، نمره C- در نظر گرفته اند. تحقیق اخیر موسسه برابری برای صلح و دموکراسی دریافت که ناامنی فیزیکی هنوز هم یک مانع عمده فرا راه زندگی روزمره زنان افغان مطرح بوده که در حد وسیع تر آن خشونت ها و ناامنی به عنوان بزرگترین

مشکل زنان افغان در سال های اخیر قلمداد میگردد. تحقیق اخیر این موسسه همچنان آشکار ساخت که زنان هنوز هم از تهدیدهای حملات انتحاری، حملات بالای دختران در هنگام رفتن به مکاتب، وضعیت بد امنیتی در روستاها، منازعات قبیله ای، و جنگ ها میان جنگ سالاران، رنج می برند.

یک تحقیق دیگر خاطر نشان ساخت که محیط زیست تخصصی در افغانستان زنان را وادار می سازد تا آنها نشست و برخاست شان را مقید ساخته و اشتراک شان را در اماکن عامه^{۵۱} محدود سازند. برعلاوه، زنانی که در ادارت

مسوولین امنیتی و حقوق زن

B-	آگاهی مسوولین امنیتی در مورد حقوق زنان ^{۵۳}
C	حفاظت حقوق زنان توسط مسوولین امنیتی ^{۵۴}

برعلاوه آن، پولیس محلی متهم به ایجاد ارباب و آزار و اذیت شهروندان به شمول سواستفاده جنسی^{۶۱} می باشد.

وزارت امور داخله گام های مثبت را در راستای رسیدگی به مشکلات زنان در سکتور امنیتی روی دست گرفته است و این امر شامل برگزاری آموزش های سه روزه جندر و حقوق بشری برای مقاماتی که گزیده ها را انجام می دهند می باشد و همچنان برخی جلسات آموزشی دیگر را برای آفیسران و سایر نیروهای پولیس روی دست گرفته اند^{۶۲}. یکی از مقامات صندوق نظم و حاکمیت قانون اظهار داشت که قانون طرز سلوک پولیس جهت تحت آموزش قراردادن 20000 آفیسر پولیس و برگزاری سایر برنامه های آموزشی آموزگاران به منظور پایداری تلاش های آموزشی، روی دست گرفته شده است. مضاف برآن، واحدهای رسیدگی به خشونت های خانوادگی در سال 2006 به منظور رسیدگی به قضایای خشونت، اطفال در معرض خطر، و قربانیان زن ایجاد گردیده است. مطابق به یک ارزیابی که در سال 2013 صورت گرفت، حدودا 165 واحد رسیدگی به قضایای خشونت های خانوادگی نیمه فعال موجود است. باآنهم، هیچ یکی از این واحدها مجهز با اتاق های جداگانه نبوده و از تسهیلات خیلی محدود برای آفیسران زن^{۶۳} برخوردار می باشد. وزارت امور داخله پلان تطبیق استراتیژی جندر را در ماه اگست سال 2014 به تصویب رساند اما یکی از مقامات صندوق نظم و حاکمیت قانون اظهار می دارد که این پلان تنها به عنوان یک لیست آرزوها باقی خواهد ماند زیرا اهداف و مقاصد تعیین شده در این پلان خیلی غیرواقع بینانه^{۶۴} می باشد.

زنان همچنان با مشکلات جدی در هنگام دریافت جبران خسارت ناشی از جنگ، مواجه اند. یک گزارش آشکار ساخت که کود 99^{۶۵} و پرداخت های

مسوولین امنیتی در رابطه به آگاهی و حفاظت از حقوق زنان و دختران، نسبتا نمره های کمتری را از آن خود ساخته اند. این مسوولین در قسمت آگاهی از حقوق زنان نمره B- را و در قسمت حفاظت از حقوق زنان و دختران C را کسب کردند. در گزارش قبلی موسسه برابری برای صلح و دموکراسی تحت عنوان زنان، صلح و امنیت، اشتراک کننده گان اظهار داشتند که موارد سواستفاده از طرف پولیس و اشخاص صاحب صلاحیت در ساختار پولیس دیده شده است و نیاز جدی است که پولیس ملی تقویت و تعلیم داده شود. بعضی زنان عدم اعتماد خود را نسبت به پولیس اظهار داشتند و گفتند که پولیس اکثرا صادق نبوده و در فساد غرق اند و سوابق و گذشته نیروهای پولیس باید بگونه ای جدی مورد ارزیابی قرار گیرد تا اطمینان داده شود که سوابق جرمی^{۵۵} نداشته باشند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پولیس ملی را متهم به سواستفاده از زنان کرده است. گزارشی که در ماه جون 2013^{۵۶} از طرف این کمیسیون نشر شد، دریافته است که نیروهای پولیس حدودا 15% از قتل های ناموسی و تجاوزات جنسی را که بین سال های 2011 و 2013^{۵۷} به ثبت رسیده است، مرتکب شده اند. مطالعه دیدگاه ها در مورد پولیس در سال 2011 نشان داد که تنها 33% افغانها فکر می کنند که پولیس با زنان احترامانه برخورد^{۵۸} می کند. کمتر از 20% افغانها به پولیس مراجعه می کنند تا قضایای خشونت علیه زنان را گزارش کنند و کمتر از 30% آنها به پولیس برای تجاوزات جنسی^{۵۹} مراجعه میکنند که این امر خود بیانگر آگاهی پایین و یا حمایت از حقوق زنان در میان مسوولین رسمی امنیتی می باشد. درحالیکه تنها 62% مردان موضوعات را بصورت انفرادی به پولیس گزارش می کنند و تنها 37% زنان اظهار داشتند که آنها چنین کاری را نیز خواهند کرد^{۶۰}.

وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین نتوانسته تا دسترسی مساویانه را برای دریافت جبران خسارت ناشی از جنگ، روی دست گیرد. درحالیکه زنان حق دارند تا مساعدت های مالی را بعد از ارایه درخواست، دریافت نمایند، اما مسایل اجتماعی - فرهنگی مانع این امر می شوند تا زنان نتوانند ادعاهای شان را تعقیب نموده و کمک های مربوطه را دریافت بدارند. این تحقیق همچنان نشان داد که مردان خانواده به نمایندگی از زن پروسه را آغاز نموده، پرداخت ها را دریافت و تصامیم مالی را نیز به نمایندگی آنها، این مردان اتخاذ می کنند. علاوه برآن، اغلب دیده شده است زنانی که مردی را با خود نداشته تا به نمایندگی از او خواستار حقوق گردیده باشد، نتوانسته است تا این پرداخت های را که برای از دست دادن رییس فامیل و یا نان آور خانواده⁶⁶ درنظر گرفته شده است، را دریافت بدارد.

در رابطه به نهادینه سازی جندر، ریاست جندر وزارت امور داخله ایجاد گردید و در میان سایر مسوولیت های که دارد، جمع آوری آمار و معلومات در رابطه به جندر و همچنان احصاییه های که بتوانند حساس به جندر بوده و به

تفکیک جندر قابل شناسایی باشد را جمع آوری کند. گزارش اخیر صندوق نظم و حاکمیت قانون برنامه انکشافی ملل متحد نشان میدهد که تیم نظارت و ارزیابی این برنامه انکشافی ملل متحد حمایت های را جهت ایجاد چنین سیستم به شمول میتودولوژی ها و بهبود منابع معلوماتی موجود به عنوان دیتابیس قوای بشری، فراهم ساخته است. هدف آن جمع آوری معلومات - تعداد دقیق پولیس زن و کارکنان خدمات ملکی زن، راهکار وظیفوی زنان و ترویج فرصت ها - به منظور اتخاذ پالیسی ها و استراتژی های می باشد که بتواند استخدام و بقای کارمندان زن را در پولیس ملی و وزارت داخله کشور⁶⁷ حفظ نماید. برعلاوه آن، 50 واحد های جندر در سراسر کشور ایجاد گردیده است که سالانه دو بار مجلس های خویش را برگزار کرده و چالش ها⁶⁸ و پیشرفت ها را در راستای جندر به بحث میگیرند. باوجود آن، نمره B- و C در این بخش به مفهوم این است که تلاش های زیادی در این راستا صورت گرفته است اما هنوز هم نیاز است تا به نمایندگی از وزارت امور داخله و سایر جناح های ذیدخل اطمینان داده شود که به اندازه کافی این مساله در اولویت قرار گرفته و به آن رسیدگی صورت میگیرد.

استخدام زنان در سکتور امنیتی

C+	فرصت های کاریابی برابر برای مردان و زنان در سکتور امنیت
B	میزان حضور زنان در پولیس ملی در مقایسه به پنج سال قبل

برای پولیس و افسران زن می نماید، اما هنوز هم زنان کمتر از نصف این بست ها را تشکیل می دهند. تنها 1٪ پولیس ملی را زنان و 0.5 فیصد اردوی ملی را زنان تشکیل می دهد.⁷⁰

باوجود تعهدات دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حمایت های مالی بین المللی از طرف صندوق نظم و حاکمیت قانون و پولیس اتحادیه اروپا، هنوز هم پیشرفت های چشمگیری در راستای استخدام زنان در پولیس ملی و وزارت امور داخله صورت نگرفته است. مطابق به گزارش اخیر صندوق نظم و حاکمیت قانون، به تعداد 2185 تن پولیس زن برای پولیس ملی و وزارت

دولت افغانستان تعهد سپرده است تا نیازمندی ها و منافع زنان را با ایجاد فضای مصوون و استخدام شان در پولیس ملی و خدمات ملکی وزارت امور داخله و از نهادینه سازی جندر در سراسر کشور، اطمینان دهد. در یک دهه گذشته، دولت جمهوری اسلامی افغانستان ابتکارات متعددی را جهت افزایش و استخدام زنان در پولیس ملی روی دست گرفته است و پیشرفت های قابل ملاحظه ای را در تعداد پولیس زن نایل آمده است که در میان 53400 تن پولیس که 180 تن آنها را در سال 2005 پولیس زن تشکیل میداد به 1441 پولیس زن در میان 157000 پولیس مرد در سال 2013⁶⁹ رسانده است. برعلاوه، تشکیل پولیس ملی ایجاب 3249 بست خدمات ملکی را

⁶⁵ "زنان و پولیس ملی افغان"، سند اکسفام، 10 September 2013.

"سروی دیدگاه پولیس - 2011: دیدگاه افغانها،"

گردآوری راپور توسط دفتر سازمان ملل مطابق متن 15 (ب) ضمیمه

"زنان و پولیس ملی افغان"، 2013.⁶⁵

مصاحبه با مقامات UNDP-LOTFA، 10 December 2014.

"صندوق نظم و حاکمیت قانون: 2013 گزارش ربع وار دوم پروژه،"

"راپور اولی ربع وار پروژه "صندوق نظم و حاکمیت قانون، 2014،

<http://www.af.undp.org/content/dam/afghanistan/docs/crisisprev/LOTFA/LOTFA-1QPR-2014.pdf>.

"2013 زنان و پولیس ملی در افغانستان."⁷⁰

ارزیابی اصلاحات نهادی وزارت داخله برای تطبیق پلان استراتژیک ده ساله، خدمات

مشورت دهی سلسله، 2013.⁷⁰

<https://ipcb.files.wordpress.com/2014/04/institutional-reform-assessment-report-final.pdf>.

"ماموریت پولیس اروپا در افغانستان:"⁷⁰

این در مصاحبه با مشاور جندر پولیس اتحادیه اروپا ذکر شده است.⁷⁰

The press release can be found here: <http://www.eupol-afg.eu/node/500>.

"راپور ربع وار اولی پروژه "صندوق نظم و حاکمیت قانون برای افغانستان، 2014.⁷⁰

محافظت از خویش: پاسخ جدی افغانها به آسیب شهروندان،" مرکز برای شهروندان در

جنگ، 2013

http://civiliansinconflict.org/uploads/files/publications/Afghan_Report_2013_smaller_final.pdf.

داخله کشور استخدام گردیده اند که این رقم تنها 2٪ از نیروهای پولیس را دربردارد که خیلی کمتر از اهداف تعیین شده پلان تطبیقی استراتیژی وزارت امور داخله می باشد که در آن باید 5000 تن پولیس زن شامل پرسونل وزارت داخله و پولیس ملی باشد. موانع احتمالی فرا راه حضور زنان در پولیس ملی عبارت اند از: ناامنی در فضای کار، عدم برنامه های حفاظتی، عدم سهولت های رفاهی، فرصت های ناکافی برای ترفیح، و عدم موجودیت زنان در سطوح رهبری.

برعلاوه، خواست و اراده سیاسی نیز در این مورد موجود نمی باشد. بگونه مثال، شرایط سوادآموزی برای زنان در مقایسه با مردان به مراتب بیشتر می باشد. یک تحقیق انجام شده از مخابره های پولیس ملی نشان در سال 2012 نشان داد که اتهامات وسیع از سوءاستفاده جنسی و تجاوزات بالای پولیس زن در مزار شریف مطرح بوده است و مقامات پولیس در بدل ترفیع پولیس زن از آنها خواستار مطالبات جنسی شده اند. تحقیق دیگری که از طرف دفتر آکسفام انجام یافت، نشان داد که این طرز فکر و عملکردهای غلط همچنان وقتی که یک زن در پولیس ملی استخدام می شوند نیز ادامه می یابد؛ پولیس زن از تسهیلات خیلی اساسی مانند داشتن یونیفورم، دریافت برنامه های آموزشی محروم اند و اکثراً کارهای خیلی پیش پا افتاده مانند تهیه چای برای شان سپرده می شود. این امر نیز ریشه در فرهنگ و نورم های مردسالارانه دارد که تامین امنیت را از جمله کارهای می دانند که باید توسط مردان فراهم شوند و زنان را برای این کار مناسب نمی بینند. البته این طرز دید نه تنها در افغانستان بلکه در تمام دنیا معمول است اما در افغانستان با توجه به هنجارهای اجتماعی ایجاد شده، این امر به شدت قوی می باشد.

در بیرون از ساختار حکومت، پذیرش پولیس زن درحال افزایش است که این امر را سروی که در سال 2012 از طرف ملل متحد انجام یافت تاکید می کند چون این گزارش یافته بود که نقش پولیس زن در حل قضایا خیلی منصفانه و عادلانه بوده است و پولیس اتحادیه اروپا پیشنهاد می دارد که افزایش پولیس زن میتواند باعث محبوبیت فعالیت های دولت گردد. در سال 2011، 67٪ مردان و 72٪ زنان اظهار داشتند که آنها جرایم را گزارش خواهند کرد اگر آفیسران پولیس زن باشند. در سال 2014، 37٪ مردان و 42٪ زنان شدیداً باور داشتند که زنان می توانند در صفوف اردوی ملی و پولیس ملی ایفای وظیفه نمایند. باوجودی که راه دراز در پیش است، اما نشان میدهد که تغییر افکار در مورد نمایندگی زنان در سکتور امنیتی در میان عوام در حال تغییر است. این یافته ها نشان می دهد که باورهای هنجاری در مورد جنر مانع پیشرفت های زنان در نهادهای امنیتی خواهند گردید اما کمتر یک مانع اجتماعی تلقی میگردد. باوجود آنها، دولت هنوز هم باید استخدام پولیس زن را در اولویت قرار داده و از زنان حمایت جدی نماید.

هرچند، یکی از مقامات پولیس اتحادیه اروپا طی مصاحبه خاطر نشان ساخت که حمایت های قوی از طرف مقامات ذریعه نهایی سازی پلان استراتیژی برای آفیسران زن و پلان تطبیقی جنر و برخی زنانی که در پست های بلند در وزارت داخله ایفای وظیفه می نمایند، وجود داشته اما هنوز نصف بست های که برای زنان اختصاص داده شده است از طرف مردان تصاحب شده است. در تضاد با آن، این مقام پولیس اتحادیه اروپا نیز اظهار داشت که تلاش

های از طرف وزارت داخله جهت تضعیف واحدهای جنر صورت گرفته است که این کار با واکنش های از طرف جامعه بین المللی توأم بوده است که مانع این کار شده است. شخص موصوف نیز ذکر کرده است که آنها نمیدانند که آیا تلاش ها برای جمع آوری ارقام به تفکیک جنسیت صورت میگیرد و یا اینکه سیستم نظارت و ارزیابی که بتواند پاسخگوی نیازمندی های جنر باشد در داخل وزارت امور داخله وجود دارد. یکی از مقامات صندوق نظم و حاکمیت قانون اظهار داشته است که وزارت داخله تلاش های جدی را جهت استخدام پولیس زن روی دست دارد و تنها 400 تن از زنان را در سال 2014 استخدام کرده اند که در مقایسه با سال 2013 که تنها 70 تن بوده است، افزایش خوبی را نشان می دهد و تمام این جدید الشمولان کسانی هستند که دارای دیپلوم می باشند و برای 4 ماه به کشور ترکیه به منظور دریافت آموزش، ارسال گردیده اند. این مقام اضافه نموده است که هدف تعیین شده 30٪ حضور زنان در اهداف انکشافی هزارساله برای افغانستان خیلی غیرواقعینانه بوده و نایل آمدن به هدف 3 درصدی هم میتواند یک دستاورد بزرگ محسوب شد.

وزارت امور داخله به منظور رسیدگی به مسایل و مشکلاتی که زنان پولیس با آن مواجه اند، تلاش های انجام داده است و این تلاش ها شامل تدوین رهنمود در مورد آزار و اذیت جنسی می باشد که در سال 2013 به نشر رسید. باآنها، این تحقیق دریافته است که این رهنمود در سطح محلات قابل تنفیذ نموده و از طرف وزارت امور داخله بصورت درست مورد نظارت قرار نمیگیرد و خیلی کم و یا هم هیچ آگاهی دهی در مورد این سند و یا سایر قوانین و استراتیژی ها مانند قانون منع خشونت و پلان کاری ملی زنان افغانستان، صورت نگرفته است. برعلاوه، گزارش آکسفام دریافته است که عدم موجودیت تسهیلات مناسب برای زنان میزان آسیب پذیری زنان پولیس را افزایش داده و تنها محدود زنانی اند که از حمام های که قفل شوند و تسهیلات جداگانه در ماموریت های پولیس، برخوردار اند. علاوه، زنان پولیس که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته و یا قربانی جنسی قرار گرفته اند تلاش می نمایند تا حمایت و کمک به دست آورند که این امر نیز بصورت کل موفق نبوده است.

درحالیکه یافته های این تحقیق نشان می دهد که پیشرفت های در راستای ایجاد اصلاحات در سکتور امنیتی با گذشت بیشتر از یک دهه صورت گرفته است و نمره C+ در مورد فراهم آوری فرصت های اقتصادی و کارایی برابر و دیدگاه های نسبتاً مثبت در مورد آگاهی دهی از موضوعات جنر در سکتور امنیت انعکاس دهنده این امر می باشد که تلاش های جدی برای مطرح ساختن و رسیدگی به این مسایل، الزامی می باشد. قطعه نامه 1325 شورای امنیت ملل متحد، در پهلوی این تحقیق بیانگر این امر است که برابری جنسیتی و اشتراک و سهمگیری زنان در نهادهای امنیتی و تصمیم گیری ها برای صلح پایدار، حتمی و حیاتی می باشد. لازمی است که ساختارهای ریفورم ها در سکتور امنیتی بگونه ای باشند که خود زمینه ساز برابری حضور بیشتر زنان گردیده و برابری جنسیتی را ترویج نمایند تا اینکه محیط ایجاد شود که صلح پایدار را در خود تقویت نماید.

صحت

می باشد. مهم تر از همه، استراتژی انکشاف ملی همچنان اظهار می دارد که به عنوان شریک زندگی، مردان بر علاوه زنان نیز باید معلومات کافی در مورد آمادگی های دوران ولادت، مراقبت های قبل و بعد از ولادت، و همچنان برنامه ریزی برای کاهش فشار کار بالای مادر، تقویت رژیم غذایی مقوی برای مادر و تعقیب این مساله، داشته باشند. همچنان اشاره دارد که مردان نباید بالای زنان خویش فشار بیاورند که بعد از ازدواج باید صاحب طفل شوند. این تعهدات خود نیازمندی های زنان را به رسمیت شناخته تا نورم های اجتماعی جندر که در حال حاضر موجود است اما برای صحت مادر مضر باید بگونه ای تغییر کنند که صحت و مصوونیت زنان را تقویت بخشیده و همچنان باعث تقسیم مسوولیت ها و اتخاذ تصامیم بین مردان و زنان گردند.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان تعهدات بسیار شدید را در راستای کاهش میزان مرگ و میر مادران در پلان کاری ملی زنان افغان، استراتژی انکشاف ملی، برنامه های ملی دارای اولویت و اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان نموده است و تصریح کرده است که میزان مرگ و میر مادران را تا 50٪ بین سال های 2002 الی 2015 و 25٪ از سال 2003 الی 2020 کاهش دهد. همچنان تعهد شده است تا سال 2013 حداقل یک کارکن صحتی زن باید در هر تسهیل صحتی توظیف باشد. دولت پلان نموده است که تا سال 2016 حداقل 80٪ از تسهیلات صحتی مجهز با ماهرین ولادی باشند که مبنای آن در سال 2012، 68٪ بوده است. 100٪ از تسهیلات صحتی مجهز با حداقل سه روش معاصر تنظیم خانواده بوده که مبنای آن 81٪ و 50٪ ولادت ها در حضور ماهرین ولادی انجام می شوند که مبنای آن 34٪ بوده است.

در کل، زنان در این سروی برای دولت در راستای صحت که کارکرد های دولت را در قسمت دسترسی زنان را به مراقبت های صحتی، تنظیم خانواده و صحت باروری و همچنان حمایت های عاطفی و اجتماعی - روانی مورد ارزیابی قرار داده است، نمره B- را در نظر گرفته اند. تفاوت دیدگاه میان زنان از یک ولایت تا ولایت دیگر و از یک قوم تا قوم دیگر در مورد کارکردهای دولت در این زمینه، به مشاهده نرسید. همچنان تفاوت دیدگاه میان زنان با سنین، حالت مدنی، سطح تحصیلات و اشتغال نیز دیده نمی شد. باآنهم، زنانی که درآمد فامیل های شان بیشتر بوده است، کارکردهای دولت را نسبت به زنانی که عاید شان پایین بودند، ضعیف تر و ناکار تر ارزیابی کردند و دلیل آن نیز این میتواند باشد که آنها بیشتر دسترسی به خدمات داشته و فرصت داشتند تا خدمات صحتی دولت را مشاهده نمایند و یا معلومات شان در مورد معیارهای صحتی بیشتر بوده است.

زنان افغان در دوران حکومت طالبان با مشکلات بسیار جدی صحتی روبرو بودند. وضع قیودات بالای رفت و برگشت زنان محدودیت های بسیار جدی را بالای توانایی زنان جهت دسترسی به خدمات صحتی برجا گذاشت. بر علاوه، کیفیت مراقبت های صحتی همچنان بصورت قابل توجه از بین رفت زیرا داکتران مرد نمیتوانستند با مریضان زن در تماس باشند و این امر سبب گردید تا تشخیص درست صورت نگیرد و همچنان برنامه های آموزشی برای عرضه کننده گان خدمات صحتی نیز متوقف گردید. تمام پرسونل زنانه شفاخانه به شمول داکتران، نرس ها، قابله ها، فارمسیست ها از اجرای وظیفه در شفاخانه های دولتی محروم گردیدند و فقط در یک تسهیل صحتی 35 بستره می توانستند کار کنند. عدم دسترسی به برنامه های آموزشی و فرصت نداشتن برای اجرای تمرین های طبی و دسترسی به نورم های صحتی در مورد دسترسی زنان به مراقبت های صحتی باعث بوجود آمدن موانع جدی گردید که اثرات آن حتی از رژیم طالبان نیز حاکم بود.

باتوجه به مشکلاتی که زنان افغان با آن دست و پنجه نرم میکنند، دولت جمهوری اسلامی افغانستان یک سلسله تعهدات را در راستای صحت زنان با هدف اطمینان بخشیدن از رفاه و آسایش عاطفی، اجتماعی، و فیزیکی آنها، انجام داده است تا اینکه توانسته باشد حقوق باروری آنها را حفاظت کرده باشد. در پلان کاری ملی زنان افغانستان، دولت متعهد به تقویت کیفیت و بهبودی دسترسی زنان به بسته اساسی خدمات صحتی و افزایش سرمایه گذاری روی برنامه های آموزشی برای عرضه کننده گان خدمات صحتی، می باشد. در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، دولت جمهوری اسلامی افغانستان تعهد سپرده است که تعداد کارمندان زنان شایسته را به عنوان کارکنان صحتی افزایش داده و تعهدات خویش را در راستای تطبیق مفاد کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان بار دیگر تصریح نموده تا اینکه تبعیض را محو کرده و از دسترسی برابر به مراقبت های صحتی توسط زنان و مردان اطمینان دهد که این امر شامل ارایه مشوره و فراهم آوری معلومات در مورد تنظیم خانواده نیز میگردد. این سند همچنان اشاره به تقویت و توانمند سازی دایمی زنان نموده تا آنها خود شان در مورد صحت و خانواده شان تصمیم بگیرند. پلان کاری ملی زنان افغان نیز تصریح می نماید که خدمات صحتی دوره ای در مکاتب و دانشگاه ها نیز فراهم میگردد تا دسترسی زنان و دختران را به خدمات و مراقبت های صحتی سهولت بخشد.

دولت همچنان در راستای صحت باروری زنان تعهدات بلندپروازانه ای را نموده است که این تعهدات شامل افزایش دسترسی به منابع و تطبیق موفقانه استراتژی ملی صحت باروری و کاهش میزان عقامت و همچنان اجرایی نمودن پالیسی الزامی برای ارتقای ظرفیت خدمات صحت باروری، تنظیم خانواده، و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان در تمام تسهیلات صحتی،

دسترسی زنان به مراقبت های صحی

B-	دسترسی زنان به خدمات اولیه صحی
C+	تعداد کارکنان مراقبت های صحی مسلکی در تسهیلات صحی
B	موجودیت کارکنان مراقبت های صحی اناث در مقایسه با 5 سال قبل
B-	قابل دسترس بودن تسهیلات صحی برای زنان
B	پاسخگو بودن به نیازمندی های زنان

آنها حد اقل از وجود یک کارمند زن برخوردار بوده است. مطابق به گزارش های وزارت صحت عامه، کارکنان صحی زنان که در سطح محلات مصروف فعالیت بودند به 48٪ میرسید.

بسیار امیدوار کننده این است که تنها 40٪ محصلین دانشگاه طبی کابل را در سال 2013-2014 دختران و زنان تشکیل می دهند که این رقم به مراتب بیشتر از 19٪ از سهم شمولیت دختران در موسسات تحصیلات عالی دولتی می باشد. در موسسات تحصیلات عالی دولتی در مرکز و ولایات، زنان 24٪ محصلین دانشگاه های طبی را تشکیل می دهند، 38٪ آنها در فاکولته صحت عامه، 29٪ آنها در طب معالجوی، 54٪ آنها در فاکولته ستوماتولوژی، و 64٪ آنها در فاکولته نرسنگ مصروف فراه گیری دانش اند. علاوه برآن، در سال 2010، 32 مکتب قابلیتگی تاسیس گردید که این رقم بعدا به 22 مکتب کاهش یافت.

زنان برای دولت در راستای قابل دسترس بودن تسهیلات مراقبت های صحی برای زنان، نمره B- را در نظر گرفته اند. مطابق به سروی که در سال 2009 انجام یافت، بیشتر از 85٪ جمعیت افغانستان به مراقبت های صحی اولیه با فاصله زمانی دو ساعت پیاده به این تسهیلات، دسترسی داشتند. در یک گزارش دیگر در سال 2014، 90٪ زنان گزارش کردند که آنها در مدت کمتر از یک ساعت به کلینک های صحی و یا شفاخانه ها دسترسی داشتند که در این میان 8٪ آنها در مدت دو ساعت، و 3٪ آنها در مدت بیشتر از دو ساعت به این تسهیلات صحی دسترسی داشتند. 41٪ این زنان گزارش کردند که به شفاخانه ها و کلینک ها پیاده، 4٪ با استفاده از حیوانات، 27٪ با موتر های تیز رفتار و لاری ها، 12٪ با موترسایکل، 1٪ با بایسکل، 2٪ با بس و 2٪ دیگر با ریکشا، میروند.

باوجود پیشرفت های صورت گرفته روی کاغذ، دو ساعت پیاده برای زنان در افغانستان مملو از چالش ها و دشواری های زیاد نسبت به مردان می باشد. مسایل چون ناامنی، حساسیت های فرهنگی و عنعنوی، این سوال را مطرح می سازد که آیا دو ساعت پیاده برای زنان میتواند "قابل دسترس" تلقی شود، به ویژه برای زنانی که در روستاها و راه های دور دست زندگی می کنند و سرپرستی و اداره خانواده را نیز به عهده دارند. همین سروی که در سال 2009 صورت گرفت، دریافته بود که حدودا 300000 هزار نفر از دسترسی

زنانی که در این سروی سهم گرفتند، دولت را در قسمت دسترسی زنان به خدمات اساسی صحی نمره B- را ارایه کردند. وزارت صحت عامه بسته اساسی خدمات صحی را در سال 2002 به عنوان یک رهنما برای خدمات صحی دولت تدوین نمود که این بسته صحی به منظور فراهم آوری خدمات صحی برای تمام شهروندان در تمام ساحات با تاثیرات بسیار بزرگ روی مشکلات عمده صحی داشته باشد، از لحاظ زیربناها قابل دسترس، با هزینه بهتر، و دسترسی مساوی به مراقبت های صحی در شهرها و روستاها می باشد. مطابق به گزارش های سیستم مدیریت معلومات صحی وزارت صحت عامه، تعداد مجموعی بسته های اساسی خدمات صحی فعال از 1075 در سال 2004 به 1829 در سال 2011 رسیده است که انعکاس دهنده 70٪ افزایش می باشد و اوسط نفوسی را که توسط هر تسهیل بسته اساسی خدمات صحی تحت پوشش قرار میگیرد از 15175 به 10849 نفر کاهش یافته است. تعداد مرضیانی که از تسهیلات بسته اساسی خدمات صحی دیدار به عمل می آورند از 2.0 میلیون به 44.8 میلیون در سال افزایش یافته است و اوسط مرضیانی که روزانه از کلینک های صحی خدمات دریافت می دارند از 6537 در سال 2004 به 143046 در سال 2001، افزایش یافته است هرچند این ارقام به تفکیک جنسیت جمع آوری نگردیده و افزایش چهارچندی را در گزارش های تسهیلات بسته های اساسی خدمات صحی بصورت منظم انعکاس می دهد. باآنهم، اوسط عمر میان زنان در افغانستان در حال افزایش است که از 58.3 در سال 2005 به 61.8 در سال 2012 افزایش نموده است البته در مقایسه با مردان که 59.3 در سال 2012 بوده است.

هرچند زنان برای دولت در راستای موجودیت کارکنان صحی زن در مقایسه با 5 سال قبل، نمره B را داده است اما هنوز هم دولت در قسمت کارکنان صحی شایسته از طبقه اناث در تسهیلات صحی دولتی، نمره C+ را از آن خود نموده است. مطابق به کتاب احصایه 2013 - 2014 اداره مرکزی احصایه، وزارت صحت عامه به شمول کارمندان قراردادی و رسمی به تعداد 1106 کارمند زن را در ولایات در مقایسه با 4709 کارمند مرد و 1918 زن در مرکز در مقایسه با 4869 مرد، استخدام نموده است. هرچند، پیشرفت های چشمگیری را آشکار می سازد زیرا در میان سال های 2004 تا 2012، تعداد تسهیلات صحی در افغانستان از 496 به 2047 افزایش یافته است که 1680 این تسهیلات برای مراقبت های اولیه بوده و 74٪

به خدمات اولیه صحتی بنابر موجودیت خشونت در سال 2008، محروم مانده اند و بهره برداری از خدمات صحتی در مناطق امن سه برابر بیشتر از مناطق ناامن بوده است. برعلاوه، عدم موجودیت زیربناها و وضعیت خراب جاده ها میتوانند دسترسی به چنین مناطق را در فصل زمستان و سایر فصول دشوار تر سازد و این هنگامی بازتر می گردد که فرد دارای مشکل صحتی جدی باشد. همچنان بسیار مشکل است که بتوان کارمندان زن را به مناطق دوردست توظیف نمود، هرچند وزارت صحت عامه تشویقیه های مالی خوبی را برای کارمندانی که بتوانند در مناطق دوردست ایفای وظیفه نمایند، روی دست گرفته است.

حتی هنگامی که زنان به کلینک ها و شفاخانه ها خود را میرسانند، با آنهم در آنجا به تمام نیازمندی های آنها رسیدگی صورت گرفته نمیتواند. دولت نمره B را در رابطه به حساسیت تسهیلات صحتی به نیازمندی های زنان، از آن خود کرده است. هرچند موجودیت و یاعدم موجودیت پرسونل صحتی زنانه و قابل دسترس بودن کلینک ها و شفاخانه ها از فکتورهای عمده ای از حساسیت های جنسیتی در سکتور صحت می باشد، اما پاسخگویی و رسیدگی به نیازمندی های زنان از طرف تسهیلات صحتی شامل موقعیت فیزیکی، دیزاین و نما، فیس استفاده کننده گان، و موجودیت تکنالوژی های مشخص و ادویه از فکتور های اساسی می باشد. بگونه مثال، یک سروی در سال 2013 دریافت که برخی از کلینک ها از موجودیت اتاق های انتظار بی نصیب اند و یا این اتاق ها به حدی بزرگ می باشند که در زمستان گرم

نگهداشتن آن کار دشواری است. برخی دیگر از کلینک ها جا و فضای کافی برای نگهداری ادویه شان نداشتند. یک تحقیق دیگر دریافته بود که عدم موجودیت اتاق های انتظار برای زنان به عنوان یک مانع برای دسترسی زنان به کلینک ها مطرح بوده است. مثال دیگر در مورد صحت باروری در سال 2008 این است که تنها 1٪ از تسهیلات صحتی مجهز با وسایل و تجهیزات نسایی و ولادی بوده است. 71٪ از تسهیلات صحتی از مریضان فیس دریافت می نمودند و این تسهیلات نیز از وجود ماهرین ولادی مسلکی بی نصیب بودند. برعلاوه، ارزیابی وزارت صحت عامه در سال 2013 دریافت که ظرفیت ناکافی جهت رسیدگی به مسایل حساسیت های جنسیتی مانند خشونت های فیزیکی، جنسی و روانی به ویژه برای زنان، موجود است.

هرچند سیستم معلوماتی مدیریت صحتی وزارت صحت عامه معلومات را جمع آوری میکند و بیشتر معلومات در مورد برنامه های ملی به تفکیک جنسیت موجود می باشد، اما اکثریت این معلومات و آمار تفکیک جنسیت را در خود ندارد. یکی از مقامات دفتر جیکا که در وزارت صحت عامه ایفای وظیفه می نماید، اظهار داشت که شاخص های فعلی وزارت صحت عامه ناکافی بوده و وزارت باید بداند که چه مقدار پول را برای صحت زنان و مردان به مصرف رسانده است. درحال حاضر، دولت 4 دالر امریکایی را بالای صحت فی شخص به مصرف میرساند و فواید ناشی از عواید به تفکیک جنسیت نامعلوم می باشد.

صحت باروری و تنظیم خانواده

C-	آگاهی داشتن زنان از استراتیژی های که تنظیم خانواده
C	ولادت های که توسط ماهرین ولادی انجام یافته است.
B	میزان مرگ و میر در مقایسه با پنج سال قبل

قابلیت در هنگام ولادت از آن جلوگیری به عمل آورد. کاهش قابل ملاحظه ای در میزان مرگ و میرمادران صورت گرفته است که بلندترین میزان آن 1600 واقعات مرگ در هر 100000 ولادت های زنده در سال 2001 به 400 واقعات مرگ در هر 100000 ولادت های زنده در سال 2014، کاهش یافته است.

باوجودی که هنوز هم چالش های متعددی وجود دارد، اما پیشرفت های چشمگیری در رابطه به صحت باروری زنان که به عنوان یک عرصه خیلی حیاتی تصدیق گردیده است میتواند بالای میزان کاهش فقر، توانمند سازی و اشتراک زنان، صحت اطفال و آموزش، تاثیرات فراوان داشته باشد. سه چند تمام مرگ و میرمادران در هنگام ولادت و در دوران بسیار نزدیک بعد از ولادت اتفاق می افتد که میتواند با کارکنان صحتی مسلکی با مهارت های

⁷² کتاب احصایی 2013 – 2014 افغانستان، "اداره مرکزی احصاییه، دولت جمهوری اسلامی افغانستان، 2014، <http://cso.gov.af/Content/files/Government%20Civil%20Service%20Employees.pdf>.
⁷² افغانستان: نتایج خوب برای زنان، اطفال و افراد بی بضاعت: دهه پیشرفت فوق العاده
⁷² ویلیام نیوبراندر، فیروز الدین و حیات الله ستانکزی، بسته اساسی خدمات صحتی افغانستان
⁷² کتاب احصایی 2013 – 2014: معارف، اداره مرکزی احصاییه
⁷² مصاحبه با مقامات دفتر جیک

جان ر. اکسری، کارا اکسیون، ذبیر اقریشی، و راحول ک. شرما، "اعمار مجدد سیستم محافظت صحتی در افغانستان: مرور محافظت اولیه صحتی و کمک های استراری" International Journal of Emergency Medicine 2, no. 2, 5 June 2009, <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC2700223/>.
ویلیام نیوبراندر، پال آی سی کی ایکس، فیروز الدین فیروز، و هدایت الله ستانکزی، "بسته اساسی خدمات صحتی: ⁷² <http://data.worldbank.org>، آمار بانک جهانی.

بالنهم، زنان در این سروی برای دولت نمره C را در قسمت حضور ماهرین ولادی ارایه کرده و نمره B را در قسمت میزان مرگ و میر مادران در مقایسه با 5 سال پیش، در نظر گرفته اند. جلوگیری از واقعات مرگ مادران در نتیجه شناسایی بموقع خطر، اتخاذ تصمیم برای جستجوی مراقبت صحی، دریافت مراقبت های صحی در داخل تسهیلات صحی می باشد که در این موارد زنان اکثرا تصمیم مستقلانه در مورد صحت خویش نگرفته نمیتوانند و نیاز دارند تا محرم شان در جستجوی مراقبت های صحی و اتخاذ تصمیم بپردازند. باوجودیکه میزان مرگ و میرمادران در افغانستان بصورت چشمگیری کاهش یافته است اما هنوز هم در سطح جهان در بلندترین مقام 28 قرار دارد. مطابق به گزارش مرگ و میر مادران که در سال 2010 صورت گرفته است و بیانگر تعداد واقعات مرگ مادران نیز می باشد، حدودا در هر یک ساعت یک مادر جانش را از دست می دهد.

سروی شاخص های کلستر های متعدد افغانستان در سال 2012 دریافت بود که ولادت های که در دو سال اخیر صورت گرفته است، 39٪ آنها توسط ماهرین ولادی انجام یافته است که بلندترین میزان آن در زون مرکز و پایین ترین میزان آن در زون جنوبی بوده است. دراین ولادت ها، داکتران موظف 20٪، نرس ها 16٪ و قابله ها 2٪ دخیل بودند. این امر نیز یک پیشرفت خوب با توجه به مبنای 6 فیصدی که برای آن در سال 2013 تعیین گردیده بود، می باشد. ولادت ها با استفاده از سی - سیکشن کمتر از 4٪ در مقایسه با معیار جهانی که بین 5 - 15٪، بوده است. مطابق به گزارش 2012، تنها 33٪ ولادت ها در افغانستان در تسهیلات صحی به شمول 28٪ در تسهیلات دولتی صورت میگیرد و 65٪ از ولادت ها در خانه ها صورت می گیرد.

این یافته ها نشان می دهد که دستاورها در این زمینه صورت گرفته است. ارزیابی دیدگاه های زنان در این سروی میتواند یک بار دیگر انعکاس دهنده این امر باشد که بهبودی های قابل توجه در این راستا هنوز هم الزامی می باشد. یکی از مقامات دفتر جیکا در وزارت صحت عامه چنین تصریح کرد:

در رابطه به خدمات جامع، خدمات متعددی نسایی از طرف ماهرین ولادی انجام می یابد و اکنون بیشتر از 1000 تسهیلات صحی چنین خدمات را فراهم می سازد. اکثریت آنها زنان می باشند. در گذشته ها دایه ها نیز بودند که بدون آموزش و وسایل به اجرای چنین فعالیت ها می پرداختند. حالا مکاتب قابلیت وجود دارند. هرچند، بیشتر ولادت ها در خانه ها اتفاق می افتد - 64٪ ولادت ها - اما هنوز هم پیشرفت هایی در زمینه وجود دارد؛ 47٪ از ولادت ها توسط ماهرین ولادی صورت میگیرد چه در خانه و چه در داخل تسهیلات صحی.

در سال 2012، پوشش مراقبت های قبل از ولادت 39٪ بوده است که این پوشش در سال 2003 به 6٪ محدود شده است و انجام ولادت ها بصورت علمی آن در سال 2004 تنها 7٪ بوده است که اکنون این رقم به 43٪ افزایش یافته است. در سال 2012، 48٪ از زنان حداقل یکبار در دوران حاملگی از مراقبت های قبل از ولادت مستفید شده اند که دریافت چنین

مراقبت ها در زون جنوبی کمتر و در زون مرکز بیشتر بوده است و تنها از شش مادر تنها یک مادر مراقبت های قبل از ولادت را چهار بار دریافت نموده است. از تمام این مادرانی که دو سال قبل از اجرای سروی شاخص های کلستر های متعدد افغانستان ولادت داده بودند، تنها از 20٪ آنها معاینه خون در هنگام بازدید در دوران قبل از ولادت، 35٪ معاینه فشار خون، 24٪ معاینه ادرار صورت گرفته است. تنها 12٪ آنها هر سه معاینه را دریافت نموده اند.

همچنان در راستای تنظیم خانواده پیشرفت های صورت گرفته است، هرچند زنانی که در این سروی اشتراک کرده بودند دولت را در قسمت فراهم آوری معلومات راجع به استراتیژی های تنظیم خانواده نمره-C را داده است. این امر در راستای صحت زنان با توجه به تخمین های جهانی که تا 35٪ از واقعات مرگ مادران را میتوان با مانع شدن در برابر حمل های ناخواسته، جلوگیری کرد. در سال 2012، 21.2٪ زنان متاهل از شیوه های ایجاد فاصله میان ولادت ها، بیشتر از طریق تزریق استفاده کرده است (10٪ زنان متاهل) و به تعقیب آن استفاده از تابلیت (6٪ زنان متاهل) بوده است. استفاده از روش های ایجاد فاصله میان ولادت ها با سطح تحصیل و ثروت خانواده ها ارتباط داشته است. پیشرفت های زیاد باتوجه به مبنای تعیین شده 5٪ تا سال 2013 صورت گرفته است اما هنوز هم راه درازی در پیش است تا به اهداف 50 فیصدی اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان تا سال 2015، نایل آییم.

سروی شاخص های کلستر های متعدد افغانستان دریافت نموده است که 10 فیصد زنان در سنین بین 15 الی 19 ولادت های زنده، 14٪ آنها در سنین طفولیت ولادت نموده اند، و تنها از چهار خانم تنها یک خانم در سنین 20 و 24 ولادت های زنده را قبل از سن 18 انجام داده اند. برعلاوه، زنان با دسترسی کمتر به تعلیم و زنانی که در خانواده های فقیر زندگی می کنند احتمال آن خیلی کمتر است که ولادت های زنده را قبل از سن 18 داشته باشند. مطابق به گزارش عقامت در سال 2003، میزان عقامت (ولادت ها فی زن) در افغانستان 8.2 بوده است در حالیکه در سال 2012 این رقم به 5.1 کاهش یافته بود. هرچند، مطابق به آمار سال 2012، این میزان هنوز هم در بلندترین مقام 13 ام درجهان قرار داشته است.

مقام دفتر جیکا که مصاحبه با او صورت گرفته است اظهار داشته است که با ورود در مرحله انتقال سیاسی و امنیتی، صحت زنان به ویژه صحت باروری آنها به مخاطره قرار میگیرد. موصوف همچنان اظهار داشت که سازمان صحت جهان، جیکا، اداره انکشافی ایالات متحده، بانک جهانی اکثرا برنامه های صحت باروری را در افغانستان تمویل مالی می نماید. این مقام جیکا خاطرنشان ساخت که دولت ظرفیت های را برای تطبیق چنین برنامه ها ایجاد نموده است، اما اگر کمک ها به این تسهیلات صحی قطع و یا کاهش یابد، این امر باعث میگرد تا میزان مرگ و میر مادران افزایش یافته و دسترسی به خدمات تنظیم خانواده کاهش یابد. موصوف همچنان فکر میکرد که توانایی های دولت جهت ادامه و پایداری دستاورد های بوجود آمده در این عرصه ها ذریعه چگونگی و نحوه تمویل و همچنان مساعدت های که از مجرای بودجه دولت و غیردولت به مصرف میرسد، متاثر می سازد.

حمایت های عاطفی و اجتماعی - اقتصادی

B-	دسترسی زنان به کارمندان مسلکی مراقبت های صحتی دولتی برای نیازمندی های عاطفی و روان اجتماعی
----	--

حمایت های عاطفی و اجتماعی - روانی عموماً تحت مجموعه ای از خدمت صحت روانی مطرح میگردد، زیرا صحت روانی را میتوان چنین تعریف کرد "حالتی از آسایش می باشد که در آن فرد بتواند توانایی خویش را شناخته، با فشارهای عادی زندگی کنار آمده، کارها را بصورت موثرانه و مفید انجام داده، و بتواند در اجتماع خویش سهم خویش را ادا نماید." منازعه ها و صدمه های دراز مدت، خشونت و ناامنی و فقر همه باهم باعث افزایش میزان آسیب پذیری در راستای صحت روانی در افغانستان گردیده است که این امر بیشتر در مورد زنان ملموس می باشد زیرا وضع محدودیت بالای تحرک زنان و عدم حمایت های اجتماعی ناشی از نابرابری جنسیتی، میگردد. مطابق به ارزیابی صحت روانی که در سال 2003 صورت گرفت، 73-78٪ زنانی که در تحت پالیسی های طالبان به سر برده و 28٪ زنانی که در محیط غیرطالبان زندگی کرده اند، علایم و نشانه های از افسردگی را تبارز داده اند.

باتوجه به این مساله، خدمات صحت روانی در بسته های اساسی خدمات صحتی در سال 2009 مدغم گردید. گزارش 2013 سازمان صحتی جهان دریافت نموده بود که چنین درکی موجود بود که واحد های اولیه صحتی خدمات صحت روانی را فراهم ننموده بلکه بیماری های صحت روانی توسط داروهای خانگی تداوی میگردد و این درحالی است که عرضه کننده گان خدمات صحت روانی نیز از ناکافی بودن آموزش ها و ادویه ها شاکی بودند. این گزارش نیز این موضوع را آشکار ساخت که 36٪ مادران در کمپ های مهاجرین از افسردگی های بعد از ولادت رنج می بردند که 91٪ آنها افکار خودکشی را نیز داشتند.

در سال 2010، سازمان صحتی جهان گزارش کردند که بیشتر از 60٪ افغانها (اکثراً زنان) از فشارها و اختلالات روانی - اجتماعی رنج می بردند.

همین طور، معین سابق وزارت صحت عامه در سال 2010 اظهار نموده بود که سالانه حدوداً 2300 تن از دختران تلاش برای خود کشی می نمایند. یک گزارش دیگر در سال 2011 دریافت شده بود که نصف نفوس افغانستان از افسردگی، تشویش، فشارهای روحی و فشارهای بعد از صدمه رنج می برند و قیودات و تابوهای اجتماعی موانع جدی فرا راه دسترسی زنان به خدمات صحت روانی در افغانستان می باشد. این گزارش بیان می دارد که یک شفاخانه 60 بستره در کابل برای مریضان روانی موجود است که بودجه صحت روانی وزارت صحت عامه را همین شفاخانه به مصرف می رساند که با کمبود کارمندان مسلکی و روان شناسان متخصص مواجه اند. مطابق به همین گزارش، در سال 2011 تنها دو روانشناس بین المللی در افغانستان وجود داشته اند که هیچ کدام آنها در ساحه عمل دخیل نبوده اند و هیچ روانشناس و داکتران روانی و نرس های روانی آموزش دیده موجود نبوده است، هرچند گزارش دیگر آشکار می سازد که 42 روانشناس در سراسر افغانستان موجود بوده است. مطابق به آمار سال 2011، تنها 182 فرد از هر 100000 در تسهیلات صحت روانی تداوی شده اند که تنها 29٪ آنها را زنان تشکیل می دهند.

این احصایه ها نشان می دهد که باوجود تعهدات دولت جهت فراهم آوری خدمات صحت روانی از طریق بسته اساسی خدمات صحتی، هنوز هم زنان افغان خدمات صحت روانی بسیار کم و یا هم هیچ خدمات را در این زمینه دریافت می دارند. باتوجه به این وضعیت، نمره B- که از طرف زنان در نظر گرفته شده است، انعکاس دهنده موجودیت خدمات نمی باشد بلکه ادامه آگاهی دهی پایین در رابطه به خدمات صحت روانی و هدف و مزایای مشوره دهی و حمایت های صحت روانی می باشد.

معارف

مانند مراقبت های صحتی، زنان موانع و مشکلات زیادی را در دوران طالبان در قسمت تعلیم نیز تجربه کرده اند. در دوران رژیم طالبان، اکثریت مکاتب دختران بسته شدند و میزان شمولیت دختران از 32٪ به 6.4٪ تقلیل یافت. با توجه به این مبنای، دولت جمهوری اسلامی افغانستان تعهدات زیادی را نه تنها در راستای تعلیم دختران بلکه برای سواد آموزی و تعلیم دختران جوان که برای حدودا یک دهه از نعمت سواد محروم مانده بودند، نموده است.

کلید تقویت تعلیم زنان همانا افزایش شمولیت دختران و زنان و حفظ متعلمین اناث می باشد. در پلان کاری ملی زنان افغانستان، دولت تعهد نموده است که میزان شمولیت و حفظ دختران و زنان را در تمام سطوح تعلیم و تحصیل به شمول تعلیمات حرفوی و مسلکی، افزایش دهد. اهداف تعیین شده برای افزایش 50 درصدی دختران در دوره های ابتدایی، متوسطه و تحصیلات عالی می باشد؛ 70٪ شمولیت خالص را در دوره های ابتدایی باید دختران تشکیل دهند، 50٪ افزایش در میزان حفظ دختران در دوران تعلیم صورت گیرد. پلان کاری ملی زنان افغانستان همچنان دولت را متعهد می سازد تا با فراهم آوری تشویقیه ها میزان خروج دختران را کاهش دهند. کنوانسیون محو هرنوع خشونت علیه زنان همچنان از دولت افغانستان می خواهد تا تبعیض را علیه زنان و دختران محو نموده و از برابری میان زنان و مردان در راستای دسترسی شان به نصاب آموزشی، امتحانات، معلمین، وسایل و محیط مکاتب، اطمینان دهند.

تا سال 2020، تمام اطفال در افغانستان اعم از پسران و دختران باید یک دوره مکمل تعلیمات ابتدایی را مطابق به اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان، تکمیل نمایند که نیازمند افزایش در شمولیت مکاتب در دراز مدت می باشد که بین 5 تا 6٪ می باشد. به منظور افزایش دسترسی دختران و زنان به تعلیم، برنامه ملی دارای اولویت بخش تعلیم برای همه، تصریح می دارد که برنامه های تعلیمی مبتنی بر اجتماعت ایجاد گردند تا 348000 متعلم را تحت پوشش قرار دهند که باید حد اقل 60٪ آنها را مطابق به پالیسی وزارت معارف، دختران تشکیل دهند. این برنامه به منظور تحت پوشش قرار دادن جاهایی که اطفال به ویژه دختران دسترسی به تعلیم ندارند و اینکه موانع فرهنگی باعث میگردند که دختران در خانه باقی بمانند، روی دست گرفته شده اند زیرا یگانه گزینه ای ممکن جهت با سواد ساختن آنها می باشد. علاوه برآن، برنامه ملی دارای اولویت در رابطه به تعلیم برای همه همچنان پلان دارد تا معلمین اناث را به ساحات دوردست با امتیازات و تشویقیه های بیشتر، ارسال نماید.

افزایش شمولیت دختران در مکاتب در افغانستان مستقیما وابسته به افزایش معلمین اناث و اشتراک زنان در تصمیم گیری های مربوط به تعلیم، دارد. در پلان کاری ملی زنان افغانستان، دولت مکلف به فراهم آوری زمینه های برابر برای زنان در تمام پست ها و سطوح نظام تعلیمی می باشد که این از تدریس شروع تا سطح پالیسی سازی، و اتخاذ و تطبیق پالیسی های تبعیض

مثبت در عرصه استخدام معلمین اناث و امتحانات ورودی برای تحصیلات عالی، میگردد. در استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، دولت متعهد به اتخاذ استراتیژی ها جهت استخدام زنان مسلکی و حفظ معلمین اناث، و استخدام دوباره آنده زنانی می باشد که در پروسه ریفورم وظایف شان را از دست داده اند.

باآنهم، در افغانستان، موانع بسیار جدی فرا راه دسترسی زنان و دختران حتی به صنوف درسی شان وجود دارد. در پلان کاری ملی زنان افغانستان، دولت متعهد به ایجاد یک محیطی می باشد که زنان و دختران را قادر ساخته تا بتوانند دسترسی برابر به تمام سطوح تعلیم داشته و برخورد های برابر در صنوف درسی و فرصت های مساوی برای تکمیل تعلیم و تحصیل شان تا بالاترین حد، بهره مند باشند. برعلاوه پلان کاری ملی زنان برای وزارت معارف، ترانسپورت و داخله وظیفه سپرده است تا یک قوای کاری را ایجاد نمایند تا زمینه های را تدوین نمایند که دختران دسترسی کافی به ترانسپورت برای رفتن به مکاتب داشته باشند و مطابق آن پالیسی ها و برنامه ها را نیز طرح نمایند.

در رابطه به تحصیلات عالی، استراتیژی انکشاف ملی افغانستان پلان های را برای دانشگاه ها جهت شناسایی و افزایش زیربناها به منظور فراهم آوری فضای بیشتر برای محصلین اناث و همچنان تدوین پالیسی ها و طرح ها که بتوانند افزایش شمولیت دختران و زنان را تا 30٪ بلند ببرد، ارایه نموده است. برعلاوه، سکتور معارف استراتیژی انکشاف ملی افغانستان دولت را متعهد ساخته است تا صنوف آمادگی را برای دختران جهت امتحانات به دانشگاه ها و کالج ها، فراهم سازد.

در رابطه به تعلیمات زنان بزرگ سال، دولت 50٪ کاهش را در میزان بی سوادی زنان هدف تعیین نموده است. پلان کاری ملی زنان همچنان تعهدات دولت را از طریق قانون اساسی و کنوانسیون محو هرنوع خشونت علیه زنان، وضاحت داده و تصریح می دارد که دولت برای افزایش برنامه های سواد آموزی فعال، به ویژه آن برنامه های که بتواند خلای جنسیتی را میان مردان و زنان کاهش دهد و همچنان ابتکارات یادگیری از راه دور برای جوانان، متعهد می باشد.

بصورت مجموعی، زنانی که در این سروی اشتراک کرده بودند برای دولت در عرصه تعلیم برای دختران و زنان که شامل تعلیمات ابتدایی، متوسطه، لیسه و تحصیلات عالی، سواد آموزی و تعلیمات اسلامی میگردد، نمره B- را در نظر گرفته اند. تفاوت دیدگاه در مورد کارکردهای دولت در زمینه تعلیم میان یک قوم تا قوم دیگر، حالت مدنی، سطح تحصیلات و اشتغال نیز دیده نشده است. اما تفاوت کلی در مورد کارکردهای حکومت در راستای معارف از یک ولایت تا ولایت دیگر متفاوت بوده است. دیدگاه زنان در ولایت کندز بسیار مثبت و در فاریاب بسیار منفی بوده است.

تعلیمات ابتدایی و متوسطه

B-	شمولیت دختران تا دوره متوسطه
B	شمولیت پسران تا دوره متوسطه
B	حساسیت مکاتب ابتدایی و متوسطه به نیازمندی های دختران
B-	فراهم آوری فرصت های تعلیمی برابر برای دختران و پسران ⁷³

طفل به مکتب میروند و تنها 33٪ آنها را دختران تشکیل می دهند و از صفر٪ شروع کردن و به 33٪ رسیدن یک دستاورد خوب میتواند محسوب شود. اما وقتی شما به میزان شمولیت دوره ابتدایی دقت کنید، درمی یابید که با ارتقا به صنف بلندتر، این رقم کمتر و کمتر میگردد. در نظام معارف افغانستان، سیستم حفظ شاگردان دختران در مکاتب وجود ندارد که این خود یک چالش بزرگ فرا راه نظام آموزشی می باشد.

یکی از مقامات در این مورد چنین اظهار نظر نموده است:

وقتی شما به صنف 12 دقت کنید، از صنف اول که تعداد آنها 1.1 میلیون طفل می باشد تنها 274883 نفر باقی می ماند که این یک رقم خیلی کوچک است. و از آن تعداد، تنها 99904 تن آنها را دختران تشکیل می دهند که این خلای خیلی بزرگ می باشد. به هر میزانی که اطفال به صنف بالاتر ارتقا پیدا میکنند، به همان اندازه خلای جنسیتی میان دختران و پسران افزایش پیدا می کند.

زنانی که در این سروی اشتراک کرده بودند، برای دولت در راستای شمولیت دختران تا سطح دوره ثانوی، نمره B- را در مقایسه با نمره B برای پسران در نظر گرفته اند که دیدگاه خلای جنسیتی در شمولیت مکاتب را افاده میکند که انعکاس دهنده افزایش قابل توجه شمولیت دختران در یک دهه گذشته، می باشد. دولت همچنان نمره B- را در راستای فراهم آوری فرصت های آموزشی برابر برای دختران و پسران در نظر گرفته اند که اشتراک کننده گان

پیشرفت های قابل ملاحظه ای در شمولیت دختران صورت گرفته است. تا سال 2014، حدودا 8 تا 10 میلیون افغان در مکاتب شامل شده اند که یک سوم آنها را دختران تشکیل می دهند. مطابق به آمار 2010 وزارت معارف، 71٪ واجدین شرایط مکتب در مکاتب ابتدایی شامل گردیدند، و 58٪ اطفال راجستر شده این دوره را تکمیل نموده اند. هرچند، نسبت پسران و دختران هنوز هم باید بهبود یابد. در دوره متوسطه، 47٪ پسران و 72٪ دخترانی که در سنین بین 13 – 18 قرار دارند، خارج از مکتب به سر می برند. سروی خطرات و آسیب پذیری که در سال 2011 – 2012 صورت گرفت نشان داد که باوجودیکه خلای جنسیتی در برنامه های تعلیمی و سواد آموزی کاهش یافته است اما هنوز هم کاری زیادی باید در این عرصه صورت گیرد. میزان شمولیت دختران و پسران در دوره متوسطه افزایش یافته است و خلای جنسیتی نسبتا از 14٪ در سال 2005 به 16٪ در سال 2011 – 2012 افزایش یافته است. برعلاوه، این سروی خلای جنسیتی را میان پسران و دختران کوچی نیز آشکار ساخته است که میزان شمولیت دختران کوچی تنها 13٪ بوده است. میزان حاضری دختران و پسران در دوره متوسطه به ترتیب 23٪ و 47٪ بوده است. یکی از مقامات یونیسف برای حفظ دختران در دوران تعلیم چنین اظهار نظر نموده است:

اگر شما به آمار های جمع آوری شده و تحلیل شده در سکتور معارف توجه کنید، تعداد پسرانی که در سکتور معارف شامل گردیده اند کمتر از یک میلیون می باشد که در میان آنها تقریبا هیچ دختری در نظام تعلیمی دولتی نبوده اند. حالا، اگر شما به احصاییه های سال 2013 نگاه کنید، 9.7 میلیون

⁷⁴ F(4, 118)=1.54, p<.01; Bamyan M=2.40, SD=.41, Herat M=2.46, SD=.64, Nangarhar M=2.55, SD=.49, Kunduz M=2.21, SD=.48, Faryab M=2.94, SD=.62

⁷⁴ Mean=2.44, SD=1.28

⁷⁴ M=2.03, SD=1.26

⁷⁴ M=2.11, SD=1.17

⁷⁴ M=2.40, SD=2.11

⁷⁴ “تعلیم ابتدایی همگانی در افغانستان تا سال 2020

March 2014, <http://www.ifuw.org/wp-content/uploads/2014/03/UN-Website-Version-Final.pdf>.

⁷⁴ “برنامه تعلیمی ملی در افغانستان”، 2014 Update، مرکز اطلاعات و رسانه ها،

2014, http://www.epdc.org/sites/default/files/documents/EPDC%20NEP_Afghanistan_0.pdf.

⁷⁴ Ibid.

⁷⁴ “آرزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری های 2011-12: Education,” Central Statistics Organization, Government of the Islamic Republic of

Afghanistan, 2012, <http://cso.gov.af/Content/files/Chapter8%20EDUCATION.pdf>.

هنوز هم به این باور اند که دولت در رابطه به برابری جنسیتی در عرصه آموزش باید تلاش های مثمر را انجام دهند.

طوریکه خلای وسیع جنسیتی در میزان شمولیت انعکاس یافت که بصورت گسترده در سطح تعلیمی افزایش می یابد، هنوز هم موانع متعدد سد راه شمولیت دختران موجود است. این موانع شامل، فقر، ناامنی و بی ثباتی، ازدواج های اجباری، عدم حمایت از طرف فامیل، وظایف دختران در کارهای خانواده و مراقبت از اطفال، عدم موجودیت معلمین اناث، فاصله زیاد راه تا به مکتب، کیفیت آموزش (عدم موجودیت معلمین مسلکی، نصاب آموزشی محدود و معاش پایین معلمین)، عدم موجودیت مکاتب نسوان، آزار و اذیت جنسی، و عدم همکاری و حمایت اجتماع، می باشد. همواره کمبود در کتب، صنوف درسی، میز و چوکی و سایر لوازم آموزشی موجود است. سروی خطرات و آسیب پذیری سال 2011 – 2012 آشکار ساخت که دختران بنابر موجودیت موانع فرهنگی و سایر موانعی مانند فاصله جغرافیایی، ناامنی و فقر، نمیتوانند به مکاتب ابتداییه درس بخوانند. مسوول یونیسیف که با وی مصاحبه صورت گرفته است نیز اظهار نمود که دختران بنابر عدم موجودیت

معلمین اناث به مکتب نمی روند و والدین افغان برای دختران شان اجازه نمی دهند که بروند و نزد معلمین ذکور درس را فرا بگیرند و همچنان آنها برای دختران شان اجازه نمیدهند تا فاصله های زیادی را برای رفتن به مکاتب طی نمایند. یکی از مقامات وزارت معارف اظهار داشت که امنیت یک چالش دیگر برای دختران می باشد که مانع اشتراک شان به مکتب می گردد و همچنان موانع فرهنگی به شمول ازدواج های اجباری و ازدواج های قبل از وقت نیز تاثیرات خود را دارد.

اشتراک کننده گان در این سروی، برای دولت نمره B را در قسمت حساس بودن مکاتب ابتداییه و ثانوی برای نیازمندی های دختران و زنان در نظر گرفته اند که انعکاس دهنده چالش ها در زمینه های امنیتی، ترانسپورت، موقعیت مکاتب و زیربنای عامه می باشد. بگونه مثال، در سال 2011 – 2012 تنها 48% خانواده ها با فاصله دو کیلومتر از مکتب دختران قرار داشتند. اما در ساحات دورست این رقم 36% بوده است. هرچند نمره B میتواند یک انعکاس خوب از تلاش های دولت در راستای قابل دسترس ساختن تعلیم برای دختران و افزایش میزان شمولیت شان محسوب گردد.

C+	موجودیت معلمین اناث
B	موجودیت معلمین اناث در مقایسه با پنج سال قبل
C	تلاش های دولت جهت استخدام معلمین اناث مسلکی و شایسته

دولت در عرصه افزایش و استخدام معلمین اناث که به عنوان یک پیش شرط برای افزایش شمولیت دختران مطرح است، مثبت مورد ارزیابی قرار نرفته است. در حالیکه در مقایسه با 5 سال قبل، اشتراک کننده گان دولت را در عرصه بهبودی در موجودیت معلمین اناث نمره B را داده اند اما آنها هنوز هم نمره C+ را در قسمت موجودیت معلمین اناث داده اند و نمره C را برای تلاش های دولت در راستای استخدام معلمین مسلکی ارایه کرده اند. در سطح ملی، حدوداً 30% معلمین را قشر اناث تشکیل می دهند هرچند که اکثریت این معلمین اناث در کابل جمع شده اند. ولایاتی نیز وجود دارند که کمتر از 2% معلمین اناث دارند که در مطابقت به ولایاتی می باشد که فیصدی دختران در دوره متوسطه و بالاتر از آن خیلی در سطح پائین قرار دارد. این پیشرفت کوچک در این عرصه که در سال 2008 از میان 164783 تن معلمین 45678 تن آنها را معلمین اناث تشکیل می داد، در حدود 28% معلمین کشور را تشکیل می دهد. 54% محصلین دارالمعلمین ها را قشر اناث تشکیل می دهند، هرچند که 20% استادان را در دارالمعلمین ها، زنان تشکیل می دهد.

با وجود تعهدات دولت در راستای افزایش اشتراک زنان در تمام ابعاد آموزش از تدریس تا پالیسی سازی، سروی احصاییوی اداره مرکزی احصاییه نشان داد که از مجموع 256163 تن کارمندان دولت تنها 76401 تن آنها را زنان تشکیل می دهند که در واقع 30% را احتو می نماید. برعلاوه آن، برخی از معلمین دارای تعلیمات اساسی با حد اقل برنامه ترینگ ها و دانش پیداگوژی می باشند. تحقیق دیگر نشان می دهد که کمبود معلمان مسلکی کیفیت تعلیم را صدمه می زند زیرا معلمین که تازه استخدام شده اند فاقد تجربه تدریس می باشند و اکثراً هم استخدام معلمین بر اساس اصل شایسته سالاری صورت نمیگیرد. معاش 5000 افغانیگی نیز باعث میگرد که زنان از وظیفه معلمین اجتناب نمایند زیرا این مقدار تنها کفاف کرایه موتر و مصارف نان چاشت را می کند و بس. مشکل معاش معلمین هنگامی وخیم تر میگردد که تمویل کننده گان حمایت های مالی شان را توقف دهند و تخمین زده می شود که معلمین در حدود 90 الی 95 درامد ملی را به مصرف می رسانند. مقامات در دفتر یونیسیف در این مورد چنین اظهار نظر می نمایند:

" برنامه استراتژیک ملی تحصیلات عالی: 2010-2014، وزارت صحت عامه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، November 2009, http://planipolis.iiep.unesco.org/upload/Afghanistan/Afghanistan_HESP_2010-2014.pdf.

M=3.32, SD=1.13
M=2.79, SD=1.37
"ارزیابی تعلیم" موسسه احصاییه مرکزی، 2012.

لیدا نادری هدایت و کرستن برگ هارپویکن، " موقعیت زنان افغان در رابطه با قدرت اقتصادی و علمی زنان؟ 2014
" راپور در مورد تطبیق اظهارات بیجنگ در رابطه با فعالیت های 2010-14" وزارت خارجه، واحد امور حقوق بشر و زنان 2014.

فیصدی معلمین اناث تنها 33٪ می باشد که این رقم شامل معلمین مسلکی و غیر مسلکی می‌گردد. مساله جدی در قسمت معلمین غیرمسلکی وجود دارد که کیفیت آموزش را صدمه می زند. دولت تعداد معلمین و همچنان تعداد معلمین مسلکی را بهبود بخشیده است. در رابطه به تعداد معلمین مسلکی که در دانشگاه ها تحت آموزش قرار دارند، کفایت می کند که تا 5-6 سال دیگر همه ساله به تعداد 15000 – 300000 فارغ داشته باشند. اما مساله استخدام و کارایی معلمین اناث مطرح می باشد. آنها مثل یک فابریکه به تولید می پردازند اما این تولیدات در مکاتب جذب و استخدام نمی شوند. به همین دلیل است که اکثریت معلمین دارای سند می باشند اما در کارهای مربوط به پولیس و یا به کارهای اداری می پردازند.

هرچند، تلاش های متعددی در راستای تشویق معلمین اناث در ساحات ناام و ساحاتی که از وجود معلمین اناث محروم اند، روی دست گرفته شده است

تحصیلات عالی

C-	تدویر کورس های آمادگی برای امتحانات ورود به دانشگاه ها
C+	حساس بودن تهسیلات دانشگاه ها به نیازمندی های زنان

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی دریافت نموده است که دختران به چنین کورس های آمادگی دسترسی نداشته و برخی از این کورس ها بصورت خیلی گزاف فیس اخذ می نمایند و چنین کورسها به تفکیک جنسیت نیز نمی باشند که این خود یک مانع دیگر می باشد. برعلاوه، آنهایی که در این سروی اشتراک نموده بودند برای دولت در این زمینه نمره C- را در نظر گرفته است. امتحان های کانکور اعم از دختران و پسران اخذ می‌گردد که میزان آن در سال 2007، 15٪ و در سال 2008، 25٪ و در سال 2010، 27٪ بوده است. به همین ترتیب، پلان استراتیژیک ملی تحصیلات عالی دولت افغانستان نیز این مساله را اظهار می دارد که در سه سال گذشته، نمرات پسران در امتحان کانکور بلندتر از نمرات دختران بوده است که این امر خود نشانگر آن است که پسران دسترسی بیشتر به کورسهای آمادگی داشته اند و در مقابل دختران نداشته اند.

یکی دیگر از عرصه های مورد تمرکز در تعهدات دولت عبارت از در نظر گرفتن نیازمندی های زنان و دختران در دانشگاه ها می باشد که این امر شامل استخدام معلمین اناث، اتخاذ پالیسی های تبعیض مثبت و اعمار تسهیلات برای زنان و دختران مانند اعمار لیلیه های نسوان، می باشد. پیشرفت هایی در این زمینه صورت گرفته است اما هنوز هم چالش های موجود است. پیشرفت های هم در قسمت استخدام معلمین اناث در دانشگاه ها صورت گرفته است اما هنوز هم نیازمندی های بسیار جدی در مورد عدم موجودیت معلمین اناث به حد کافی آن ملموس می باشد. از مجموع

زنانی که در این سروی اشتراک کرده بودند نمره پائین را برای دولت در راستای حساس بودن تحصیلات عالی برای زنان و دختران، در نظر گرفته اند. تحصیلات عالی شامل تحصیلات نیمه عالی (صنف 13 – 14)، تعلیمات مسلکی (صنف 13 – 14)، تحصیلات دوره لیسانس (13 – 16) و مافوق لیسانس را در بر می‌گیرد. نسبت میزان شمولیت برای دختران و پسران در سروی خطرات و آسیب پذیری 2011 – 2012 به ترتیب 3٪ و 8٪ می باشد. تنها 0.5٪ دختران در مقایسه با 4.4٪ پسران از مناطق روستایی قادر به شمولیت در تحصیلات عالی می باشند. پیشرفت های قابل توجه در این زمینه صورت گرفته است و زمانی بود که در 19 موسسه تحصیلات عالی هیچ محصل اناث وجود نداشت. هرچند، محصلین اناث 21٪ شاگردانی را که در موسسات تحصیلات عالی در سال 2008 شامل گردیده اند را نیز شامل می شود، آنها تنها 19٪ را در سال 2012 و 19٪ را در سال 2014 تشکیل می دادند.

این امر نشان می‌دهد که هیچ پیشرفتی در راستای شمولیت دختران در موسسات تحصیلات عالی رونما نگردیده است. در سال 2013-2014 شاگردان اناث فقط 18٪ شاگردان جدید الشمول را در دانشگاه های دولتی تشکیل می داد.

یکی از عرصه های که دولت متعهد می باشد تا تعداد شاگردان اناث را در تحصیلات عالی بیشتر سازد، فراهم آوری و تدویر کورس های آموزشی برای امتحانات ورود به دانشگاه ها (کانکور) می باشد. با وجود این تعهد، تحقیق

4,496 استادان در دانشگاه ها، تنها 642 تن آنها را استادان زن تشکیل می دهد.

یک اقدام مثبت از طرف وزارت تحصیلات عالی روی دست گرفته شده است و آن عبارت از اتخاذ پالیسی تبعیض مثبت برای افزایش شمولیت دختران در هنگام امتحان کانکور در موسسات تحصیلات عالی می باشد و نتایج امتحان کانکور سال 2012-2013 نشان داد که آنده دخترانی که بلندتر از 230 نمره اخذ کرده بودند توانستند به فاکولته هایی راه یابند که نمره پذیرش آن 250 برای پسران بوده است. به همین ترتیب، آن عده از شاگردان انات که در دانشگاه های خصوصی بطور رایگان پذیرفته شده بودند نسبت به شاگردان انات از نمره پایین برخوردار بودند و همچنان شاگردان انات که نمرات شان 167 بودند به موسسات تحصیلات نیمه عالی در دانشگاه های خصوصی و یا دولتی معرفی شدند.

سواد آموزی

B	بهبودی در سواد آموزی زنان
B	حساس بودن کورس های سواد آموزی به نیازمندی های زنان

تنها یک زن باسواد بوده است و در مناطق فقیر نشین در میان 50 زن تنها یک زن باسواد بوده است. به همین ترتیب، نابرابری در سواد آموزی جوانان نیز مشهود بوده است. در میان چالش های که زنان با آن مواجه اند غیرقابل دسترس بودن قریه ها، نامنی، میزان پایین سواد در خانواده ها، تبعیضات قومی و لسانی، محافظه کاری، عدم اعتماد، اقلیم نامساعد، و عدم موجودیت معلمین انات می باشد.

باتوجه به این مساله، دولت برنامه های سواد آموزی را برای زنان در اولویت کاری خویش قرار داده است و این کار را قسما از طریق تدویر کورس ها انجام داده است. بالنتهم، در این سروی زنان دولت را در راستای مدنظر گرفتن نیازمندی زنان در برنامه های سواد آموزی و حساس ساختن سواد آموزی مطابق به نیازمندی های زنان، نمره B را داده اند. مطابق به احصاییه اداره مرکزی احصاییه، 23952 کورسهای سواد آموزی تدویر یافته است که از آن جمله 9951 آن برای زنان بوده است و مجموع شاگردان این کورس های سواد آموزی 567913 تن بوده است که از آن جمله 23952 تن آنها، از قشر انات بوده است. این آمار نشان میدهد که در واقع میزان سواد نزد مردان بلندتر از میزان سواد نزد زنان بوده است و دولت کورسهای سواد آموزی بیشتری را برای مردان تدویر می نماید تا برای زنان. میزان شاگردان انات کورس های سواد آموزی از 51٪ در سال 2011 به 45٪ در سال 2013 کاهش یافته است. برعلاوه، از مجموع 12149 تن استادان کورس های سواد آموزی، تنها 4780 تن آنها از طبقه انات می باشد. ارزیابی که از طرف موسسه برابری برای صلح و دموکراسی در چهار ولایت صورت گرفت نشان می دهد که باوجود بودن صنوف درسی سواد آموزی؛ مساله زمان، موقعیت و ساختار خود کورس های سواد آموزی مانع حضور زنان و دختران در این کورس ها میگردند و علاوه بر آن این طرزفکر در سطح محلات وجود دارد که بیشترین کورسهای سواد آموزی از طرف موسسات داخلی و یا موسسات بین المللی به پیش برده می شوند نه از طرف دولت. این ارقام

بی سوادی یکی از بزرگترین چالش های است که زنان در افغانستان با آن مواجه می باشد. سواد آموزی به دلایل مهم حیاتی می باشد. افزایش 1٪ سواد سه برابر احتمال دارد که واقعات مرگ را نزد اطفال نسبت به افزایش یک داکتر کاهش دهد. فامیل های که از نعمت سواد بهره مند می باشند، تمایل دارند تا از سهولت های خانه، لباس، عاید، آب و سایر لوازم زندگی بهتر بهره مند باشند. در کشور های رو به انکشاف، طفلی که از یک مادری به دنیا می آید که میتواند بخواند حداقل 50٪ امکان دارد که زندگی بعد از سن 5 سالگی را تجربه کند. باتوجه به این امر، دولت تلاش هایی را در جهت کاهش بی سوادی زنان روی صحت، رفا، موثریت، سعادت جامعه افغانی در کل تصدیق نموده و تعهدات خویش را در پالیسی ها و اسناد مربوطه بازگو کرده است.

هرچند، به دست آوردن ارقام دقیق خیلی دشوار می باشد، در میان سال های 2001 – 2003 تخمین زده می شود که بین 5٪ و 14٪ زنان که در سن بالاتر از 15 سال قرار دارند، باسواد می باشند. سروی خطرات و آسیب پذیری ملی که در سال 2001 صورت گرفت نشان می دهد که میزان سواد نزد زنان بزرگسال هنوز هم به حد پایین قرار دارد. 32٪ زنانی که بین سنین 15-24 قرار دارند باسواد اند در حالیکه این رقم نزد مردان 62٪ می باشد. زنانی که در این سروی سهم گرفته بودند، دولت را در راستای بهبودی برنامه های سواد آموزی برای زنان، نمره B را ارایه کرده اند. هرچند، برنامه های سواد آموزی برای زنان جوان بهبود و افزایش یافته است، اما خلای جنسیتی میان مردان و زنان در واقع از 20٪ در سال 2005 به 30٪ در سال 2011، گسترش یافته است.

همچنان نابرابری شگفت انگیز میان زنان موجود است. در سال 2010، درحالیکه از میان پنج زن که بین سنین 15-24 در مناطق شهری زندگی داشته اند، یکی آنها با سواد بوده اند، در مناطق روستایی در میان 15 زن

کاستی های جدی را در راستای تعهدات دولت جهت اطمینان بخشی زنان و کوچی ها برای آموزش های سواد آموزی، نشان می دهد و هنوز راه درازی در پیش است تا اهداف تعیین شده پلان کاری ملی زنان افغان برآورده شود.

تعلیمات اسلامی

B-	موجودیت تعلیمات اسلامی برای زنان و دختران
----	---

دهد که بحث با عالمان دین زمینه ساز فرصت های تعلیمات اسلامی در موسسات تحصیلات خصوصی در سال های اخیر گردیده اند. با آنهم، نشانه های وجود دارد که نظارت دولت از کیفیت و محتویات تعلیمات اسلامی ضعیف بوده است و مطابق به گزارش بی بی سی در سال 2014، در یک مدرسه در ولایت کندز بیشتر از 6000 شاگردان اثاث تعلیمات اسلامی را دریافت می دارند که در اکثریت موارد حقوق زنان را دست کم میگیرند. مقامات وزارت معارف اظهار داشتند که در افغانستان حدودا 1300 مدرسه دینی ثبت نشده فعال می باشد که در مقابل آن 1100 مدرسه دولتی وجود دارد که این امر خود نیازمند توجه جدی دولت در رابطه به تعلیمات اسلامی زنان را می طلبد.

هرچند نابرابری جنسیتی در تعلیمات عمومی اکثرا مورد بحث قرار میگیرد، خلای جنسیتی در تعلیمات اسلامی به شکل جدی آن موجود می باشد. هرچند تعهدات متعددی در این راستا از طرف دولت جهت افزایش دسترسی دختران به تعلیمات اسلامی، مطرح گردیده است. طوریکه در سروی خطرات و آسیب پذیری های ملی ارایه گردیده است، 70000 زن و 80000 مرد بین سنین 25 و بیشتر از آن تعلیمات اسلامی را تکمیل نموده است. اداره مرکزی احصاییه معلومات را در مورد جندر در تعلیمات اسلامی ارایه نمی دارد و سایر گزارش ها نیز حاکی از آن است که دشواری ها جهت دریافت ارقام در مورد جندر در تعلیمات اسلامی نمی باشد. زنان اشتراک کننده در این سروی برای دولت در راستای تعلیمات اسلامی برای دختران نمره B را در نظر گرفته اند و گزارش های دیگر نشان می

- "ارزیابی ملی آسیب پذیری و خطرات در افغانستان 2011-12، اداره مرکزی احصاییه، 2012.
- Ibid.
- "تعلیم ابتدایی جهانی تا سال 2020،
- United Nations Commission on the Status of Women 58 Parallel Session, 12 March 2014.
- "ارزیابی ملی آسیب پذیری و خطرات در افغانستان 2011-12، اداره مرکزی احصاییه، 2012.
- "کتاب احصاییه سالانه 2013-14: تعلیم،" دولت جمهوری اسلامی افغانستان، 2014.
- مری س. هوپر، موریتس رید و شمسیه نوری، "مرور مستقل بودجه ملی سال 1394 افغانستان، 2014.
- M=2.41, SD=1.07
- لیسا نادری هدایت و کرسن برگ هارپویکن، "تقویت حقوق زنان در افغانستان، 2014.
- لیسا نادری هدایت و کرسن برگ هارپویکن، "تقویت حقوق زنان در افغانستان، 2014.
- لیسا نادری هدایت و کرسن برگ هارپویکن، "تقویت حقوق زنان در افغانستان، 2014.
- میلر صادق آزاد، "مدرسه افغانی متهم به گسترش روحیه افراط گرایی،" BBC افغان، 16 March 2014
- <http://www.bbc.com/news/world-asia-26418558>.

- چالش های جندر در تحصیلات عالی: نیاز های عمده محصلان زن در لیلیه،
- تحصیلات عالی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان، 10 January 2011.
- M=2.38, SD=91
- M=2.26, SD=1.19
- گزارش دانش زنان و ارتباط بین صحت مادران و تعلیم دختران، "مرکز انکشاف قوای بشری، 8 July 2010
- <http://www.heart-resources.org/wp-content/uploads/2010/07/Womens-Literacy-July-2010.pdf>.
- داکترون کر، اندریو کی و جون استیوارد، "بهای اقتصادی و اجتماعی بیسوادی: دید مختصر به بیسوادی از نگاه جهانی، April 2012,
- http://www.worldliteracyfoundation.org/The_Economic_&_Social_Cost_of_Illiteracy.pdf.
- "پلان کاری برای برنامه ملی سواد آموزی: 1391-1394" وزارت معارف، دولت جمهوری اسلامی افغانستان، 2012.
- <http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/ED/pdf/Afghanistan.pdf>.
- محمد علی ستیغ و محمد شافی حقمل، "سواد آموزی و تحصیل بزرگان در افغانستان: دست آورد ها و چالش ها، وزارت تحصیلات عالی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان،
- http://www.accu.or.jp/esd/forum_esd_2010/program/program12_01/pdf/text5.pdf.
- "حرکت فراتر از دو دهه جنگ: پیشرفت ولایات، سروی شاخص های کلستر های متعدد در افغانستان، اداره احصاییه مرکزی و UNICEF
- <http://www.childinfo.org/files/AfghanistanMICS2003.pdf>.

دست‌رسی به عدالت

فامیلی، می باشد. این سند همچنان نیازمندی تدویر برنامه های آموزشی را برای نهادهای تنفیذ قانون به منظور احترام گذاشتن به اصول مساوات و عدم تبعیض با تاکید بیشتر روی قوانین در مورد خشونت های مبتنی بر جنسیت، ازدواج های اجباری و قبل از وقت و همچنان میکانیزم های رجعت دهی به نهاد های دولتی را مطرح می سازد.

کنوانسیون محو هرنوع خشونت علیه زنان که افغانستان یکی از امضا کننده گان آن می باشد، از دولت افغانستان می خواهد تا قانون گذاری و سایر اقدامات را به شمول وضع محدودیت در صورت ضرورت، جلوگیری هر نوع خشونت علیه زنان، ایجاد حفاظت های قانونی از حقوق زنان و اطمینان بخشیدن از تامین حقوق زنان از طریق همایش ها و سایر نهادهای دولتی را روی دست گیرد.

باوجود این تعهدات بلندپروازانه، زنان در این سروی کارکرد های دولت را در راستای افزایش دسترسی زنان به عدالت، نمره C+ را داده اند. برعلاوه، تفاوت دیدگاه ها در این مورد میان اقوام وجود داشت، ازبک ها باور داشتند که سهمگیری دولت در این راستا خیلی مثبت بوده در حالیکه دیدگاه تاجیک ها خیلی در این مورد منفی بوده است. تفاوت دیدگاه میان زنان از یک ولایت تا ولایت دیگر در مورد کارکردهای دولت در این زمینه، به مشاهده رسیده است، اعضای شبکه های ولایتی در فاریاب عملکرد های دولت را در راستای عدالت مثبت ارزیابی کرده، در حالیکه دیدگاه ها در هرات بیشتر منفی بوده است.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در قانون اساسی، سایر قوانین، و میثاق های بین المللی تعهد نموده است تا زنان و دختران را قادر و توانمند ساخته تا آنها از حقوق مساوی و برابر مثل مردان برخوردار گردند. پلان کاری ملی زنان افغان متعهد است تا سهم گیری و اشتراک زنان را در قانون گذاری و اجرای عدالت بصورت مساویانه با مردان، تقویت نماید و همچنان نهادهای سازی تحلیل جندر، برنامه ریزی براساس جندر، و تدوین شاخص های جندر در پروسه تقنین و اجرای عدالت، در نظر گرفته شود. این سند همچنان تعهدات دولت را نسبت به پالیسی های تبعیض مثبت جهت سهمگیری زنان در قانون گذاری، اجرای عدالت و نهادهای تنفیذ قانون، شامل می شود.

به منظور حمایت، پلان کاری ملی زنان افغانستان زمینه های را فراهم می سازد تا دسترسی به معلومات توسط زنان افزایش یافته تا آنها حقوق شان را بهتر درک نموده و بتوانند اظهار و از آن دفاع نمایند. این سند و همچنان استراتژی انکشاف ملی افغانستان همچنان وعده سپرده است تا قوانین را در مطابقت به برابری جنسیتی قانون اساسی عیار ساخته و قوانین تبعیض امیز علیه زنان را تعدیل و یا ملغا نمایند و عملکردهای خشونت آمیز را نیز جرم پندارند.

پلان کاری ملی زنان افغانستان نیازمندی های زنان را به خدمات حقوقی تاکید نموده و متعهد به ایجاد کلینک های حقوقی، حمایت از نهادهای که مشورت ها و حمایت های حقوقی برای زنان را فراهم می نمایند، آموزش های حقوقی برای زنان، ایجاد شبکه ملی وکلای مدافع، خدمات رجعت دهی به ریاست حقوق وزارت امور زنان و وزارت عدلیه و ایجاد و تقویت محاکم

حفاظت های حقوقی

B-	حفاظت های قانونی برای زنان و دختران
C+	حفاظت حقوق زنان توسط نهادهای عدلی دولتی
C+	برابری مرد و زن در پیشگاه قانون

جنسیتی تلقی میگردد، تعدیل نگردیده است تا موارد نابرابری را در باب طلاق، میراث، سرپرستی و سایر موارد برطرف نماید. برعلاوه، در سال 2004، پارلمان افغانستان قانونی را به تصویب رساند که شهادت اقارب را بر علیه یکدیگر ممنوع قرار داده بود که این امر خود میتواند باعث قانونی ساختن خشونت های خانوادگی گردد که فوراً از طرف رییس جمهور کرسی ممنوع قرار گرفت.

برعلاوه، دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای حفاظت حقوق زنان توسط نهادهای عدلی دولتی، نمره C+ را از آن خود کرده است که این امر بیانگر آن است که موادهای قانونی در این زمینه موجود است اما این موارد

روی کاغذ، پیشرفت های در مورد حفاظت های حقوقی برای زنان از سال 2001 بدینسو، صورت گرفته است. قانون اساسی افغانستان تصریح می دارد که زنان و مردان با هم برابرند و قانون منع خشونت علیه زنان یک دستاورد عمده در راستای فراهم آوری حفاظت های حقوقی برای زنان می باشد. هرچند، تلاش های تقنینی متعددی صورت گرفت تا حقوق زنان را محدود بسازد. معرفی قانون احوال شخصیه اهل تشیع در سال 2009 یک مانع دیگر برای زنان بود زیرا این قانون بصورت حقوقی سد راه تحرک زنان قرار گرفته و ازدواج زیر سن 16 را جواز می داند و برای شوهر اجازه می دهد تا در شرایط خاص از فراهم آوری تسهیلات برای خانمش، خودداری کند. قانون مدنی 1997 که بصورت عمومی یک قانون پیشرفته در راستای برابری

از حقوق زنان تا کنون در زندگی روزمره شان حفاظت نتوانسته اند. یک مطالعه در مورد دسترسی زنان به عدالت در سال 2014 مستند ساخت که قضایا نشان می دهند که سکتور عدلی رسمی در قضایای خشونت های فامیلی، تجاوز، طلاق، ازدواج های اجباری، میراث و فرار از منزل، حقوق زنان را نقض کرده اند.

در مورد برابری مردان و زنان در برابر قانون، دولت نمره C+ را از آن خود کرده است. باوجود ماده 22 قانون اساسی "شهروندان افغانستان، اعم از زن

و مرد در برابر قانون از حقوق و وجایب مساوی برخوردار می باشند" با مردان و زنان در افغانستان بصورت مساوی و برابر برخورد صورت نمیگیرد و این امر در قانون خانواده و در مورد طلاق بیشتر محسوس است. ملاحظات سازمان ملل متحد در مورد گزارش های دوره ای از تطبیق کنوانسیون محو هر نوع خشونت علیه زنان بیانگر آن است که در مورد ازدواج و مسایل خانوادگی، قوانین و نظام های حقوقی متعددی تطبیق میگردد که تاثیرات ناگواری تبعیض آمیز میتواند بالای زنان داشته باشد.

قابل دسترس بودن نهادهای عدلی رسمی

C	قابل دسترس بودن نهادهای عدلی دولتی برای زنان
C+	مصوونیت دسترسی زنان به نهادهای عدلی دولتی
C-	موجودیت حمایت های حقوقی برای زنان

نهادهای عدلی و قضایی در افغانستان شامل ستره محکمه، اداره لوی سارنوالی، پولیس، وزارت عدلیه و اداره زندان می باشد. پیشرفت ها در بخش اعمار دوباره سیستم عدلی دولتی در جریان یک دهه گذشته بطی و نسبی بوده است که باآنها مشهود می باشد؛ صدها تن از قضات، سارنوالان، مسوولین زندان ها، و صدها هزار تن پرسونل پولیس تحت آموزش قرار گرفتند، یک تعداد از نهادهای عدلی دوباره ترمیم و یا اینکه در برخی موارد از صفر آباد گردید. تلاش های متعددی در راستای بلندبردن ظرفیت های اداری در میان نهادهای عدلی موجود، صورت گرفته است. تلاش ها در قسمت اعمار دوباره سیستم عدلی دولتی شامل تاسیس انجمن مستقل وکلای مدافع، ریاست های مساعدت های حقوقی در کابل و سه ولایت دیگر، ایجاد مرکز ملی آموزش های حقوقی در کابل، و ایجاد کمیته برای ساده سازی بیروکراسی قضایی، می باشد. علاوه برآن، تفاهم نامه ای میان وزارت امور داخله و اداره لوی سارنوالی در مورد تدوین و تطبیق اقدامات برای بهبودی پروسه های پیگرد عدلی، صورت گرفت و معرفی یک تلیفون عام برای ثبت شکایات نیز معرفی گردید. باوجود این، پیشرفت های زیادی در راستای قابل دسترس بودن نهادهای عدلی رسمی به شهروندان و به خصوص برای زنان محسوس می باشد. زنان برای دولت در این عرصه، نمره C را در نظر گرفته اند.

22٪ زنان گزارش کردند که در دو سال اخیر بخاطری حل مساله حقوقی شان به ریاست حقوق و محاکم دولتی مراجعه کردند. از هر سه زن یک تن آنها به ریاست حقوق (34٪) و 44٪ آنها به محاکم دولتی مراجعه کرده اند. مطابق به سروی تحت عنوان مردم افغانستان که در سال 2014 صورت گرفت، 56٪ از کسانی که به خاطری دریافت راه حل برای مساله شان به ریاست های حقوق مراجعه کرده بودند، زنان بودند و همچنان 52٪ زنان گزارش کردند که قضایای شان را به محاکم دولتی نیز به ثبت رسانده اند. قضایای که به ریاست های حقوق محول شده بودند در درجه اول قضایای زمین و ملکیت و در درجه دوم قضایای فامیلی بودند. این ارقام بیانگر میزان پایین دسترسی زنان به نهادهای عدلی رسمی می باشد. فاصله های زیاد به نهادهای عدلی در روستاها و مناطق نیمه روستایی، میزان پایین سواد، بیروکراسی و کارهای مغلق اداری در میان سایر فکتورهای می باشند که دسترسی زنان را به عدالت محدود می سازد

فساد اداری در سکتور عدلی رسمی در افغانستان به یک فاجعه تبدیل گردیده است. سروی که در سال 2009 صورت گرفت، آشکار ساخت که افغانها در حدود 2.5 میلیون دالر امریکایی را به عنوان رشوه پرداخته اند که این رقم

⁷⁷ F(5, 102)=3.11, p<.05, Pashtun M=2.71, SD=.55, Tajik M=2.91, SD=.51, Hazara M=2.79, SD=.58, Uzbek M=2.34, SD=.38, F(4, 110)=4.59, p<.01, Bamyan M=2.77, SD=.57, Herat M=3.05, SD=.53, Nangarhar M=2.66, SD=.55, Kunduz M=2.65, SD=.61, Faryab M=2.47, SD=.38, M=2.43, SD=1.13, M=2.76, SD=1.05, M=2.79, SD=1.17

"ترجمه قانون احوال شخصیه اهل تشیع" USAID. April 2009. <http://www.refworld.org/docid/4a24ed5b2.html>.

تیم لوکارو و اریکا گاستون، "دسترسى زنان به عدالت در افغانستان : موانع و جمعی در برابر عدالت"

United States Institute of Peace, 2014, http://www.usip.org/sites/default/files/PW98_Women's-Access-to-Justice-in-Afghanistan.pdf.

در حدود بیست و سه فیصد تولیدات ناخالص ملی افغانستان می باشد. مطابق به سروی ملی فساد اداری که در سال 2014 انجام یافت، محاکم از جمله مفسدترین نهاد و بعد از آن وزارت امور داخله، شناخته شده است. وزارت عدلیه از جمله چهارمین اداره مفسد مطرح شده است. اداره های لوی سارنوالی بعد از محاکم در تمام سطوح به عنوان مفسدترین نهادها معرفی گردیده است. اداره های لوی سارنوالی در سطح ولسوالی ها در فساد اداری در رده نخست بعد از آن ادارات لوی سارنوالی در سطح ولایت و به تعقیب آن محاکم در مساله فساد اداری قرار دارند. موجودیت فساد اداری در قوه قضاییه تاثیرات ناگواری بالای دسترسی زنان به عدالت دارد. پدیده فساد اداری در سکتور عدلی باعث می گردد که اکثریت قضایای زنان نازل باقی بماند و یا در اکثریت موارد زنان خود از تعقیب قضایای شان بنابر موجودیت فساد اداری و یا تحت تاثیر قرار گرفتن، انصراف کنند. زنانی که منابع محدود مالی دارند برای شان بسیار دشوار می باشد تا قضایا را تعقیب و پیگیری کنند زیرا قضات، سارنوالان، پولیس و سایر پرسونل قضا از آنها در برابر خدمات شان، پول توقع دارند.

در هنگام مراجعه به نهادهای عدلی رسمی، زنان از آزار و اذیت جنسی نگران هستند. قضات در برابر زنان از مفکوره های محافظه کارانه و تبعیض آمیز استفاده می نمایند؛ و یک نوع تغافل و عدم اجرای قانون و همچنان کمبود مقامات زن در این سکتور دیده می شود. این فکتور های است که همه باهم باعث می گردند تا مصونیت زنان بصورت قابل توجه در خطر قرار گرفته و باعث گردد که دسترسی زنان به عدالت کوتاه شود. وقتی که زنان به مقامات رسمی مانند قضات، سارنوالان، پولیس و سایر مقامات دولتی مراجعه میکنند، زنان خطرات جنایی را بخاطری ارتکاب جرایم اخلاقی با خود حمل میکنند. گزارشی را که دیده بان حقوق بشر در سال 2012 به نشر رساند، نشان می دهد که حدودا 400 زن و دختر بخاطری جرایم اخلاقی به زندان سپرده شده اند.

اکثریت این زنان به جرم فرار از منزل که اکثرا ناشی از ترس ازدواج های اجباری و یا ازدواج های قبل از وقت بوده است. پولیس ملی اولین مرجع برای زنان جهت دستیابی به نهادهای عدلی دولتی می باشد. با آنهم، پولیس حامی پدران و شوهران می باشد و به لحاظ اجتماعی دختر و یا زنی که از خانه فرار می کند به عنوان یک شخص بد اخلاق تلقی می گردد. برعلاوه، طوریکه قبلا تذکر گردید، پولیس ملی در بعضی ساحات متهم به خشونت ها علیه زنان می باشد.

علاوه بر خطراتی که از طرز فکر و سلوک مسوولین امنیتی و عدلی ناشی می گردد، زنان در هنگام تلاش برای دسترسی به میکانیزم های دولتی با خطرات قابل توجه مواجه می باشند. رفتن به بیرون از خانه و خواستار حمایت شدن عواقب بسیار ناگواری را برای زن ایجاد می کند که شامل داغ ننگ، مردود شدن، خشونت فیزیکی، و باعث از دست رفتن فرصت های اقتصادی می گردد و این خطرات هنگامی تشدید می یابد که زن برای حمایت دست به دامن شورا، بزرگان محل، رهبران دینی و نهادهای دولتی ببرد. تحقیقات نشان داده است که زنان تنها در حالاتی به بزرگان اجتماع و میکانیزم های رسمی مراجعه میکنند که تلاش های شان در سطح خانواده ناکام مانده باشد و یا در موارد که زندگی شان به تهدید مرگ و یا خشونت های جدی فیزیکی روبرو باشند. در یک تحقیق دیگر راجع به دلیل مراجعه نکردن به نهادهای عدلی چنین بیان می گردد که: رفتن آنها به محاکم سبب می گردد تا آنها نزد فامیل و اجتماع و شوهر به عنوان یک زن بد معرفی شوند، فامیل و شوهر اجازه بازگشت به خانه را نخواهند داد. موانع هنجاری که توام با "شرم" مطرح است همواره خطرات زیادی را برای زنان جهت مراجعه شان به نهادهای عدلی به منظور خواستار شدن حمایت، دارد.

عدم دسترسی زنان به حمایت های حقوقی نیز می باشد. با میزان بلند بی سواد در افغانستان و به خصوص نزد زنان افغان، اشد نیاز به وکلای مدافع مسلکی و آگاه می باشد تا از حقوق زنان حفاظت و دادخواهی نمایند. پرداخت فیس بخاطری وکالت از طرف یک زن اکثرا دسترسی به خدمات و حمایت های حقوقی را برای زنان مشکل تر ساخته و باعث می گردد که زنان به این مساله روی نیاورند و در بعضی جاها چنین وکالت ها به نمایندگی از زنان توسط برخی موسسات داخلی صورت می گیرد. تنها 1738 وکیل مدافع در انجمن مستقل وکلای مدافع ثبت می باشند که از میان آنها تنها 335 تن آنها را زنان تشکیل میدهد. عرضه کننده گان مساعدت های حقوقی و فعالین حقوق بشر این مساله را نیز مطرح ساختند که در برخی موارد وکلای مدافع، زنان را از حقوق شان نیز محروم می سازند وقتی که بصورت شخصی این وکلای مدافع به آن موارد توافق نداشته باشند. زنانی که در این تحقیق شرکت داشتند، کارکردهای دولت را در این راستا ضعیف ارزیابی کرده اند.

http://www.idlo.int/sites/default/files/IDLO_Afghan%20Legal%20Professionals%20full%20report.pdf.

مشارکت زنان در سکتور عدلی: فرصت ها و چالش ها، اداره مستقل ارگان های محل، 2014

http://www.idlo.int/sites/default/files/IDLO_Afghan%20Legal%20Professionals%20full%20report.pdf

⁷⁸ Ibid.

⁷⁸ Ibid.

دسترسى زنان به عدالت، انسیتیوت صلح ایالات متحده

⁷⁸ Ibid.

⁷⁸ Ibid.

روایى بهتر برای افغانستان، " بنیاد آسیایی

تیم لوکارو، اریکا گاستون، " دسترسى زنان به عدالت در افغانستان " USIP ، 2014

نهادهای عدلی رسمی

C+	حفاظت زنان توسط قضات، سارنوالان، و نهادهای عدلی دولتی
B	حساس بودن نهادهای عدلی دولتی به نیازها و منافع زنان

هدف تعیین نموده است. دفتر پولیس اتحادیه اروپا و دفتر همکاری های تخنیکی جرمنی اخیرا برنامه را تحت عنوان " زنان یکجا" در هرات، مزار شریف و کابل به درخواست رییس سارنوالی ولایت هرات به راه انداخته است که از این طریق به آموزش پولیس و سارنوالان پرداخته تا تشریک مساعی به ویژه در مورد زنان، بهبود یابد. مطابق به اظهارات ریس سارنوالی ولایت هرات، زنان در این ولایت اعتماد به نفس شان برای گزارش دهی موارد خشونت در حال بیشتر شدن است و تدریجا کارکنان اناث در اداره لوی سارنوالی افزایش می یابد.

بلندترین نمره برای دولت جمهوری اسلامی در راستای دسترسی زنان به عدالت و حساس بودن نهادهای عدلی دولتی به منافع و نیازمندی های زنان بوده است و دولت نمره B را در این عرصه نصیب خویش گردانیده است. ممکن است دلیل این امر این باشد که زنان از طرف نهادهای عدلی رسمی در هنگام مطرح ساختن قضیه شان مورد حمایت های حقوقی لازم قرار گرفته اند، طوریکه در گزارش بنیاد آسیایی نیز از آن تذکر به عمل آمد. این مورد شامل دریافت مساعدت های حقوقی میگردد که از طرف کمیسیون حقوق بشر و ریاست های امور زنان فراهم شده است. میزان ثبت قضایا در این دو نهاد به مراتب بیشتر از نهادهای عدلی می باشد که این امر خود بیانگر این مساله می باشد که درمیان زنان این دو نهاد، گزینه های بهتر را برای زنان فراهم می سازد و نسبتا به نیازمندی های زنان بیشتر حساس و دقیق تر می باشند.

زنانی که در این سروی اشتراک نموده بودند، کارکردهای دولت را در این زمینه C+ در نظر گرفته اند. آنها در رابطه به مراجعه شان به نهادهای رسمی جهت دریافت حمایت اظهار داشتند که بیشتر زنان ترجیح می دهند تا به کمیسیون مستقل حقوق بشر و ریاست های امور زنان مراجعه کنند تا نهادهای عدلی رسمی. در سروی تحت عنوان مردم افغانستان، تنها 22٪ زنان اظهار داشتند که یک سازمان، نهاد، ویا مقامی موجود است که زنان میتوانند مشکل شان را در آنجا مطرح ساخته و راه حل پیدا نمایند. جواب های که در این مورد ارایه شده است، گزینه ریاست امور زنان می باشد. باآنهم، زنانی که در سال 2014 با ایشان سروی صورت گرفته است، اظهار داشتند که در دو سال اخیر قضایا را به ریاست های حقوق محول کرده اند و شدیداً به این باور بودند که ریاست حقوق قابل اعتماد می باشد و عملکردهای آن منصفانه است و 78٪ چنین موارد را در مورد محاکم نیز اظهار داشته است. این ارقام نشان می دهد که زنان وقتی اگر به نهادهای عدلی رسمی مراجعه کنند، از آن تجارب مثبت را دریافت می دارند. قابل ذکر است که زنان تنها در صورتی میتوانند دسترسی بهتر به سکتور عدلی رسمی داشته باشند که مسوولین روحیه همکاری داشته و قبول نمایند که قضیه زنان را تعقیب کند.

مطابق به اظهارات یکی از مقامات در پولیس اتحادیه اروپا، اداره لوی سارنوالی یک پلان کاری جندر را اخیراً تدوین نموده است که این پلان در مقایسه با پلان کاری وزارت امور داخله به مراتب قوی تر می باشد و 30٪ نمایندگی و حضور زنان را در چارچوب اداره لوی سارنوالی به عنوان یک

مقامات عدلی اناث

C	موجودیت مقامات عدلی دولتی اناث
---	--------------------------------

به همین ترتیب، آمار ستره محکمه آشکار می سازد که تنها 148 قاضی زن در 16 ولایت افغانستان توظیف می باشد و در 18 ولایت دیگر اصلاً قاضی زن وجود ندارد. باآنهم، معلومات به دست آمده از مجلس سالانه انجمن قضات زنان نشان می دهد که بنابر دلایل امنیتی و مشکلات اجتماعی تنها قضات زن در پنج ولایت ایفای وظیفه می نمایند. تا سال 2013، تنها ریاست یک اداره لوی سارنوالی از طرف یک زن رهبری گردیده و سارنوالان زن در پنج ولایت مسوولیت واحد های خشونت علیه زنان را در اداره لوی سارنوالی به عهده داشته است.

دولت نمره C را در رابطه به موجودیت مقامات عدلی اناث در سکتور عدلی از آن خود کرده است. در افغانستان تنها 8.5٪ قضات زن، 6٪ سارنوالان، و 19.3٪ وکلای مدافع را زنان تشکیل می دهد. بیرون از شهر کابل، این رقم بصورت فزاینده کاهش می یابد که تنها 2.8٪ سارنوالان را زنان تشکیل می دهد.

از مجموع 1466 کارمند اداره لوی سارنوالی در سال 2012، تنها 41 کارمند آن اداره را زنان تشکیل می دهد.

پیشرفت های در عرصه ثبت نام وکلای مدافع در انجمن مستقل وکلای مدافع به وجود آمده است. که تنها 6٪ وکلای مدافع را در سطح کشور در سال 2008 زنان تشکیل می داد که این رقم حالا به 19٪ افزایش یافته است. طوریکه قبلاً ذکر گردید، اکثریت این وکلای مدافع در ولایت کابل و هرات جمع گردیده اند که به تعقیب آن تعداد بیشتر وکلای مدافع در ولایت بلخ و ننگرهار تراکم نموده است که این خود بیانگر آن است که بیشترین وکلای مدافع زن در شهرها با نفوس بیشتر، می باشند. 13 ولایت وجود دارد که هیچ وکیل مدافعی تا سال 2013 ثبت و راجستر نبوده است.

در سال 2012، تنها 16٪ کارمندان مسلکی وزارت عدلیه را زنان تشکیل میداد، هرچند که تنها 2٪ کارمندان این وزارت را احتوا می نمایند. این رقم در سال 2013 به 19٪ در کابل افزایش اما هنوز در سطح کشور همان 2٪ را شامل میگردید. در سال 2013 تنها 10 کارمند مسلکی اناث در ریاست مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه ایفای وظیفه می نمود و تنها 5 تن در ریاست حقوق. تا کنون هیچ کارمندی به ستره محکمه تعیین نگردیده است هرچند 9 تن از مشاورین حقوقی برای این نهاد استخدام گردیده است. این ارقام نشان می دهد که استخدام و سرمایه گذاری روی کارمندان مسلکی اناث باید صورت گیرد.

خشونت علیه زنان

پلان کاری ملی زنان افغانستان نه تنها عملکردهای عنعنوی که منجر به صدمه فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی زنان گردیده را جرم دانسته بلکه چنین اعمال را تحت پیگرد قانونی نیز قرار میدهد. قانون منع خشونت علیه زنان متعهد به (1) اطمینان بخشیدن شریعت و حقوق قانونی و حفاظت از حیثیت و وقار زن؛ (2) نگهداری عزت خانواده و مبارزه علیه عملکردهای ناپسند؛ (3) حفاظت زنان قربانی و یا زنانی که در معرض خطر خشونت قرار دارند، (4) جلوگیری از خشونت علیه زنان، (5) فراهم آوری آگاهی دهی و برنامه های آموزشی در مورد خشونت علیه زنان و (6) تحت پیگرد قراردادن مرتکبین خشونت علیه زنان، می باشد. برعلاوه این قانون 22 نوع از خشونت را علیه زنان جرم پنداشته و برای مرتکبین آن مجازات را پیشبینی نموده است.

قانون منع خشونت همچنان حقوق قربانی خشونت را نیز در نظر گرفته است. قربانیان حق دارند تا متجاوزین خشونت را مطابق به قانون تحت پیگرد قانونی قرار دهند. این قربانیان مستحق به دسترسی به خانه های امن و یا سایر جاهای محفوظ و یا همچنان حق دارند تا به خدمات صحتی عاجل دسترسی داشته باشند. آنها حق دارند تا از وکلای مدافع برخوردار باشند و همچنان محرمیت آنها باید بصورت جدی حفظ و نگهداری شوند.

دیدگاه های بوجود آمده از این سروی انعکاس دهنده این امر می باشد که پیشرفت های ناچیزی در راستای محو خشونت علیه زنان، حفاظت های حقوقی، میکانیسم های حمایتی و تطبیق قوانین و کاهش خشونت ها، صورت گرفته است و دولت نمره C+ را در این بخش از آن خود کرده است. تفاوت دیدگاه میان زنان از یک قوم تا قوم دیگر در مورد کارکردهای دولت در این زمینه، به مشاهده رسیده است. اما تفاوت دیدگاه میان زنان با سنین، حالت مدنی، سطح تحصیلات و اشتغال دیده شده است.

خشونت علیه زنان یکی از عرصه های جدی و مورد تمرکز دولت افغانستان از سال 2001 بدین سو می باشد. در پلان کاری ملی زنان افغانستان، دولت متعهد به ایجاد میکانیسم ها و واحد های رسیدگی به خشونت های فامیلی، می باشد تا قربانیان خشونت بتوانند از آنها بهره ببرند. برعلاوه، دولت متعهد به تاسیس خانه های امن در سراسر کشور می باشد تا اینکه برای زنانی که مورد خشونت قرار گرفته اند فضای مصوون را ایجاد کرده باشد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان متعهد به ایجاد واحدهای رسیدگی به قضایای فامیلی بوده که تمام کارمندان را زنان تشکیل می دهند و ارتباط محکم این واحد ها با واحدهای ویژه خشونت اداره لوی سارنوالی برقرار باشد.

مهم تر از همه، پلان کاری ملی زنان افغانستان وزارت امور داخله را در راستای اجرای کار با سایر نهادهای که در امر حقوق زنان، صحت، حاکمیت قانون کار میکنند هدایت نموده و همچنان با تشریک مساعی سایر نهادهای غیردولتی تلاش می نماید تا مرتکبین خشونت علیه زنان را مسوول قرار دهند. این تعهد حایز اهمیت خاص می باشد زیرا زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند اکثرا به عرضه کننده گان خدمات صحتی به جای پولیس و یا مقامات عدلی مراجعه میکنند و میکانیسم های رجعت دهی منظم باید ایجاد شده باشد تا چنین قضایا به مراجع مربوطه رجعت دهی شوند.

اهمیت و نیاز به آموزش و برنامه های آگاهی دهی را در میان کارمندان سکتور عدلی در رابطه به قضایای خشونت در موارد متعدد به رسمیت شناخته است. پلان کاری ملی زنان افغانستان اهمیت آموزش و ارتقای ظرفیت پولیس، مقامات دولتی و جامعه مدنی را جهت رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان مطرح نموده است. استراتژی انکشاف ملی افغانستان پلان را برای افزایش کارمندان مسلکی سکتور عدلی با آموزش های اختصاصی برای پیگیری و تعقیب قضایا خشونت علیه زنان، طرح نموده است.

حفاظت های حقوقی برای خشونت علیه زنان

حفاظت های حقوقی زنان در برابر خشونت های فیزیکی، جنسی و روانی - اجتماعی

C+

دولت در این قانون مسوولیت های هفت وزارت و نهادهای دولتی را بشمول پولیس و قوه قضاییه در راستای تطبیق این قانون، تصریح نموده است. باوجود این قانون برجسته و ماده های جامع، زنانی که در این سروی اشتراک کرده بودند، برای دولت نمره C+ را در رابطه به حفاظت های حقوقی برای زنان از خشونت های فیزیکی، روانی و جنسی، در نظر گرفتند.

قانون منع خشونت علیه زنان طی یک فرمان تقنینی از طرف رییس جمهور به توشیح رسید که خود یک تلاش بزرگ جهت کاهش و جلوگیری از خشونت علیه زنان و مجازات عاملین آن می باشد. این قانون اعمال خشونت آمیز علیه زنان همچو تجاوز، خشونت های خانوادگی، ازدواج زیر سن، ازدواج اجباری، بد دادن^{۷۹}، و سایر اشکال خشونت علیه زنان را جرم پنداشته است که در مجموع 22 نوع مشخص می باشد و همچنان برای عاملین خشونت علیه زنان مجازات پیشبینی نموده است.

حتی بعد از 5 سال، این قانون هنوز هم در افغانستان بحث برانگیز بوده و موثرت آن خیلی در سطح پایین قرار دارد. در سال 2013، برخی از نماینده گان در ولسی جرگه کوشش کردند تا بحثی را به راه بیندازند که بتوانند موارد ازدواج اجباری و ازدواج قبل از وقت را خلاف دساتیر اسلامی تلقی کنند و آن را خلاف شریعت بدانند. مطابق به گزارش یوناما در مورد تطبیق قانون

منع خشونت علیه زنان، اکثریت مقامات قوه قضاییه و پولیس تمایل به تطبیق این قانون ندارند زیرا آنها به باور شان این قانون را در مغایرت با دساتیر اسلامی می پندارند. بنابراین، کارکرد واقعی دولت در راستای حفاظت های حقوقی با توشیح قانون منع خشونت علیه زنان مثبت بوده اما در عمل دستاوردی های چندان وجود نداشته است.

میکانیزم های حمایتی دولت

C-	حمایت دولت از قربانیان خشونت های خانوادگی
C+	موجودیت تسهیلات دولتی برای زنانی که قربانی خشونت های خانوادگی هستند.

نهادهای متعددی ایجاد و گسترش یافت تا تلاش های دولت را در راستای حمایت از قربانیان خشونت علیه زن تسهیل بخشد که این نهادها شامل ایجاد واحدهای ویژه در اداره لوی سارنوالی، واحد های رسیدگی به قضایای خانوادگی در ماموریت های پولیس وزارت امور داخله، و ایجاد خانه های امن برای زنان، می باشد که از طرف نهادهای دولتی و غیر دولتی اداره شده و ازطرف وزارت امور زنان نظارت میگردد.

واحدهای رسیدگی به قضایای خانوادگی در سال 2006 در چارچوب پولیس ملی ایجاد گردید و هدف آن رسیدگی به قضایای خشونت های خانوادگی، اطفال در معرض خطر، و رسیدگی به قضایای که قربانی آن را زن تشکیل دهد، می باشد. تا ماه می سال 2013، به تعداد 184 واحد رسیدگی به قضایای خانوادگی در 33 ولایت ایجاد و 354 پولیس به شمول 24 پولیس زن در آن توظیف گردید. این واحدها بخشی از ریاست تحقیقات جنایی می باشد و اعضای آن در اجرای تحقیقات قضایای خشونت علیه زنان همکاری می نمایند. اما در عمل، این واحدها بیشتر مصروف قضایای خشونت های خانوادگی بوده در اجرای تحقیقات تجاوز، خودکشی و ازدواج های اجباری کمتر سهم دارند. یکی از مقامات که با وی مصاحبه صورت گرفته است افزود که وزارت امور زنان پلان دارد تا سیستم نظارت و ارزیابی را برای این واحدها ایجاد نماید اما تطبیق آن وابسته به تعهدات مالی تمویل کننده گان، می باشد.

یکی از مقامات پولیس اتحادیه اروپا اظهار داشت که آمرین این واحدها از موقف بسیار قوی در داخل وزارت برخوردار نبوده و حمایت کافی نیز نمی شوند. بگونه مثال، در سال 2014 یک کنفرانس راجع محو خشونت علیه زنان در داخل وزارت امور داخله از طرف صندوق نظم و حاکمیت قانون (لتفا) برگزار گردید اما در این کنفرانس هیچ یکی از مقامات عالی رتبه وزارت شرکت نداشتند. یک مقام دیگر افزوده است که هرچند پلان این است که آمرین این واحدها زنان باشند اما در عمل بنابر کمبود پرسونل، این واحدها توسط مردان به پیش برده می شوند. این مقام (لتفا) همچنان عدم علاقمندی، درک پایین افسران پولیس از این واحدها و اینکه این واحدها چگونه فعالیت های خویش را به پیش ببرند و عدم اعتماد جامعه بالای این واحدها را خاطر نشان ساخت.

واحد ویژه محو خشونت علیه زنان اداره لوی سارنوالی در سال 2010 به منظور تحقیق، پیگرد و تعقیب قضایای خشونت علیه زنان و حمایت از قربانیان، ایجاد گردید. این واحدها در سال 2010 در تشکیل سارنوالی اضافه شد و قضایا را از سراسر کشور به منظور رسیدگی آن دریافت می دارد. چنین واحد برای اولین بار در کابل و به تعقیب آن در ولایت هرات ایجاد گردید. بعد از آن، این واحدها در بدخشان، بلخ، بامیان، کاپیسا، ننگرهار و پروان ایجاد شدند. این واحدهای ویژه خشونت علیه زنان مقید به اطاعت و پیروی از دساتیر و اصول شریعت و قوانین می باشند تا جرایم جنسیتی و بی عدالتی را به شمول تجاوز، ازدواج های اجباری، ازدواج های زیرسن، خشونت های خانوادگی و خودسوزی ها را مورد رسیدگی قرار دهد.

خانه های امن در افغانستان مطابق به قانون و مقررات وزارت امور زنان فعالیت می نماید. سازمان های متعدد، زنان را به خانه های امن به شمول کمیسیون جلوگیری از خشونت لوی سارنوالی، کمیسیون حقوق بشر، ریاست های ولایتی حقوق، محاکم ابتداییه برای احوال شخصیه، ریاست های حقوق وزارت امور زنان، شبکه زنان افغان و پولیس، رجعت می دهند. هدف این است که خانه های امن جای مصوون برای زنان باشد و این خانه های امن مسوول تامین امنیت برای زنان می باشد و میتواند از وزارت امور داخله طالب همکاری شود.

وقتی یک زن به این خانه های امن مراجعه میکند، این مراکز باید فوراً دوسیه برای این زن تشکیل داده و در مدت 24 ساعت وزارت امور زنان را آگاه سازد. بدون اجازه قربانی، این مراکز اجازه ندارند تا فامیل این قربانی را از حضور وی در این مکان مطلع سازد و اگر اعضای خانواده قربانی باخبر می شوند، موقعیت این مراکز نباید برای آنها آشکار ساخته شود. تمام کارمندان دخیل در این مراکز به شمول سارنوالان، کارمندان امور زنان و کارمندان خود خانه های امن ملزم هستند تا محرمت زنان را حفظ نمایند. این مراکز برای زنانی که مراجعه کرده اند، مشوره های حقوقی، وساطت، خدمات صحی، برنامه های آموزشی و حرفوی را برای شان فراهم می سازد.

یک زن در شرایط ذیل میتواند که از طرف خانه های امن رها گردد: بعد از فیصله محکمه ابتداییه، استیناف و ستره محکمه و یا بعد از حل مساله با

وساطت و مصالحه، در صورتی که تهدید برای مصوونیت آینده زن نباشد، در مطابقت به قانون و شریعت ازدواج دوباره نماید، زن جایی را پیدا نماید که بتواند زندگی کند و یا اینکه اقارب وی پیدا شود و قبول نماید که او میتواند با آنها زندگی کند و اسناد این امر را تأکید کند. در تمام حالات، مصوونیت زنان در اولویت قرار داشته و به عنوان پیش شرط می باشد.

برعلاوه، وزارت صحت عامه اقدام به ایجاد مراکز حمایت از خانواده در 6 ولایت نموده است جایی که نجات یافتگان خشونت های مبتنی بر جنسیت بتوانند مشوره، تداوی و معلومات حقوقی را به دست آورند. مطابق به آمار وزارت صحت عامه و صندوق جمعیت ملل متحد، پلان انکشاف و گسترش اقدامات سکتور صحتی به قضایای خشونت مبتنی بر جنسیت به 12 ولایت تا سال 2017، وجود دارد.

باوجود این پیشرفت ها و انکشاف در خدمات و میکانیزم های دولت در رابطه به خشونت علیه زنان، اشتراک کننده گان نمره C- را برای دولت در نظر گرفته است. در اکثریت ماموریت های پولیس، زنان نمیتوانند به واحدهای رسیدگی به قضایای خانوادگی برسند تا اینکه ابتدا به آفیسران مرد که توظیف هستند مساله را تشریح نمایند. در صورت غیابت چنین واحد ها و آفیسران زن، قربانیان به ماموریت های پولیس مراجعه نمیکند زیرا آنها نگران هستند که مبادا دستگیر شوند و عزت شان صدمه ببیند. در سال 2013، 18 خانه

امن در افغانستان موجود بوده است که این رقم در سال 2011 به 14 خانه میرسید. هرچند، بیشتر از نصف ولایات افغانستان دارای خانه امن می باشد و خانه های امن در ولایات جنوبی موجود نیست و این خانه ها بصورت کامل از طرف تمویل کننده گان بین المللی مورد حمایت قرار میگیرد.

درحالیکه مقرر تنظیم خانه های امن در ماه سپتمبر 2011 به تصویب رسید که یک امر مثبت در راستای تنظیم چنین خانه ها از طرف دولت و یا موسسات داخلی پنداشته می شود اما اختلافات روی مسوده این مقرر وجود داشت. این مقرر برای زنان اجازه استقلالیت را داده و زنان را در برابر شوهران و سایر اعضای خانواده که رفتار بد با زنان انجام می دهند، حفظ می نماید. این خانه های امن منبع بحث های متعدد گردید و وزارت عدلیه خانه های امن را به ترویج فساد اخلاقی متهم کرد و گزارش سال 2013 نشان داد که دولت برای حمایت از خانه های امن هیچگونه علاقمندی ندارد تا بودجه دولت را در این راستا به مصرف برساند.

این آمار و ارقام نشانگر آن است که دولت گام های مهم را در راستای ایجاد نهادهای برای قربانیان خشونت علیه زنان انجام داده است اما هنوز پیشرفت های بسیار جدی باید صورت گیرد تا در عمل برای قربانیان حمایت های لازم از طرف نهادهای دولتی در سراسر کشور در تمام سکتورها، فراهم گردد.

تطبیق قانون و کاهش خشونت علیه زنان

B-	تحت پیگرد قراردادن شوهران برای ارتکاب خشونت خانوادگی
C	شیوع بد دادن به عنوان یک عملکرد عنعنوی
B	حق زن برای دادن جواب رد در ازدواج

که باعث ناکامی پولیس ملی در امر رسیدگی موثر به قضایا، گردیده اند. هرچند، قانون منع خشونت بد دادن و ازدواج های اجباری را ممنوع قرار داده است، زنان در این سروی برای دولت در جهت شیوع بد دادن نمره C و برای ازدواج های اجباری نمره B را در نظر گرفته اند.⁸¹

وقتی زنان موارد بد رفتاری را گزارش میکنند، قضایای آنها معمولاً بصورت درست راجستر نشده و متخلفین به ندرت مورد پیگرد قرار میگیرد. گزارش سال 2012 ملل متحد در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان نتیجه گیری کرد که عدم موجودیت پولیس زن برای اجرای و تحقیق وهمچنان عدم موجودیت آگاهی در مورد قانون نزد پولیس، از جمله فکتورهای بودند

<http://www.hrw.org/news/2013/05/21/afghanistan-surge-women-jailed-moral-crimes>.

مصابحه با مقامات صندوق نظم و حاکمیت قانون - برنامه انکشافی ملل متحد

مصابحه با مقامات پولیس اتحادیه اروپا

رهنمود مراکز حمایوی زنان، وزارت امور زنان، دولت جمهوری اسلامی افغانستان.

http://issuu.com/idlonews/docs/women_s_protection_centers_guidelin.

اقدامات جدی برای سکتور صحت برای مورد رسیدگی قرار دادن خشونت های مبتنی بر جنسیت

⁸² M=3.07, SD=1.21

⁸² M=2.12, SD=1.24

"⁸² زنان و پولیس ملی افغان ها"، 2013

⁸² رویایی بهتر برای افغانستان."

دیجیتهونی و اوتیز، زندگی توام با خشونت. گزارش ملی در مورد خشونت های

خانوادگی،

http://www.globalrights.org/site/DocServer/final_DVR_JUNE_16.pdf?docID=9803

افغانستان: افزایش زنان در زندان ها بخاطری جرایم اخلاقی، دیده بان حقوق بشر،

21 می 2013

باتوجه به سن و جنسیت، تجربه خشونت متفاوت می باشد. زنانی که در سروی بنیاد آسایی در سال 2012 سهم گرفته بودند اظهار داشتند که 8٪ آنها خشونت های خانوادگی و فیصدی کمتر آنها ازدواج های اجباری را تجربه کرده اند. جواب های پاسخگو دهندگان در مورد خشونت های خانوادگی از سال 2006 بدین سو ثابت بوده است، هرچند سال 2011 و 2012 تاکنون بلندترین فیصد را داشته است. در یک مطالعه ای که توسط دفتر گلوبل رایتس صورت گرفت، 87.2٪ زنان اظهار داشتند که آنها یکی از انواع خشونت فیزیکی، روانی، جنسی و یا ازدواج اجباری را تجربه کرده اند. تاکنون کدام سروی دیگری صورت نگرفته است که نشان دهد که این میزان تغییر کرده است و یا خیر.

در شش ماه اول سال 1392، بیشتر از 6611 مورد از قضایای خشونت علیه زنان در کمیسیون حقوق بشر به ثبت رسیده است که از این میان تنها 2039 مورد آن را خشونت های فیزیکی شامل لت و کوب، ضرب و جرح، مشت و لگد، سیلی زدن، حمله به موها بردن، استفاده از اسلحه مانند چاقو، با آب جوش سوختاندن، زهر دادن و قتل، شامل می شود. 1672 مورد آن خشونت های فیزیکی و 1340 مورد آن را خشونت های اقتصادی تشکیل می داد و 453 مورد آن را خشونت های جنسی تشکیل می داد. برعلاوه، قضایا شامل ممنوعیت از تحصیل، بدل، بد دادن، ازدواج های اجباری، طلاق اجباری، ازدواج های قبل از وقت و منع بازدید از اقارب و انفجار را شامل می شوند. 120 قضیه قتل های ناموسی نیز گزارش شده است.

تعداد قضایای که راجستر میگردد به تدریج در حال افزایش می باشد تنها در سال های 2012 و 2013 تنها 28٪ افزایش رونما گردیده و همین رقم در سال 2014 نیز مطرح بوده است. هرچند در برخی موارد این ارقام بصورت نادرست تعبیر می شود اما به احتمال قوی یک رقم مثبت میتواند باشد. باانهم، افزایش میزان گزارش دهی قضایا باید با میزان کافی پیگیری ها و اجرای قانون در این مناطق دیده شود. بگونه مثال زنانی که در این سروی شرکت داشتند، دولت را در قسمت پیگیری شوهران که مرتکب خشونت و بدرفتاری گردیده اند، نمره B- را در نظر دارند.

در یک گزارش سال 2011 آشکار گردید که اکثریت قضایا به واحد ویژه خشونت علیه زنان لوی سارنوالی از کابل بوده است. از مارچ 2010 الی مارچ 2011 به تعداد 285 قضیه به این واحد ها ثبت گردیده بودند که تنها 21 قضیه آن به محاکم جهت طی مراحل بعدی فرستاده شده است. یوناما دریافت نموده است که از اکتوبر 2012 تا سپتمبر 2013، سارنوالان در 16 ولایت کشور 650 قضیه خشونت را ثبت کرده اند که تنها در 17٪ این قضایا قانون منع خشونت مورد استفاده قرار گرفته است و محاکم تنها در 50 تصمیم خود از این قانون استفاده برده است. باتوجه به ثبت قضایا از سال گذشته تا کنون، میزان واقعات 28٪ افزایش یافته است درحالیکه استفاده از قانون منع خشونت تنها 2٪ بوده است.

سه‌مگیری اشتراک سیاسی زنان

حضور زنان را در ساختارها پررنگ تر سازند که این امر شامل شوراهای انکشافی قریه و کمیته های انکشافی ولایت نیز میگردد. همچنان دولت برنامه های آموزشی تعلیمات مدنی را برای زنان و دختران روی دست گرفته است.

همچنان استراتژی انکشاف ملی افغانستان میخواهد تا دسترسی زنان را در سطح وسیع تر زندگی سیاسی در سطوح ملی و منطقوی بهبود بخشد. این سند همچنان تصریح می دارد که زنان نقش خیلی کلیدی در جامعه و همچنان سیاست داشته و تعداد زنان در قوه مقننه انعکاس دهنده ایجاد توازن میان مردان و زنان می باشد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان در نظر داشت تا شورای زنان را در سطح ولسوالی ها ایجاد نموده و برنامه های آگاهی دهی را برای مقامات بلند پایه دولت به هدف اینکه اشتراک زنان در حکومتداری تقویت گردد، اتخاذ کرده است. این سند همچنان در نظر داشت تا اشتراک سیاسی زنان را در پروسه های سیاسی به حیث رای دهنده و کارمند تقویت نماید.

در کل، زنان در این سروی، برای دولت در راستای اشتراک سیاسی زنان، نمره C را در نظر گرفته اند. این امر شامل اشتراک سیاسی زنان در نهادهای سیاسی در سطوح محلی، ولایتی، ملی، تامین امنیت، حمل و نقل، و مراکز رای دهی برای زنان، و تلاش ها برای فراهم آوری معلومات در مورد زنان در پروسه های انتخابات، میگردد. تفاوت دیدگاه میان زنان از یک ولایت تا ولایت دیگر و از یک قوم تا قوم دیگر در مورد کارکردهای دولت در این زمینه، به مشاهده نرسیده است. همچنان تفاوت دیدگاه میان زنان با سنین، حالت مدنی، سطح تحصیلات و اشتغال نیز دیده نشده است.

سهمگیری و اشتراک سیاسی زنان به عنوان نقطه عطف برای ترویج حقوق زنان در افغانستان مطرح می باشد. افغانستان یکی از امضا کننده گان کنوانسیون محو هرنوع تبعیض علیه زنان می باشد که از دولت میخواهد تا اقدامات مناسب را برای محو و از بین بردن تبعیض در زندگی سیاسی و عمومی زنان، انجام دهند. این کنوانسیون همچنان از دولت افغانستان می خواهد تا از برابری مردان و زنان اطمینان بدهد و زمینه این را مساعد سازد تا زنان در انتخابات و سایر ریفراندوم ها رای بدهند، بتوانند خود را برای پست های دولتی انتخاب نمایند، در تدوین و ایجاد پالیسی های دولت و تطبیق آن سهم بگیرند و بتوانند دولت و سایر نهادهای دولتی را نسبت به عملکرد شان مسوول و جوابده قرار دهند. همچنان اهداف انکشافی هزار ساله متعهد به ترویج برابری جنسیتی و تقویت زنان می باشد تا زنان بتوانند انتخاب کنند و و یا در پست های نهادهای دولتی خود را کاندید نمایند که اهداف این سند تا سال 2020، افزایش 30 درصدی زنان در تمام سطح حکومتداری میگردد.

در عرصه رهبری و اشتراک سیاسی، پلان کاری ملی زنان تصریح می دارد که کتله ای عظیمی از زنان فعال را در زندگی سیاسی و اجتماعات شان در نظر دارد. به منظور رسیدن به این هدف، پلان کاری ملی زنان افغانستان پلانی را تدوین نموده است تا پالیسی ها و چارچوب های استراتژیک را بگونه ای نهادینه سازی نماید که باعث تقویت رهبری و اشتراک سیاسی زنان گردیده و زمینه حضور آنها را در تصمیم گیری ها تقویت نماید. دولت افغانستان متعهد به ایجاد یک قوای کاری در کابینه به منظور تقویت رهبری زنان و همچنان رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان، می باشد. همچنان دولت متعهد به اجرای استراتژی های کوتاه مدت و دراز مدت می باشد تا

اشتراک زنان در نهادهای سیاسی

C	اشتراک زنان در نهادهای سیاسی در سطح محل
D	اشتراک زنان در نهادهای سیاسی در سطح ولایت
D	اشتراک زنان در نهادهای سیاسی در سطح ملی

به حکومتداری محلی که بتواند زندگی و معیشت اهالی محل را بصورت مثبت آن متاثر بسازد، می باشد. برنامه همبستگی ملی خواهان حضور 35٪ زنان در شوراهای انکشافی می باشد که از این طریق، اولین ولسوال زن در سال 2013 در جوزجان تعیین گردید.

زنان به این باور بودند که پیشرفت های محدودی در راستای اشتراک سیاسی زنان در نهادهای سیاسی در سطح ملی و محلی به شمول پارلمان، شورای ولایتی و سایر نهادها، در نظر گرفته شده است. برای دولت نمره D در

زنان برای دولت در عرصه اشتراک زنان در نهادهای سیاسی در تمام سطوح نمره C را در نظر گرفته است. هر چند کرسی ها برای زنان در شورای ولایتی، شورای ولسوالی و شورای شاروالی ها اختصاص یافته است اما در شورای قریه هیچ کرسی برای زنان وجود ندارد. حکومتداری در سطح محلات اغلبا از طریق ساختارهای عنعنوی غیر رسمی صورت میگیرد که از طریق نهادهای مردمی توسط برنامه همبستگی ملی ایجاد گردیده اند. هدف از برنامه همبستگی ملی تقویت توانایی مردمان محل به منظور شناسایی، پلان، تنظیم و نظارت از پروژه های انکشافی محل شان می باشد تا از این طریق

قسمت اشتراک سیاسی زنان در سطح ملی و محلی در نظر گرفته شده است. در انتخابات شوراهای ولایتی در سال 2009، 333 تن از کاندیدان اناث به رقابت پرداختند و توانستند 28٪ از کرسی ها را از آن خود کنند که از آن جمله 20٪ آن سهمیه بندی نبوده است. در افغانستان اولین والی زن در سال 2005 در بامیان تعیین گردید و بعداً او از وظیفه خود انصراف داد تا به عنوان معاون دوم زلمی رسول نامزد ریاست جمهوری ایفای وظیفه نماید.

در دوره انتقالی، تنها دو پست وزارت از طرف وزیران زن رهبری میگردید - وزارت امور زنان توسط حبیبه سرابی و وزارت صحت عامه توسط سهیلا صدیقی. در دوره اول اداره حامد کرزی، آمینه افضلی به عنوان وزیر جوانان (بعداً این پست با وزارت فرهنگ مدغم گردید) ایفای وظیفه نمود. متعاقباً، مسعوده جلال و حسن بانو غضنفر به عنوان وزیر امور زنان انجام وظیفه کردند، و صدیقه بلخی به عنوان وزیر کار و امور اجتماعی در سال 2006 وظیفه اجرا کرد. در دوره دوم اداره حامد کرزی، تنها سه زن در کابینه پست های کلیدی را احراز کردند - وزارت امور زنان توسط حسن بانو، وزارت صحت عامه توسط ثریا دلیل، و وزارت کار و امور اجتماعی توسط آمینه افضلی.

با حضور و اشتراک تقریباً 35٪ زنان در سطح محلات، 21٪ در شورا ولایتی و 28٪ در ولسی جرگه، دستاوردهای مهم در این راستا به وجود آمده است.

اشتراک و سهم گیری زنان در انتخابات

C	دولت امنیت مراکز رای دهی زنان را فراهم کرده است
B	حساس بودن موقعیت مراکز رای دهی به نیازمندی های زنان
C	تلاش های دولت در راستای فراهم آوری ترانسپورت برای زنان تا مراکز رای دهی
C+	تلاش های دولت در راستای فراهم آوری معلومات در مورد انتخابات برای زنان

استعمال نمودند. در گزارش قبلی موسسه برابری برای صلح و دموکراسی ابزار گردید که چالش های عمده ای که فرا راه اشتراک مدنی زنان قرار دارند شامل ناامنی، موانع و محدودیت های اجتماعی و فرهنگی، عدم اعتماد بالای پروسه های انتخابات و کاندیدان، و دسترسی زنان به معلومات در مورد ابعاد مختلف انتخابات، می باشد.

زنانی که در این سروی شرکت کرده بودند، نیز به این نگرانی ها اشاره داشتند. اعضای شبکه های ولایتی زنان دولت را در راستای فراهم آوری امنیت در مراکز رای دهی، نمره C را ارایه کردند. در سال 2014، 52٪ زنان گزارش کردند که آنها از اشتراک شان در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها های ولایتی نگرانی داشتند. درانتخابات سال 2014، حدوداً 54٪ زنان اظهار داشتند که از تهدیدات امنیتی در روز انتخابات نگران بودند. تحقیق قبلی این موسسه نیز خاطر نشان ساخت که وزارت امور داخله تدابیر شدید امنیتی را برای روز انتخابات اتخاذ کرده بود و اما تنها تامین امنیت

مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری در 5 اپریل 2014 صورت گرفت. مطابق به معلومات کمیسیون مستقل انتخابات، 12 میلیون فرد واجد شرایط رای دهی موجود بود. بیشتر از 3 میلیون کارت رای دهی از ماه می سال 2013 توزیع گردیده بود که 35٪ این کارت های رای دهی برای زنان توزیع شده بودند. از مجموع 20795 مرکز رای دهی، 8573 مرکز برای زنان باز بودند. از مجموع آرا 6.6 میلیونی که در روند اول انتخابات در صندوق های رای ریخته شده بود، کمیسیون اعلام داشت که 36 فیصد آن را آرا زنان تشکیل می داد. در روند دوم انتخابات، کمیسیون گزارش کرد که از مجموع 23136 مرکز رای دهی، 9325 آن برای زنان اختصاص یافته بود و 36٪ آرا از آن زنان بودند.

درحالیکه سطح اشتراک زنان بصورت قابل توجه خوب بوده است اما ساکت و در برخی موارد حتی کاهش نیز یافته است. در سال 2004، تعداد زنانی که در انتخابات راجستر کرده بودند، 42٪ را احتوا می نمودند و حدوداً 40٪ زنان آرای خویش را در انتخابات ریاست جمهوری سال 2004 و 2009

برای یک روز کافی نمی باشد. خشونت ها و تهدیدات ناشی از انتخابات برای حضور مدنی زنان همچنان به عنوان یک مانع باقی مانده است.

در حالیکه رفتن تا به مراکز رای دهی برای تمام افغانها یک مساله می باشد، اما به لحاظ جنسیتی تأثیرات متفاوتی را از خود بجا میگذارد؛ مردان میتوانند با استفاده از وسایل و روش های مختلف خود را به مراکز رای دهی برسانند و اما عدم فراهم آوری سهولت های ترانسپورتی باعث عدم اشتراک زنان در روز انتخابات گردیده و زنان از رای دادن محروم می گردند. پاسخ دهنده گان همچنان به این باور بودند که موقعیت سایت های انتخاباتی تا حدودی مثبت بودند اما نیازمندی زنان بصورت کافی در آن لحاظ نشده بود.

زنان برای دولت جهت در نظر گرفتن نیازمندی های زنان در رابطه به موقعیت مراکز رای دهی، نمره B را ارایه کرده و اما برای تلاش های دولت جهت فراهم آوری سهولت های ترانسپورتی نمره C را در نظر گرفتند. دولت برای شهروندان سهولت های ترانسپورتی را فراهم نمیکند و فاصله راه تا مراکز رای دهی میتواند یک مانع برای زنان باشد تا آنها رای خود را استعمال کرده نتوانند. در یک سروی قبل از انتخابات 2014، 67٪ از پاسخ دهنده گان به این باور بودند که موقعیت نزدیک مراکز رای دهی برای زنان میتواند که باعث افزایش آرا زنان در انتخابات گردد.

زنان که در این سروی اشتراک داشتند همچنان اظهار داشتند که دولت باید راه طولانی را طی نماید تا معلومات انتخاباتی را برای همه زنان فراهم نماید و نمره دهی در این زمینه، محدود به C+ بوده است. در یک سروی قبل از انتخابات، افغان ها خواستار معلومات بیشتر در مورد کاندیدان، تامین امنیت مراکز رای دهی، موقعیت سایت های انتخاباتی، اسلام و انتخابات، و اینکه چگونه ثبت نام و بعدا رای دهند، شده بودند. آنهایی که در سروی اشتراک داشتند، راه های دسترسی به معلومات در رابطه به انتخابات را نشر پیام های انتخاباتی از طریق رادیو و تلویزیون، خطبه های نماز جمعه، گروه های محلی زنان اظهار نمودند و تنها 59٪ آنها اظهار داشتند که معلومات را مستقیما از نهادهای حکومتی به دست می آورند. در یک سروی دیگر، زنان ابزار نمودند که آنها معلومات در مورد انتخابات و اینکه چگونه رای بدهند را از دوستان و اعضای فامیل به دست آورده اند.

در سروی سال 2013، 28٪ اظهار داشتند که آنها در انتخابات گذشته هیچ معلوماتی را به دست نیاورده بودند و تنها 26٪ زنان در گردهمایی ها و همایش های محلی که در مورد انتخابات برگزار گردیده بود، اشتراک داشتند. در یک سروی دیگر قبل از انتخابات، تنها 30٪ زنان می دانستند که کمیسیون مستقل انتخابات نهاد برگزار کننده انتخابات در سطح کشور می باشد.

دست‌رسی به منابع و خدمات

منطقوی سهیم باشند و اولویت برای گروپ های محلی زنان داده شوند تا آنها در اجرای فعالیت ها، پیش قدم باشند.

ترانسپورت یک مساله جدی دیگر در راستای نابرابری جنسیتی در افغانستان می باشد و دولت در استراتیژی انکشاف ملی طرح های را مطرح ساخته است که زمینه آموزش و استخدام راننده گان زن را در ترانسپورت عامه و همچنان افسران پولیس، مهیا سازد. برعلاوه، استراتیژی همچنان تعهد می نماید که سکتور ترانسپورت باید در هنگام پلان گذاری و طرح نمودن زیربناها با زنان مشورت نموده و از ادغام نیازمندی های آنها و همچنان نقش زنان در این پروسه ها، اطمینان دهند. دولت تصریح نموده است که به این نیازمندی های زنان به اسرع وقت رسیدگی صورت گیرد.

بالنهم، زنان در این تحقیق نمره C را برای دولت در راستای دسترسی زنان به منابع و خدمات، ارایه کرده است که این امر شامل دسترسی زنان به آب صحتی آشامیدنی، تکنالوژی، برق، ترانسپورت عامه و سهیم بودن زنان در تصمیم گیری ها در مورد منابع و برنامه های انکشافی محل مربوطه شان، میگردد. تفاوت جدی در دیدگاه ها میان پاسخ دهنده گان با توجه به وضعیت مدنی، ولایت، سن و یا سطح درآمد، به مشاهده نرسیده است. همچنان تفاوتی براساس سطح درآمد نیز دیده نشده است.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد به نهادینه سازی جندر در استفاده از منابع و دسترسی به خدمات می باشد. در استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، دولت متعهد به نهادینه سازی جندر در سکتور انرژی، تقویت برابری جنسیتی در ترانسپورت، نهادینه سازی جندر در پالیسی های سکتور استخراج معدن، و اطمینان بخشیدن به معلومات و تکنالوژی برای تمام افغانها اعم از مرد و زن می باشد. برعلاوه، دولت متعهد به فراهم آوری تسهیلات ورزشی برای زنان و مردان می باشد.

دسترسی به منابع، مدیریت و دستیابی به منابع محیطی از جمله مسایل بسیار کلیدی دولت افغانستان می باشد. دولت همچنان حقوق مردان و زنان را در تصمیم گیری های محیطی تصدیق نموده و متعهد است تا در سطح محلات اشتراک زنان در تدوین پالیسی ها و مدیریت منابع محیطی، ترویج داده شود. دولت همچنان متعهد به فراهم آوری مساعدت های مالی و تخنیکی به منظور مدیریت و استفاده از منابع آبی می باشد و تاکید می ورزد که نیازمندی های زنان در آنها در نظر گرفته شوند. در استراتیژی انکشاف ملی دولت به تصدیق دسترسی زنان به زیربناهای زراعتی پرداخته است. زنان باید در هنگام شناسایی پروژه ها در برنامه های همبستگی ملی و برنامه ملی رشد و انکشاف

منابع

D-	پاسخگو بودن دسترسی به منابع به نیازمندی های زنان
B	دسترسی زنان به آب صحتی پاک
C+	دسترسی زنان به برق
C	دسترسی زنان به تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی

است که بیشتر از 2.2 میلیون افراد را در سراسر افغانستان مستفید ساخته است. زنان برای دولت در این زمینه نمره B را در نظر گرفته است اما تاکید بیشتر دارند تا تلاش های دولت در زمینه دسترسی زنان به منابع آب آشامیدنی تقویت شود.

به همین ترتیب، دسترسی به برق یک مساله دیگر از برابری جنسیتی می باشد. دسترسی به برق بصورت خیلی زیاد میتواند روی استفاده از وقت برای اجرای کارهای خانه داشته باشد و همچنان دسترسی به برق میتواند بالای وقت و زمانی را که زنان در خانواده به مصرف می رسانند، تاثیرات زیاد داشته باشد. این امر میتواند فرصت های زمانی را برای زنان و دختران فراهم سازد تا آنها از این فرصت برای یادگیری و آموزش استفاده نمایند که خود در راستای نابرابری جنسیتی در دراز مدت، موثر واقع می شود. پیشرفت های چشمگیری در عرصه فراهم آوری دسترسی به برق صورت گرفته است. در

دسترسی به منابع کلیدی مانند آب، برق، زمین و سایر منابع طبیعی معمولاً در افغانستان توأم با نابرابری جنسیتی می باشد. باوجود تعهدات و تلاش های دولت در راستای نهادینه سازی نیازمندی های جندر در فراهم آوری منابع و خدمات، پایین ترین نمره برای دولت در راستای ترویج دسترسی زنان به منابع و در نظر گرفتن نیازمندی های زنان در فراهم آوری منابع، ارایه گردیده است که عبارت از نمره D می باشد.

در کشوری که زنان تمام کارهای خانه را به دوش می کشد، دسترسی داشتن به منابع آب پاک آشامیدنی حتی و الزامی می باشد. در اکثریت ساحات، به ویژه در ساحات دوردست، زنان مجبور اند تا چندین کیلو متر را طی نمایند تا برای اعضای فامیل آب آشامیدنی پاک تهیه نماید. اقدامات جدی جهت رسیدگی به این مساله صورت گرفته است و برنامه ملی رشد و انکشاف منطقوی بیشتر از 612 پروژه های آب رسانی و کانالیزسیون را تطبیق نموده

سال 2002، تنها 6 فیصد افغانها دسترسی به برق داشتند در حالیکه امروزه حدودا 29٪ افغانها دسترسی دارند. باآنها، 70٪ نفوس 4-5 میلیون کابل دسترسی به برق دارند. حتی در کابل جایی که دسترسی به خدمات برق نسبتا خوب می باشد، قطع برق حتی گاهی اوقات تا 15 ساعت نیز وجود دارد و قطع برق بصورت پیهم در ماه های زمستان معمولا وجود دارد. 64٪ زنان تا یک حدی و یا کاملا از خدمات برق ناراض بودند.

زنان دولت را در عرصه تسهیل بخشیدن دسترسی زنان به وسایل تکنالوژی، خوب ارزیابی نکردند و برای دولت دراین بخش نمره C را در نظر گرفتند. وسایل تکنالوژیکی شامل رادیو، تلویزیون، موبایل، کمپیوتر، انترنت، و دیتای موبایل وغیره می گردد. در سال 2006، 86٪ زنان گزارش کردند که در خانواده های شان رادیو دارند و 37٪ اظهار داشتند که دارای تلویزیون می باشند. 37٪ زنان در خانواده شان موبایل فعال داشتند. در سال 2014، 39٪ زنان اظهار داشتند که از موبایل برای جمع آوری معلومات استفاده می کنند و 2٪ زنان از انترنت استفاده میکنند. 75٪ آنها معلومات را از طریق رادیو، و 56٪ آنها از طریق تلویزیون معلومات را به دست می آورند. در کل میتوان نتیجه گیری کرد که دسترسی زنان به وسایل تکنالوژی را میتوان یک پیشرفت خوب محسوب کرد.

ترانسپورت

C	دسترسی به وسایط حمل و نقل عمومی برای زنان و دخترا
C+	مصونیت حمل و نقل عمومی برای زنان و دختران

وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی مسوول اداره سیستم حمل و نقل عمومی در افغانستان می باشد که ملی بس های شهری را مدیریت میکند. این بس ها که توسط رانندگان مستقل رانندگی میشوند، وسیله ای برای انتقال تعداد زیادی از افراد است. اما از میان بیش از 1000 عراده ملی بس که از سال 2001 بدینسو به افغانستان کمک شده، تنها 100 عراده آن در سال 2014 فعال بوده اند. تنها در کابل، تقریبا 2000 عراده ملی بس برای رفع نیاز حمل و نقل ضرورت است و بسیاری از شهرها در افغانستان هیچ گونه سیستم حمل و نقل عمومی ندارند.

اگرچه مشکلات حمل و نقل عمومی یک چالش برای تمام افغانها است، طبقات آن برای زنان به مراتب بیشتر می باشد. مردان در مقاسیه با زنان به مراتب با مشکلات کمتر از ناحیه حمل و نقل روبرو اند. آنها به گزینه های فراوانی رفت و آمد دسترسی دارند مانند پیاده رفتن، موتورسایکل، بایسکل، موتر، و استفاده از تکسی و سرویس های شهری با کمترین نگرانی از آزار و اذیت جنسی و فیزیکی. دولت افغانستان راه درازی را برای رفع نیازهای زنان به ترانسپورت در پیش دارد.

یک سیستم حمل و نقل عمومی مناسب یک مشکل جدی فراراه برابری جنسیتی است و زنان گزینه های محدود رفت و آمد دارند. در سال 2014، 76٪ زنان گفتند که در خانه ای شان هیچ کس موتر نداشتند. 48٪ گفتند که در خانه یک بایسکل نداشتند و 52٪ موترسایکل نداشتند. حتی در خانه های که اعضای آن بایسکل و یا موترسایکل داشتند، این وسایط معمولا برای استفاده توسط زنان نامناسب شناخته میشوند. اگرچه به صورت بطی رشد میکند، تعداد کمی از زنان رانندگی میکنند؛ در سال 2011 ولایت کابل تنها 312 جواز رانندگی برای زنان را صادر کرد که یک رقم بی سابقه بود. در بسیاری موارد، محدودیت های اجتماعی و فرهنگی پیاده رفتن در جاده ها را برای زنان دشوار میسازد. در کابل، اذیت در بس های شهری یک امر معمول است، بنا اکثر زنان ترجیح میدهند از تونس ها و یا تکسی های شهری با تعداد محدود راکبین استفاده کنند، البته این درصورتی است که توانایی پرداخت کرایه آنرا داشته باشند. اذیت زنان در فضاهای عمومی رو به افزایش است. در یک تحقیق 12 ماهه در 2014، معلوم شد که در تمام ولایات به استثنای دو ولایت، آزار و اذیت زنان مثل سابق است و یا اینکه افزایش یافته است که احتمالا میتواند ناشی از جنجالها و ناخوشی اجتماعی در پیوند به انتخابات و انتقال امنیتی باشد.

مشارکت زنان در تصمیم‌گیری روی منابع و خدمات

C	شامل سازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی روی استفاده از منابع ⁸³
C	شامل سازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی روی انکشاف و بازسازی اجتماعی

تصمیم‌گیرنده در این شوراها داشته باشند، در عمل تنها چهار نوع این شوراها در ارتباط به سهم سازی زنان وجود دارند—شوراهای انکشافی معیاری مختلط، شوراهای که اعضای مرد آن انتخابی و زنان آن انتصابی اند، شوراهای که اعضای زن و مرد آن انتصابی اند، و شوراهای که اعضای آن تنها مردان اند. اگرچه این شوراها میکانیزم‌های مختلف برای نقش زنان حتی در محیط‌های با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌کنند، این‌ها همچنان سبب به حاشیه راندن زنان در تصمیم‌گیری‌ها میشوند. زنانیکه برای این تحقیق مصاحبه شدند، حکومت را در رده سوم در ارتباط به نقش دادن زنان در تصمیم‌گیری در مورد منابع، انکشاف و بازسازی اجتماعی قرار دادند. این بدان معنی است که با وجود اینکه ایجاد شوراهای زنان یک گام مفید است، باید تلاش شود تا نقش زنان از نمایندگی به تصمیم‌گیری در مورد انکشاف و منابع تغییر کند.

دولت نیاز برای تسهیل سهم زنان در تصمیم‌گیری روی منابع و خدمات را میداند. این شامل اشتراک زنان در ساختارهای مردمی مانند شوراها و شوراهای انکشافی اجتماعی از طریق برنامه همبستگی ملی میشود. هدف برنامه همبستگی ملی انکشاف توانایی اجتماعات زنان افغان برای تشخیص، پلانگذاری، مدیریت و نظارت از پروژه‌های انکشافی خودشان، و ترویج حکومت داری خوب در سطح محلی برای توانمند سازی اجتماعات محلی برای تصمیم‌گیری روی موضوعاتی که زندگی شان را متاثر می‌سازد، میباشد. شوراهای انکشافی برای تحلیل اولویت‌ها و مشکلات اجتماع و بررسی نیازها میباشد. شوراهای انکشافی پروژه‌های را در سکتورهای کلیدی مانند منابع، انکشاف و بازسازی اجتماعی، آبیاری، برق، حمل و نقل، ذخایر آب و فاضلاب مدیریت میکنند.

اگرچه زنان تقریباً 35٪ اعضای شوراهای انکشافی را تشکیل میدهند، آنها تنها 3٪ در رهبری این شوراها نقش دارند. اگرچه باید زنان نقش‌های

"پیوستن به فرصت‌ها: سروی دسترسی زنان افغان با تکنالوژی موبایل"، موسسه ارتقا ظرفیت افغانها و USAID May 2013.
http://www.usaid.gov/sites/default/files/documents/1871/survey_afghan_women_mobile.pdf.

⁸³ Ibid.

⁸³ Ibid.

⁸³ M=3.16, SD=1.31

⁸³ M=2.69, SD=1.08

"دیدن رویای بهتر برای افغانستان"، بنیاد آسیایی

فرصت اقتصادی

کنوانسیون محو هرتبعیض علیه زنان برعلاوه می‌خواهد که افغانستان از فرصت های کاری برابر برای زنان، حق انتخاب حرفه و کار، حق ارتقا، مصوونیت کاری و تمام امتیازات و شرایط خدمت، و حق برخورداری از آموزشهای حرفوی برای زنان مطمئن شود. همچنان این برنامه می‌خواهد تا زنان از معاش یکسان برای کار یکسان در مقایسه با مردان برخوردار باشند و امتیازات مشابه داشته باشند و در ارزیابی کارشان به صورت یکسان مورد برخورد قرار بگیرند. با توجه به این تعهدات، اهداف انکشافی هزاره برای افغانستان شامل ترویج برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان از طریق کاهش تفاوت جنسیتی در اقتصاد تا سال 2020 میشود.

زنانه که در این تحقیق سروی شدند نیز گفتند که عملکرد دولت افغانستان در راستای فرصت های اقتصادی برای زنان باید بهبود یابد، آنان کار دولت را در رده سوم قرار دادند. این کار شامل حمایت از زنانی که تازه به بازار کار وارد شده اند، تبعیض مثبت در دولت، حمایت و تحقق حق زنان به میراث، حمایت حکومت از تلاش و آموزش زنان برای کار در سکتور صحت و آموزش و پرورش، و تسهیل فرصت های کاری سودآور برای زنان میباشد. در این تحقیق، تفاوت جدی میان پاسخ دهندگان با توجه به وضعیت مدنی، ولایت، سن و یا سطح درآمد نبود. همچنان تفاوتی براساس سطح درآمد نیز دیده نشد، احتمالا به دلیل موجودیت زنان که در سکتور خصوصی و دولت کار میکنند. اما، دید مردم در مورد کار حکومت براساس قومیت تفاوت داشتند، ازبک ها و پشتونها بیشتر با دید مثبت میدیدند درحالیکه تاجیک ها و هزاره زیاد خشنود نبودند. همچنان دید مردم نسبت به عملکرد حکومت به صورت جدی متاثر از سطح سواد شان بود. زنان با سطح بالای سواد بیشتر با دید منفی به حکومت میدیدند.

فرصت های اقتصادی برای زنان نیز از نکات عمده برای توانمند سازی زنان و ترویج برابری جنسیتی میباشد. در پلان کاری ملی زنان افغان حکومت متعهد به تقویت یک فضای مناسب برای کار زنان و رهبری آنها در سکتور خصوصی از طریق تسهیل فضا برای انکشاف و تحقق ظرفیت های اقتصادی و اجتماعی زنان میباشد. این کار شامل تحلیل پالیسی های اقتصادی بر اساس جنسیت به شمول تجارت، انکشاف سروی های حساس به جنسیت که معلومات تفکیک شده براساس جنسیت را و کار مفید زنان در اقتصاد را در نظر بگیرد، انکشاف و تقویت میکانیزم های نهادی و اصلاح پالیسی ها، دخیل سازی موضوعات جنسیت در تمام برنامه ها و فعالیت های که برای افزایش دسترسی زنان به کار و فعالیت های بادرآمد میباشد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان بررسی استراتژی کاری سکتور خصوصی برای دستیابی به استراتژی های کاری برای زنان را در نظر میگیرد.

حکومت همچنان می پذیرد که فرصت های اقتصادی زنان مرتبط به وضعیت اجتماعی و میراث است. استراتژی انکشاف ملی افغانستان خود را متعهد به متفاوت سازی بازار کار برای مصوونیت اجتماعی، سواد مارکیت مالی و معرفی برنامه های بیمه اجتماعی میداند. این برنامه اذعان میدارند که پالیسی های بعدی حکومت اقداماتی را در جهت تحقق حق زنان به میراث معرفی کند. همچنان این برنامه خود را متعهد به کاهش 20٪ سران زن در خانواده که در فقر زندگی میکنند و افزایش 20٪ سطح کارایی برای سران زن در خانواده ای تا مارچ 2011 میداند. این برنامه شامل ارایه آموزش های حرفوی به 150000 شهروند که از آن میان 35٪ زن و 10٪ معلولین اند، تا پایان سال 2010 میشود.

حمایت زنان در تجارت

حمایت حکومت از زنان تازه کار

براساس معلومات اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان، 1600 تجارت که توسط زنان اداره میشود از سال 2003 بدینسو ثبت شده اند که اکثرا در بخش دست دوزی و ارایه خدمات مشغول بوده و به صورت گسترده مورد حمایت تمویل کنندگان بین المللی قرار گرفته اند. اگرچه این یک رقم بالا است، اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان فعلا تقریبا 37767 شرکت را که فعال اند، ثبت کرده است. براساس یک گزارش از 2013، 78٪ تجارت های که توسط زنان اداره میشوند، تجارتهای کوچک بوده و 5500 تن را به کار گماشته اند. 38٪ این ها درآمد ماهانه میان 30000 تا 50000 داشته اند و 80٪ از این زنان تحصیلات عالی داشته اند.

حمایت از زنان تازه کار در تجارت یک تسهیل کننده کلیدی توانمند سازی اقتصادی زنان بوده و مورد تمرکز تعهد حکومت به زنان بوده است. تجارت های کوچک و متوسط یک فکتور مهم برای انکشاف اقتصادی است که 85٪ تجارت در افغانستان را تشکیل میدهد، نیمی از درآمد سالانه کشور را میسازد و یک سوم نیروی کاری را استخدام کرده است. زنان نقش مهم را در صنعت، زراعت، زرگری، قالین بافی و دست دوزی بازی میکنند، اما کمترین امتیازات را به دست میاورند. تجارت های زنان با چندین چالش روبرو اند مانند دسترسی محدود به بازار و اعتبارات مالی، بی سوادی، و پالیسی سازی اقتصادی که اکثرا توسط مردان اداره میشود مانند اتاق های تجارت و صنایع و اداره حمایت از سرمایه گذاری.

زنان تجارت پیشه افغان با چندین چالش روبرو اند. 81٪ زنان نتوانستند به هیچ گونه اعتبار مالی و منبع تمویل دسترسی داشته باشند. 47٪ با جامعه بین المللی کار میکنند و 40٪ در بازارهای داخلی، اما تنها 13٪ توانستند فرصت های کاری با دولت افغانستان را بیابند. تقریباً 90٪ این ها با سایر شرکت ها همکاری نداشتند و 75٪ شان عضو هیچ اجتماع تجاری نبودند. دسترسی به منبع مالی میتواند یک چالش جدی باشد از آنجاییکه بانکها و نهادهای قرضه های کوچک بیشتر استوار به جایداد و زمین به عنوان ضمانت اند که زنان کمتر به آن دسترسی دارند. برعلاوه بانکها معمولاً سود زیادی در حد 15٪ تا 17٪ دارند که برای تازه کاران غیرعملی به نظر میرسد. در یک میزگرد در 2013 که توسط یک نهاد غیر دولتی روی زنان در تجارت برگزار شده بود، اشتراک کنندگان گفتند که دولت باید از تجارت های کوچک زنان و تولیدات آنها حمایت نماید. اشتراک کنندگان گفتند که اکثر از تولیدات به بیرونی ها داده میشود که تجارت های افغانی را ضربه میزند و هیچ گروهی در درون حکومت نیست تا برای حق زنان در تجارت دادخواهی کنند. وزارت تجارت و اتاق های تجارت نیز مورد انتقاد بودند که از زنان حمایت نمیکنند و مخصوصاً اینکه هیچ فابریکه ای در پارکهای صنعتی نیست که توسط یک زن اداره شود.

فدراسیون زنان تجارت پیشه افغان که در سال 2004 توسط وزارت تجارت و اداره انکشاف جهانی امریکا تاسیس شد، حالا به یک نهاد چتر برای بیش

از 80 اجتماع تجاری زنان افغان تبدیل شده است. این فدراسیون یک توافقنامه با وزارت تجارت و امور زنان امضا کرده و اعلام حمایت از اداره انکشاف صادرات، اتاق های تجارت، و مجتمع جامعه مدنی به دست آورده است. تاسیس این فدراسیون و توافقنامه ها و حمایت ها همه نشان هایی خوبی از انکشاف اند. اما اکثر از فعالیت های فدراسیون توسط جامعه بین المللی حمایت میشود و معلوم نیست که دولت واقعا بیشتر از حرف چقدر حمایت میکند.

اما شواهدی از رشد نقش زنان در قوه کار دیده میشود. از میان 131001 عضو اتحادیه ملی کارگران در سال 2013، 40447 تن آنها که 31٪ میشود، زنان اند. 512393 عضو اتحادیه بودند که که 155983 تن آنها زنان بودند و این ها شامل اعضای شورای خبرنگاران، اتحادیه پیشه وران، اتحادیه جوانان، اتحادیه زنان، اتحادیه خدمات اجتماعی و فرهنگی افغان، و اتحادیه دکتران و کارمندان صحتی میشود. در سال 2014، 22٪ از افغانها گفتند که اعضای زن در خانواده به درآمد کمک میکنند، درحالیکه این رقم در سال 2009 14٪ بود. براساس معلومات بانک جهانی، سهم زنان در قوه کار در سال 2013، 16٪ بود که از 2011 بدینسو یک سیر صعودی را نشان میدهد.

تبعیض مثبت

C	تبعیض مثبت برای کرسی های دولتی
C+	استخدام زنان در دولت

زنان انجام داده، اما در مورد فعالیت های آن معلومات محدود در وبسایت کمیسیون وجود دارد.

این تعهدات لفظی به صورت واضح در عمل پیاده نشده اند. براساس سروی جامعه مدنی سال 2013، تنها 93761 کارمندان حکومت از میان 388056 تن زنان بوده اند که 24٪ میشود و از 31٪ در سال 2005 کاهش یافته است. اما تنها 2٪ کارمندان دفتر رئیس جمهور زنان اند و 5٪ درصد کارمندان اداره امور را زنان تشکیل میدهد. زنان در شش وزارت خانه کمتر از 20٪ بودند و 10٪ یا کمتر از آن در 15 وزارت دیگر. تنها چهار وزارت خانه بیشتر از 20٪ کارمندان زن داشته اند: وزارت صحت عامه (24٪)، وزارت معارف (30٪)، وزارت کار و امور اجتماعی و شهدا و معلولین (62٪) و وزارت امور زنان (56٪). این وزارتها اکثر توسط وزیران زن اداره شده اند، وزارت معارف که معلمین زن را استخدام کرده اند. بازمهم زنان حکومت را در استخدام زنان در خدمات ملکی در رده سوم قرار دادند.

یکی از ساحات اساسی در تسهیل اشتراک اقتصادی زنان، تبعیض مثبت در استخدام در خدمات ملکی است. اگرچه چندین پالیسی و سندهای استراتژیک در این زمینه وجود دارند، در عمل به ندرت دیده میشوند. با توجه به این، زنان حکومت را در اعمال تبعیض مثبت برای تقویت سهم زنان در خدمات ملکی در رده سوم قرار دادند. کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی در سال 2010 یک ریاست جندر را ایجاد کرد تا فضا و شرایط مناسب برای اینکه زنان و مردان از حقوق و فرصت های برابر در خدمات ملکی برخوردار باشند، تشکیل داد. هدف ریاست جندر دخیل سازی این موضوع در تمام برنامه و پالیسی ها و آموزش و تقویت ظرفیت کارمندان زن در وزارت ها و سایر نهادهای حکومتی میباشد. اهداف استراتژیک این ریاست دخیل سازی جندر، ایجاد رابطه و همکاری با سایر بخش ها و کارمندان زن، ارایه آموزش و برنامه های انکشاف ظرفیت برای زنان در خدمات ملکی، بلند بردن آگاهی در میان کارمندان خدمات ملکی، و اطمینان بخشیدن از تطبیق پالیسی جندر خدمات ملکی در روند استخدام و حل منازعه میان کارمندان میباشد. این ریاست کمپاین های استخدام را با شاگردان انات و آموزش هایی را برای

میراث زنان

C+	مصوونیت های حقوقی برای میراث زنان
C+	حفاظت حکومت از حق زنان به میراث

شان را به دست آورده اند و زنان تنها 37٪ این رقم را دارند و تنها 45٪ زنان و 55٪ مردان پذیرفتند که زنان در میراث حق ندارند. از این میان 43٪ گفتند که ارزشهای فرهنگی مخالف میراث زنان است، 8٪ گفتند که این کار باعث دشمنی یک زن با برادرانش میشود، 6٪ گفتند که زنان خود دارایی دیگران اند و 44٪ گفتند که زنان نباید میراث شان را به دست بیاورند. بعضی ها فکر کردند زنان حق ندارند دارایی داشته باشند.

یک سروی در سراسر افغانستان در سال 2014 نشان داد که تنها 13٪ مردان و 15٪ زنان به نوعی و یا جدا مخالف این بودند که یک دختر میتواند از پدرش میراث ببرد. زنان همچنان تحت فشار اند که از حق میراث خود بگذرند از روی این ترس که فامیل شاید آنها را طرد کند، بعضی ها هم میراث شان را به برادر و یا یک عضو مرد دیگر خانواده با این فرض میدهد که او از وی نگهداری و محافظت خواهد کرد.

ثبت نامنظم دارایی و ازدواج نیز از مشکلات فراراه حق زنان به میراث اند. اگرچه ثبت ازدواج ضروری است، تعدادی کمی افغانها این کار را انجام میدهند و این میتواند باعث مشکلاتی در زمان ادعای میراث شود چون سندی که مفادات ازدواج را مشخص کند، وجود ندارد. برعلاوه، سیستم پیچیده و مشکل زای مدیریت زمین روند ثبت و مصوونیت دارایی را بیشتر پیچیده میسازد که این باعث مشکلات بیشتر زنان برای ادعای حق قانونی شان به میراث میشود.

برعلاوه، آگاهی و تطبیق حداقلی قوانین مربوط به حقوق زنان از مشکلات اساسی میباشد. زنان اکثرا از حقوق شان به میراث آگاهی ندارند و یا هم اگر دارند، بزرگان قومی این حقوق را به رسمیت نمی شناسند و این موضوع حتی در نظام قضایی رسمی قابل مشاهده است. از این میان، 63٪ زنانیکه مصاحبه شدند، گفتند که از دولت تقاضای کمک کردند تا حق میراث خود را بگیرند، اما نتوانستند و 33٪ گفتند که از آنها رشوت خواسته شده بود. 44٪ زنان گفتند عدم آگاهی شان از روند حقوقی از مشکلات اساسی بوده، این موضوع در مورد مردان تنها 15٪ بوده است. 23٪ گفتند که زمان تقاضای حق میراث شان از سوی نهادهای دولتی مورد تبعیض و سوبرخورد واقع شدند.

حکومت نیز اقداماتی تشویق کننده برای میراث و مالکیت دارایی برای زنان مانند مشوق های مالیاتی را روی دست نگرفته است. با وجود تلاش از سوی وزارت امور زنان و اتاق های تجارت و صنایع برای ترویج برابری جنسیتی از طریق قوانین مالیاتی، وزارت مالیه این درخواست را رد کرد و گفت که قوانین مالیاتی نه به تبعیض منفی و نه به مثبت اجازه میدهد. برعلاوه، هیچ مشوقی

یک تعداد حفاظت های حقوقی برای میراث زنان در افغانستان وجود دارد. ماده 40 قانون اساسی به زنان اجازه میدهد مالک جایداد باشند و از آن در حیطه قانون استفاده کنند، ماده 22 میگوید مردان و زنان حقوق و وجایب برابر در مقابل قانون دارند. ماده سوم قانون اساسی اما میگوید که هیچ قانون در افغانستان نمیتواند مخالف اساسات اسلامی باشد. براساس قانون شرعی، زنان نصف مردان از میراث حق میبرند. براساس قانون میراث در اسلام، زنان به عنوان همسر، خواهر، مادر، دختر، مادر بزرگ در میراث حق دارد که خیلی واضح و مشخص است، اما در مواردی این حق منوط به این است که آیی کسی دیگری از فرد متوفی باقی مانده است یا خیر. مثلا برادر و یا خواهر هیچ سهم نمیبیرند در صورتیکه یک وارث مرد و یا یک فردی بزرگتر از طرف پدر از متوفی باقی مانده باشد. مثلا اگر از وی پسری و یا پدري باقی مانده باشد.

در قانون افغانستان، قانون مدنی افغانستان 1977 حقوق ملکیت را بحث میکند. این قانون حق زنان برای ملکیت جایداد و فروش آن و حق آنانرا برای به دست آوردن جایداد از طریق ازدواج، میراث و خرید به رسمیت میشناسد. همچنان این قانون زنان را واجد مهر میدانند که عبارت از مقدار پول و یا انواع دیگر دارایی میباشد که زن از شوهرش بدون قید و شرط به دست می آورد. قانون مدنی از این حق حمایت کرده و نمیگذارد تا زنی تحت فشار قرار گیرد تا حق مالکیت مهر خود را به شوهرش و یا کسی دیگری بدهد.

قانون مدنی 109 ماده در مورد میراث دارد و خواهر، همسر، دختر، خواهر ناتنی از پدر، دختر دختر و دختر پسر، مادر بزرگ و مادر بزرگ بزرگ از سوی پدر را شایسته دریافت سهم مشخص از میراث میدانند. براساس ماده 2007، یک همسر در صورت نداشتن طفل یک چهارم سهم میبرد و اگر طفل داشته باشد، یک هشتم میگیرد. همچنان براساس این قانون، یک دختر نصف سهم میبرد و اگر دو و یا بیشتر باشد، دو سوم سهم میبرد، خواهر نصف سهم میبرد و اگر بیشتر باشد، دو سوم سهم میبرد، مادر بزرگ یک ششم سهم میبرد. ماده 2027 شش تن را حق میدهد تا در هیچ صورتی از حق میراث محروم نشوند که شامل مادر، دختر و همسر میشود.

درواقع اما اکثر زنان در گرفتن حق میراث شان مشکل دارند. این مبارزه میتواند تا پایان زندگی ادامه یابد که زنان را به فقر و بی ثباتی اقتصادی آسیب پذیر میسازد. برعلاوه، تحقیق دریافته است که رسوم و سنت ها نیز باعث محرومیت زنان از حق میراث میشود مانند ازدواج اجباری به یک عضو دیگر خانواده برای اینکه میراث را در همان محدوده خانوادگی حفظ کنند. یک تحقیق در 2013 در 10 ولایت دریافت که 89٪ مردان حق میراث

برای ثبت ازدواج وجود ندارد و دولت نیز هیچ اقدامی در این زمینه نکرده است تا باعث ترویج ثبت ازدواج و حقوق زنان به میراث شود.

بنابراین، باوجود مصوونیت های حقوقی، زنان که سروی شدند، دولت افغانستان را در رده سوم از نگاه مصوونیت های حقوقی میراث زنان و در رده

سوم برای تامین حق میراث برای زنان قرار دادند. این نشان میدهد که فراتر از داشتن مصوونیت های حقوقی، باید بیشتر کار صورت بگیرد تا حق میراث برای زنان در افغانستان تامین شود.

زنان در زراعت

C	تسهیل فرصت های شغلی برای زنان در زراعت توسط دولت
---	--

در افغانستان، زنان در 65٪ نیروی کار زراعتی سهم دارند. به صورت اوسط، زراعت مسوول یک سوم درآمد سالانه در افغانستان است. درحالیکه زنان قسمت اعظم کار را انجام میدهند و آنها به ندرت مالک زمین اند و دسترسی محدود به آموزش های زراعتی و منابع در مقایسه با مردان دارند و در اغلب موارد اختیار امتیازات اقتصادی کارشان را در دست ندارند. برعلاوه، تفاوت در حقوق و مسوولیت ها در خانه آنچنان که در این گزارش بحث شده است، باعث تقسیم نابرابر منابع شده و میزان تولیدات زراعتی را کاهش میدهد. شواهدی واضح وجود دارد که زمین های که مالکان شان زنان اند، حاصل کمتر میدهد و رشد برابری در برخورداری از منابع میتواند باعث افزایش حاصلات زراعتی شود. در اکثر از کشورها، تقسیم سرمایه های انسانی و فیزیکی برای زراعت به نفع مردان اند. در مقایسه با مردان، زمین های زنان

حاصلات کمتر میدهد، از نیروی انسانی کمتر استفاد میکند و کمتر از کود کیمیاوی بهره میبرند و مفاد کمتر حاصل میکنند. شواهد نشان میدهد که افزایش برابری جنسیتی باعث افزایش حاصلات زراعتی و درآمد از آن میشود. وزارت زراعت و مالداري در سال 2009 یک واحد جندر و یک پالیسی دخیل سازی جنسیت را تشکیل داد. اما آنچنان که قبلا گفته شد، در آخرین سروی این وزارت تنها 4٪ کارمندان زن داشته است که نشان میدهد دخیل سازی جنسیت یک اولویت نبوده و صدای زنان در پالیسی سازی مربوط به زراعت در درون حکومت غایب بوده است. زنان در این سروی گفتند که حکومت در عملی کردن تعهداتش برای مبارزه با نابرابری جنسیتی و تسهیل توانمندسازی زنان از طریق زراعت ناکام بوده است. این زنان بازهم دولت را در رده سوم در تسهیل فرصت های شغلی برای زنان در زراعت قرار دادند.

گروه‌های آسیب‌پذیر

قانون انتخابات نیز احکام ویژه‌ای برای تضمین مشارکت سیاسی زنان کوچی را در نظر گرفته و حکم میکند که یک کرسی برای مردان تخصیص داده شود و سه زن که بیشترین رأی را در ساحه‌ی انتخاباتی کوچی‌ها از آن خود می‌کنند، باید برنده شناخته شوند.

افغانستان نیز کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد را که در 2006 تصویب شد، امضا کرده است. این کنوانسیون صراحت دارد که زنان و دختران دارای معلولیت در معرض تبعیض‌های گوناگون قرار دارند و دولت‌ها مکلف اند اقداماتی موثر را جهت تضمین تمامی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی آنها روی دست بگیرند. این کنوانسیون هم‌چنان دولت‌ها را مکلف می‌کند تا قوانین و پالیسی‌های موثر، به شمول قوانین و پالیسی‌های مشخص که روی زنان و کودکان توجه جدی داشته باشد، روی دست بگیرند تا موارد سوءاستفاده از آنان، خشونت و سوء استفاده از افراد دارای معلولیت تشخیص، بررسی و مورد پیگرد قضایی قرار بگیرد.

زنانی که در این سروی اشتراک کرده بودند، کارکردهای دولت را C- ارزیابی کردند و خاطرنشان کردند که دولت تا هنوز به وعده‌ها و تعهداتش مبنی بر حمایت از حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر به شمول زنان بی‌بضاعت که سرپرستی خانه را به عهده دارند، زنان کوچی، زنان دارای معلولیت و بیوه‌ها، عمل نکرده است. هیچ تفاوت عمده در پاسخ‌های اشتراک کننده‌گان مبنی بر وضعیت مدنی، علایق قومی، وضعیت شغلی، سن و میزان درآمد، به چشم نمی‌خورد. با این وجود، تفاوت عمده میان اشتراک کننده‌گان از ولایات مختلف وجود دارد؛ مثلاً در بامیان کارکردهای حکومت را مثبت ارزیابی کرده اند در حالیکه زنان هرات، کارکرد دولت را منفی ارزیابی کرده اند⁸⁴. درضمن، زنان باسواد و تحصیل کرده، کارکرد دولت را ضعیف ارزیابی کرده اند⁸⁵.

دولت تعهد سپرده تا نیازهای برخی از گروه‌های آسیب‌پذیر به شمول زنان فقیری که سرپرستی خانه را به عهده دارند، زنان کوچی، زنان معلول و بیوه‌ها را مورد توجه قرار دهد. این نوع حمایت‌ها در قانون اساسی افغانستان نیز به صراحت آمده است: "دولت باید حقوق بازنشسته‌ها را تضمین کرده، کمک‌های لازم را برای کهن سالان، زنان بی‌سرپرست، معلولین و معیوبین و یتیمان بی‌بضاعت، مطابق احکام قانون انجام دهد."

تعهداتی که در بخش استراتیژی انکشاف ملی افغانستان توضیح داده شد، مربوط بخش‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی و حمایت اجتماعی می‌شود. دولت تعهد سپرده تا به زنان فقیری که مسؤولیت سرپرستی خانه را به دوش دارند، قربانیان خشونت، و دیگر زنان معروض به خطر، کمک و همکاری کند. استراتیژی انکشاف ملی نیز، روی حمایت اجتماعی به شمول ایجاد سیستم‌های مشورتی و شبکه‌های حمایتی برای گروه‌ها و افراد آسیب‌پذیر که توجه بیشتر به زنان دارند، تاکید می‌کند. تعهداتی دیگری نیز برای مهیا سازی زمینه‌ی آموزش‌های حرفه‌ای برای بیوه‌زنان و زنان فقیر و معیوبین صورت گرفته است. برای حمایت از این تعهدات، NDS یک سروی را برای جمع‌آوری اطلاعات در باره‌ی زنانی فقیری که سرپرستی خانه و اطفال کم‌سن را دارند، راه اندازی کرده است.

علاوه بر آن، استراتیژی انکشاف ملی افغانستان این تعهدات را به مثابه‌ی مکلفیت دولت افغانستان تلقی کرده و از دولت می‌خواهد به این گروه از افراد کمک‌های خود را در بخش‌های کمک‌های زمستانی مثل پرداخت پول نقد و بسته‌های غذایی، انکشاف مهارت‌ها، توزیع منابع زراعتی، تسهیل قرضه‌های کوچک و در نظرگرفتن اولویت در استخدام خانم‌هایی که سرپرستی خانه را بدوش دارند، در بخش خدمات ملکی در نظر داشته باشد.

⁸⁵ $r=0.256, p<0.01$

⁸⁴ $F(4, 113), p<0.05$; Bamyān $M=3.00, SD=.44$, Herat $M=3.44, SD=.64$, Nangarhar $M=3.10, SD=.36$, Kunduz $M=3.17, SD=.63$, Faryāb $M=3.15, SD=.54$

C	حمایت‌های دولت به زنان بی‌بضاعت که سرپرست خانه هستند ^{۸۶}
+D	حمایت‌های دولت به زنان کوچی ^{۸۷}
C	دسترسی زنان دارای معلولیت به خدمات ^{۸۸}
C	کارکردهای دولت جهت فراهم کردن زمینه آموزش حرفه‌ای و فرصت‌های اقتصادی برای زنان دارای معلولیت ^{۸۹}
+D	توجه دولت به زنان بیوه در پالیسی‌ها و برنامه‌ها ^{۹۰}

دارد که یکی از بالاترین ارقام در جهان را تشکیل می‌دهد^{۹۳}. زنان زود تر از مردان تمایل به ازدواج نشان می‌دهند و زودتر از مردان، همسران خود را از دست می‌دهند و این رقم بسیار بالا است^{۹۴}. بیوه‌زنان نیز در معرض آسیب‌پذیری‌های گوناگون قرار دارند. مثلاً زنان بیوه و طلاق داده شده، هم در شهرها و هم در قریه‌جات، در مقایسه به گروه‌های دیگر به لحاظ معیشت دچار مشکل اند^{۹۵}. بیوه‌زنان زیر سن 35 سال، می‌توانند دوباره ازدواج کنند ولی آن عده که سن شان از 35 سالگی گذشته است، این مجال را ندارند. در ضمن، وقتی بیوه‌زن جوان تصمیم به ازدواج می‌گیرد، باید اطفال خود را نزد خانواده شوهر متوفی ترک کند که این مساله، ازدواج مجدد را برای این مادران ناخوشایند و نامطلوب میکند.

یوناما در سال 2014 با 60 زن که به دلایل جنگ و و درگیری‌ها بیوه شده اند، مصاحبه کرده و دریافت است که از هر چهار بیوه‌زن، یک نفر، پس از ازدست دادن شوهرش مورد رفتار خشونت‌آمیز قرار گرفته و این خشونت‌ها از برخوردهای نامناسب لفظی گرفته تا بیرون کردن از خانه، ازدواج اجباری، سوء استفاده جسمی و انزوای اجتماعی را در بر می‌گیرد. تمامی این زنان که یوناما با آنها مصاحبه کرده، اظهار کرده اند که وضعیت معیشتی و مالی شان بصورت قابل ملاحظه بدتر شده است در حالیکه فقط یک سوم از اینها کمک‌های مالی اندک به شکل نا منظم از دولت دریافت کرده اند^{۹۶}. بیوه‌هایی که نمی‌توانند مجدداً ازدواج کنند، در بسیاری موارد به اعضای خانواده متکی اند یا هم در صورتیکه پسر داشته باشند و آنها توانایی کارکردن را داشته باشند، به پسر شان متکی اند ولی هیچ گونه تضمینی در این بخش وجود

بطور کلی، اعضای شبکه‌های ولایتی زنان کارکردهای دولت را در خصوص حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر زنان ضعیف ارزیابی کردند. در بخش‌های حمایت از زنانی که سرپرستی خانه را به عهده دارند، دسترسی زنان معلول به خدمات، و زمینه‌سازی برای آموزش حرفه و فرصت‌های اقتصادی برای زنان دارای معلولیت، دولت نمره‌ی (C) گرفته است. در بخش‌های حمایت از زنان کوچی و توجه به نیازهای بیوه‌زنان در برنامه‌ها و پالیسی‌ها، دولت نمره‌ی (D+) گرفته است. قابل یادآوری است که هیچ یک از اشتراک کننده‌گان در این سروی، کوچی نبودند و تنها 4٪ اشتراک‌کننده‌ها را بیوه‌زنان تشکیل می‌داد. به همین دلیل ارزیابی حمایت‌های حکومت از این گروه‌ها، مبنی برداشت و مشاهدات فردی است تا تجربیات مستند.

تحقیقاتی که در سال 2008 صورت گرفته نشان می‌دهد که میزان بسیار زیادی از زنان افغان در زمره "فقر مزمن" قرار می‌گیرند که از سوی اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان، درآمد روزانه‌ی یک فرد به مبلغ یک دالر به مدت پنج سال تعریف شده است. همان تحقیق همچنان نشان می‌دهد که از میان زنانی که در رده فقر مزمن قرار دارند، آسیب‌پذیر ترین آنها زنان بالغ/میان سال است که از حمایت مردان در خانه برخوردار نیستند و مسوولیت سرپرستی خانه را به عهده دارند^{۹۱}. طبق گزارش ارزیابی خطرات و آسیب‌پذیری ملی در سال 2011-12، کمتر از 1٪ خانواده‌ها توسط زنان سرپرستی می‌شدند که 0.4٪ نفوس کشور را تشکیل می‌دهد. با آنکه این رقم اندک به نظر میرسد، ولی به تعداد 102000 نفر از مجموع نفوس کشور را دربر می‌گیرد. عدم حضور سرپرست مرد در خانواده به معنای آسیب‌پذیر بودن تمام اعضای خانواده است زیرا حمایت اجتماعی و مصوونیت شغلی وجود ندارد^{۹۲}.

گزارش ارزیابی خطرات و آسیب‌پذیری ملی همچنان نشان می‌دهد که 57٪ زنان که سن شان از 65 سال گذشته، بیوه اند و 17٪ زنان میان 40 الی 64 سال سن دارند. بصورت تخمینی 1.5 میلیون بیوه در افغانستان وجود

⁸⁶ M=2.82, SD=1.08

⁸⁷ M=3.57, SD=.98

⁸⁸ M=3.16, SD=.91

⁸⁹ M=3.14, SD=1.00

⁹⁰ M=3.41, SD=1.10

⁹¹ امیلی بنزیت، ماریان کمال، پیتی پاسکال، جان پاسکیت و فرانسوا گرون والد، "تحقیق در مورد زنان فقیر در افغانستان"، مارچ 2008، http://www.urd.org/IMG/pdf/CPW_report_hand-ove_march2008.pdf.

⁹² "ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی"، CSO، 2012.

"افغانستان: چشم انداز مهم آینده 1.5 میلیون زنان بیوه افغان"، IRIN Asia، 30 جنوری، 2008، <http://www.irinnews.org/report/76492/afghanistan-bleak-prospects-for-country-s-estimated-1-5-million-widows>.

⁹⁴ "ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی"، CSO، 2012.

⁹⁵ همان منبع.

⁹⁶ گزارش سالانه افغانستان در سال 2014: حمایت از افراد ملکی در جریان درگیری"، یونما، 2015.

ندارد^{۹۷}. از آنجاییکه هیچ سیستم رفاهی وجود ندارد^{۹۸} و دسترسی به کمک‌های مالی دولت در موارد مرتبط به درگیری محدود است^{۹۹}، زنان بیوه به خانواده یا شبکه‌های اجتماعی داوطلب وابسته است. زنان معلول نیز آسیب پذیر اند. احتمال اینکه زنان بی‌ضاعت و دارای معلولیت به فقر مزمن گرفتار شوند، بیشتر است؛ فرصت‌های شغلی برای زنان معلول نیز اندک است^{۱۰۰}.

مطابق یکی از بیانیه‌های حسن بانو غضنفر، وزیر امور زنان، در سال ۲۰۱۲ وزارت امور زنان با همکاری وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین مسوده قانون حمایت‌های دولت از زنان بی‌سرپرست، یتیمان، کهن‌سالان و معلولان را تهیه کردند^{۱۰۱}. لیکن سرنوشت این قانون هنوز معلوم نیست. مطابق به درخواست اظهارنامه ای که از طرف وزارت کار و امور اجتماعی صادر گردیده بود، این وزارت قرار است برنامه حمایت اجتماعی افغانستان (ASPP) را که یک برنامه حمایتی ملی است، مطابق استراتژی سکتور حمایت اجتماعی استراتژی انکشاف ملی افغانستان راه اندازی کند. هدف اصلی برنامه حمایت اجتماعی افغانستان که این وزارت روی دست دارد، حمایت از مادران فقیری است که سرپرستی خانواده را به عهده دارند و با خطر گرسنگی مواجه اند. تلاش‌های انجام شده برای رسیدگی به گروه‌های آسیب پذیر زنان امیدوار کننده است. با این حال، تا زمانیکه این تعهدات به اضافی تعهداتی که از سال ۲۰۰۱ به این سو سپرده شده است، واقعی نشده و سیستم حمایتی ایجاد نشود، دولت در حمایت از آسیب پذیر ترین قشر زنان، ناکام تلقی می‌شود.

زنان کوچی بیشتر از دیگر زنان، در معرض آسیب پذیری قرار دارند. به عنوان مثال، مطابق سروی که در سال ۲۰۱۱-۱۲ توسط ارزیابی خطرات و آسیب‌پذیری ملی انجام شده است، ۳۳٪ زنان در قریه‌جات با حضور پرسونل صحتی آموزش دیده، وضع حمل کرده اند در حالیکه این رقم در میان زنان کوچی، فقط ۱۳٪ ثبت شده است. ۴۶٪ زنان در مناطق روستایی به مراقبت‌های قبل از ولادت دسترسی داشته اند در حالیکه تنها ۲۳٪ زنان کوچی^{۱۰۲} از این مراقبت‌ها مستفید شده اند. در بخش مراقبت‌های اولیه نیز، میزان دخترانی که از این مراقبت‌ها مستفید شده اند ۴۸٪ است ولی دختران کوچی تنها ۱۳٪ گزارش شده است^{۱۰۳}. این ارقام نشان می‌دهد که، با وجودیکه تمام زنان افغان در معرض آسیب پذیری قرار دارند، آسیب‌پذیری زنان کوچی به مراتب بیشتر است و اقدامات دولت برای رسیدگی به نیازهای زنان کوچی، در کمترین حد بوده است. ریاست عمومی مستقل کوچی‌ها (IGDK) به عنوان ساختار رسمی جهت تسهیل مشارکت کوچی‌ها در حکومت و رسیدگی به مشکلات فراروی کوچی‌ها، در سال ۲۰۰۵ ایجاد شد. این ریاست، ریسان کوچی را در سطح ولایتی تعیین کرده که بصورت منظم به منظور بحث و رسیدگی به مسایل کوچی‌ها در حوزه صلاحیت شان جلسه دایر میکنند و برای ریاست عمومی مستقل کوچی‌ها اطلاعات و معلومات خود را گزارش می‌دهند^{۱۰۴}. بیشتر از این، هیچ معلوماتی راجع به این ریاست در دست نیست و وب سایت مربوط به این ریاست که در سال ۲۰۱۳ راه اندازی شده بود نیز، هیچ معلوماتی راجع به اقدامات دولت برای رسیدگی به نیازها و آسیب پذیری‌های زنان و دختران کوچی ندارد.

http://www.urd.org/IMG/pdf/CPW_report_hand-ove-march2008.pdf

¹⁰¹ "بیانیه‌ی دکتر حسن بانو غضنفر، وزیر امور زنان"، در نشست ۵۶ ام کمیسیون وضعیت زنان، دوم مارچ، ۲۰۱۲.

<http://www.un.org/womenwatch/daw/csw/csw56/general-discussions/member-states/Afghanistan.pdf>.

¹⁰² "ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی"، CSO، ۲۰۱۲.

¹⁰³ "ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی"، CSO، ۲۰۱۲.

میشیل ج. جکابز و کترینا ا. شلویدر، "محصولات مالداري متنوع: خطرات و

استراتژی نجات برای رمة داران کوچی در افغانستان"، در برنامه رینج لند آسیای مرکزی: موازنه محیط طبیعی بهتر، محافظت و حمایت از زمین، ویکتور اسکواپر، چاپ ۲۰۱۲ (هالند: اسپرنگر، هالند)، ۱۰۹-۱۲۷.

⁹⁷ امیلی بنزیت، ماریان کمال، پیتی پاسکال، جان پاسکیت و فرانسوا گرون والد، "تحقیق در مورد زنان فقیر در افغانستان"، مارچ ۲۰۰۸.

http://www.urd.org/IMG/pdf/CPW_report_hand-ove-march2008.pdf

⁹⁸ "افغانستان: عوامل فقر مرتبط به خانواده"، IRIN Asia، ۸ اپریل، ۲۰۱۰، <http://www.irinnews.org/report/88732/afghanistan-family-related-determinants-of-poverty>.

⁹⁹ "حفاظت از خود: پاسخ جدی افغانها به آسیب دیدن افراد ملکی"، Center for Civilians in Conflict، ۲۰۱۳،

http://civiliansinconflict.org/uploads/files/publications/Afghan_Report_2013_smaller_final.pdf.

¹⁰⁰ امیلی بنزیت، ماریان کمال، پیتی پاسکال، جان پاسکیت و فرانسوا گرون والد، "تحقیق در مورد زنان فقیر در افغانستان"، مارچ ۲۰۰۸.

آگاهی دهی

در کنار تعهدات دولت به حمایت از اقصاء مختلف زنان آسیب‌پذیر، دولت بصورت متواتر برای روی دست گرفتن فعالیت‌های آگاهی دهی در بخش‌های مختلف، آموزش حقوق زنان به مردم و بهبود برابری جنسیتی از طریق کمپاین‌های عمومی، دادخواهی به همکاری ملاءها، معلمان، کارمندان دولتی، جوانان و مردان و زنان، اظهار آمادگی کرده است. این تعهدات در برنامه‌ها و پالیسی‌های مختلف مثل استراتژی انکشاف ملی افغانستان، برنامه ملی دارای اولویت، برنامه پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، انعکاس پیدا کرده است.

اعضای شبکه‌های ولایتی زنان دولت را در در بخش کارکردهایش برای بالابردن آگاهی عمومی و دادخواهی برای حقوق زنان مثل حقوق قانونی، حق دسترسی به عدالت، خشونت علیه زنان، حق تعلیم برای زنان و دختران، حق مشارکت سیاسی، و سهم داشتن زنان در پروسه صلح، (-B) ارزیابی کردند. هیچ تفاوت عمده میان پاسخ‌دهندگان مبنی بر ولایت، وضعیت مدنی، قوم یا وضعیت شغلی به چشم نمی‌خورد. همچنان، هیچ تفاوت عمده مبنی بر سن، سطح تحصیل و میزان درآمد مشاهده نمی‌شود.

+C	تلاش های دولت به منظور بالابردن آگاهی مردان و زنان در رابطه به حقوق قانونی زنان ^{۱۰۶}
+C	تلاش های دولت به منظور بالابردن آگاهی مردان و زنان در رابطه به دسترسی زنان به عدالت ^{۱۰۷}
+C	تلاش های دولت به منظور بالابردن آگاهی مردان و زنان در رابطه به خشونت علیه زنان ^{۱۰۸}
+C	تلاش های دولت به منظور بالابردن آگاهی مردان و زنان در رابطه به حق تحصیل زنان و دختران ^{۱۰۹}
-B	تلاش های دولت به منظور بالابردن آگاهی مردان و زنان در رابطه به مشارکت سیاسی زنان و انتخابات ^{۱۱۰}
+C	تلاش های دولت به منظور بالابردن آگاهی مردان و زنان در رابطه به مشارکت زنان در پروسه صلح ^{۱۱۱}

برابری جنسیتی در افغانستان نهایتاً بصورت اجتناب‌ناپذیر به فرهنگ، عنعنات و رسوم، و رفتارهای اجتماعی وابسته است. با توجه به این مسأله، برای به ثمر رسیدن تلاش‌های دولت برای بهبود برابری جنسیتی آگاهی دهی نقش بسیار بارز دارد. زنانی که در سروی اشتراک کرده بودند، اظهار کردند که دولت در بخش بالابردن آگاهی مردان و زنان در خصوص مشارکت زنان در سیاست و انتخابات موفق بوده و به دولت، نمره (-B) دادند. بهر صورت، در بخش‌های دیگر مثل آگاهی دهی در مورد حقوق قانونی زنان، دسترسی زنان به عدالت، خشونت علیه زنان، حق تعلیم زنان و دختران، و مشارکت زنان و پروسه صلح، اعضای شبکه‌های ولایتی زنان، به دولت نمره (+C) دادند و اظهار کردند که سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش آگاهی دهی در مورد برابری جنسیتی و حقوق زنان لازم است.

دولت افغانستان به همکاری همکاران بین‌المللی اش، برخی کمپاین‌های آگاهی دهی را راه‌اندازی کرده است. به عنوان مثال، ستره محکمه با وزارت وزارت عدلیه برنامه رادیویی را زیر عنوان "قانون قانون است" نشر می‌کنند

تا سطح آگاهی عمومی در رابطه به قانون منع خشونت علیه زنان که از سوی برنامه رسمی حاکمیت قانون USAID حمایت می‌شود، بالا برود^{۱۱۲}. یونیسف نیز از برنامه‌های بسیج اجتماعی که از طریق همکاری جهانی برای تعلیم اجرا می‌شود، و از طریق حمایت‌های شامل بودجه نظارت می‌کند که توجه عمده آن روی مناطقی است که در آن دختران از مکتب بازمانده اند. تمرکز این برنامه روی آگاهی دهی به مکاتب محلی و برنامه‌های تعلیمی سریع است^{۱۱۳}. در سال ۲۰۱۴، وزارت امور داخله در چارچوب برنامه‌ی سرمنشی سازمان ملل متحد برای پایان دادن به خشونت علیه زنان، در ولایات به منظور آگاهی دهی در مورد واحد رسیدگی به قضایا خانوادگی که از سوی صندوق حمایت از نظم و قانون در افغانستان، حمایت می‌شد^{۱۱۴}، راه اندازی کرد و کمپاین استخدام ملی را نیز، در سال ۲۰۱۲ راه انداخته بود^{۱۱۵}. وزارت صحت عامه نیز ریاست جداگانه تحت نام "ریاست انکشاف صحت" دارد که روی آگاهی‌های تلویزیونی و رادیویی برای آگاهی دهی عمومی کار میکند. روز جهانی زن، روز مادر، روز مبارزه با توبرکلوز، روز مبارزه با ملاریا،

105

106 M=2.59, SD=.56

107 M=2.63, SD=.94

108 M=2.67, SD=1.06

109 M=2.61, SD=1.03

110 M=2.60, SD=.98

111 M=2.74, SD=1.15

"نهادهای عدلی و قضایی افغانستان برنامه‌های رادیویی برای آگاهی دهی منتشر میکنند"، USAID, <http://www.usaid.gov/results-data/success-stories/afghan-justice-institutions-raise-awareness-women's-rights-radio>.

مصاحبه با مقام رسمی یونیسف، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴.

مصاحبه با مقام رسمی EUPOL، ۱۱ دسامبر، ۲۰۱۴.

مصاحبه با مقام رسمی UNDP-LOFTA، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴.

مصاحبه با مقام رسمی UNDP-LOFTA، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴.

و روزهای دیگر مرتبط به صحت همه ساله از سوی ای وزارت تجلیل میشود.^{۱۱۶}

شورای عالی صلح و واحد جندر برای شامل سازی زنان در پروسه‌ی صلح تلاش‌های چشمگیری کرده است. زنان عضو شورای عالی صلح با همکاری کارمندان دارالانشای مشترک واحد جندر در تسهیل لویه جرگه سهم گرفتند، کنفرانسی در مورد صلح و مشارکت سیاسی زنان تدویر کردند و در فعالیت‌های ملی برای صلح ایفای نقش کردند.^{۱۱۷} با این حال، آگاهی دهی هنوز نهادینه نشده و به کمپاین‌های موقتی محدود مانده است. از میان ابتکارات دولت در این بخش، تنها کمپاین "صدای زنان افغان برای صلح" که در سال ۲۰۱۴ راه اندازی شده بود، توانست توانمندی دولت را در شامل سازی زنان در پروسه‌ی صلح در سطح محلی ثابت سازد. هدف این کمپاین یک ماهه اطلاع رسانی گسترده برای صلح‌خواهی و جمع آوری امضای زنان

از سراسر کشور برای صلح‌خواهی بود. در این کمپاین، آنها از دولت، مخالفان مسلح و جامعه جهانی خواستند برای رسیدن به صلح زمینه‌های مشترک را جستجو و بررسی کنند. این کمپاین که در آن، ۲۲۵۰۰۰۰ امضا از ۳۴ ولایت جمع آوری شد، بزرگترین کمپاین ملی برای صلح بود که در آن زنان اشتراک کرده بودند. این کمپاین با برنامه‌های محلی برای ترویج مشارکت زنان همراه بود.^{۱۱۸}

اینگونه کمپاین‌ها الگوی خوب سهم‌گیری دولت در امور اجتماعی مرتبط به زنان است ولی متأسفانه بسیاری از کمپاین‌ها که از سوی دولت راه اندازی میشود، مقطعی بوده و به تجلیل‌ها محدود میشود و بخشی از استراتژی کلی برای دادخواهی و ارتقای سطح آگاهی مردم نیست. وضعیت زنان آنگونه که از این گزارش مشهود است، نشان میدهد که دولت باید به الزام تعهداتی که سپرده، کارهای بیشتر در بخش آگاهی دهی انجام دهد.

نتیجه گیری

این تحقیق و گزارش برابری جنسیتی در وقت بسیار حساس و مهم که افغانستان وارد دههٔ تحول میشود، منتشر میشود. همانطور که افغانستان مسوولیت‌های بیشتر را با تمویل مالی از طریق بودجه‌ی رسمی به عهده می‌گیرد، مرور و بازبینی تعهداتی که دولت در قبال زنان و برابری جنسیتی سپرده است، بسیار مهم و حیاتی است. آنگونه که در این گزارش نیز نشان داده شده است، با وجودیکه تعهدات و پالیسی سازی در این بخش اولین و مهم‌ترین گام به حساب می‌آید، تا این تعهدات به برنامه‌های واقعی تبدیل نشده و پس از تمویل به عنوان اولویت‌های واقعی در صدر برنامه‌ها قرار نگرفته، هیچ تأثیر قابل توجهی در زندگی روزانهٔ زنان افغان بوجود آورده نمی‌تواند. علاوه بر این، نهادهای سازی بودجه سازی پاسخگو به جندر برای عملی شدن این هدف نقش ارزنده دارد و این کار باید از طریق آموزش کارمندان دولت برای رسیدگی به نیازهای مبتنی بر جندر در جریان بودجه سازی، تطبیق بودجه و ارزیابی آن و همچنان شامل سازی الزامات بودجه‌سازی پاسخگو به جندر در پروسهٔ بودجه سازی، صورت بگیرد.

شایان ذکر است که راه‌حل‌ها و راه‌کارهای زیادی برای رسیدگی به مشکلاتی که زنان با آن مواجه اند، وجود دارد. به عنوان مثال، برای رسیدگی به مشکل عدم دسترسی زنان به خدمات صحتی، دولت می‌تواند تعداد کلینیک‌ها را افزایش بدهد، تحصیل زنان در بخش صحت را تشویق کند، برای رساندن زنان به شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها خدمات ترانسپورت عمومی در نظر بگیرد، برنامه‌های آرایه خدمات صحتی سیار را تطبیق و توسعه بدهد، کمپاین‌های آگاهی دهی در خصوص دسترسی زنان به خدمات صحتی راه اندازی کند، مصونیت اجتماعی برای ترانسپورت بدیل برای زنان را ایجاد نماید و یا راه‌کاری مرکب از شیوه‌های که در فوق ذکر شد، آماده کند. راه‌کارهای که در مثال فوق ذکر شد، می‌تواند از سوی هر جناح‌های ذیدخل دولتی به شمول وزارت مالیه، وزارت صحت عامه، وزارت تحصیلات عالی و وزارت ترانسپورت و هوانوردی مورد استفاده قرار بگیرد و عملی شود. همکاری تمامی مسوولین دولتی در سطح محلی و مرکزی، و ارتباط موثر و صلاحیت لازم برای رسیدگی بهتر و موثر به مشکلات فرا روی زنان لازم است تا تصمیم‌گیران و پالیسی‌سازان از واقعیت‌ها و نیازهای واقعی هنگام تصمیم‌گیری اطلاع داشته باشند و کارگزاران محلی باید منابع و حمایت لازم برای تطبیق برنامه‌های را که باعث بوجود آمدن تغییر مثبت میشود، در اختیار داشته باشند. نهایتاً، برای عملی شدن تعهداتی که دولت سپرده است، خلاقیت، همکاری و مهم‌تر از همه، ارادهٔ سیاسی لازم است.

در پایان لازم به یادآوری است که گزارش برابری جنسیتی که در سال 2014 تهیه شده است، چارچوبی را برای نظارت سالانه از پیشرفت‌های دولت در این بخش، ایجاد کرده است. نهاد برابری برای صلح و دموکراسی امیدوار است جامعه مدنی، جامعه جهانی و دولت افغانستان از این گزارش استفاده کرده، از تغییر واقعی در این بخش حمایت کنند و دولت افغانستان را نسبت به تعهداتی که به زنان و برابری جنسیتی در افغانستان سپرده است، وادار به پاسخگویی کند.

ماخذ ها

" گزارش ربع اول پروژه صندوق نظم و حاکمیت قانون – برنامه انکشافی ملل متحد. 2014

<http://www.af.undp.org/content/dam/afghanistan/docs/crisisprev/LOTFA/LOTFA-1QPR-2014.pdf>.

"خواست برای عدالت: مشوره ملی در مورد گذشته خشونت علیه حقوق بشر در افغانستان". کمیسون مستقل حقوق بشر. 25 جنوری، 2005.

<http://www.refworld.org/pdfid/47fdfad50.pdf>.

<http://www.refworld.org/pdfid/47fdfad50.pdf>.

"راه طولانی را باید طی کرد: اجرا قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان". یوناما. نومبر 2011.

http://unama.unmissions.org/portals/unama/human%20rights/november%2023_unama-ohchr-joint-report-on-implementation-of-evaw-law_eng.pdf.

"سروی دیدگاه عوام درباره انتخابات و تعلیمات مدنی". اداره انکشافی ایالت متحده امریکا (USIAD) و دفتر دموکراسی بین المللی. اپریل 2013.

<http://democracyinternational.com/sites/default/files/ECE%20Survey%20Report.pdf>

اسپراه جان، کارا اسکیان، قریشی و شرما. "تاسیس مجدد سیستم مراقب صحی در افغانستان: بازنگری خدمات ابتدایه صحی وعاجل". ژورنال بین المللی طبابت.

<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC2700223/>

"دستآورد ها در افغانستان". اداره انکشافی ایالت متحده امریکا. اگست 2014

<http://www.usaid.gov/sites/default/files/documents/1871/Achievements%20in%20Afghanistan.pdf>

"نهاد های عدلی از طریق رادیو آگاهی زنان را بلند می برد". اداره انکشافی ایالات متحده امریکا (USAID).

<http://www.usaid.gov/results-data/success-stories/afghan-justice-institutions-raise-awareness-women's-rights-radio>.

"فدراسیون تجارت زنان افغان اولین کنفرانس سالانه ملی خویش را تدویر کرد". اداره انکشافی ایالات متحده امریکا (USAID). 2009.

<http://www.usaid.gov/afghanistan/news-information/press-releases/afghan-women's-business-federation-holds-first-annual>.

"سهم گیری اقتصادی زنان افغان: 2013". ایجاد بازار کار. 2013.

<http://buildingmarkets.org/products-services/afghan-women-economic-participation>.

"رپور سالانه 2013 افغانستان: حفاظت مردم عام در عملیات نظامی". یوناما در افغانستان. فبروری 2014

http://www.unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/Feb_8_2014_PoC-report_2013-Full-report-ENG.pdf.

"رپور سالانه 2014 افغانستان: حفاظت مردم عام در عملیات نظامی". یوناما در افغانستان. 8 فبروری 2015

<http://www.unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/2015/2014-Annual-Report-on-Protection-of-Civilians-Final.pdf>.

"افغانستان کمپاین منع خشونت علیه زنان را آغاز کرده است". رادیو آزاد اروپا/ رادیو آزادی. نومبر 2014

<http://gandhara.rferl.org/content/afghanistan-women-violence/26709965.html>.

"سروی چندین جانبه افغانستان: ارزیابی وضعیت زنان و کودکان". اداره مرکزی احصاییه و یونسیف (UNICEF). جون 2012

<http://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/AMICS-Jun24-2012-FINAL..pdf>.

"پلان ملی سواد آموزی افغانستان: 1391-1394". دیپارتمنت سواد آموزی، وزارت معارف، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. 2012

<http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/ED/pdf/Afghanistan.pdf>.

"Afghanistan Says It Enacted law to Pardon War Crimes." The New York Times. 16 March 2010.
<http://www.nytimes.com/2010/03/17/world/asia/17kabul.html? r=0>.

"افغانستان می گوید که قانون معافیت از جرایم جنگی تصویب گردیده است." روزنامه نیویورک. 16 مارچ 2010.
<http://www.nytimes.com/2010/03/17/world/asia/17kabul.html? r=0>.

"کتاب احصایوی سالانه 2013-2014 افغانستان." اداره مرکزی احصاییه. دولت جمهوری اسلامی افغانستان. 2014.
<http://cso.gov.af/Content/files/Government%20Civil%20Service%20Employees.pdf>.

"افغانستان: نتایج بهتر برای زنان، کودکان و فقرا: پیشرفت های فوق العاده." بانک جهانی. 18 اپریل 2013.
<http://www.worldbank.org/en/results/2013/04/18/afghanistan-better-health-outcomes-women-children-poor>.

"افغانستان: کشوری برای 1.5 میلیون زن بیوه." IRIN آسیا. سی جنوری 2008.
<http://www.irinnews.org/report/76492/afghanistan-bleak-prospects-for-country-s-estimated-1-5-million-widows>.

"Afghanistan: Family-related determinants of poverty." IRIN Asia. 8 April 2010.
<http://www.irinnews.org/report/88732/afghanistan-family-related-determinants-of-poverty>.

"افغانستان: شاخص های فقر در خانواده ها." IRIN آسیا. 8 اپریل 2010.
<http://www.irinnews.org/report/88732/afghanistan-family-related-determinants-of-poverty>.

"افغانستان: دولت مسوولیت مراکز حمایتی زنان را برای حفظ و مراقب از زنان در دست گرفته است." دیدبان حقوق بشر. 13 فبروری 2011.
<http://www.hrw.org/news/2011/02/13/afghanistan-government-takeover-shelters-threatens-women-s-safety>.

"افغانستان: شاخص های صحت باروری و حالت های قبل و بعد از زایمان." سازمان جهانی صحت. 2012.
http://www.who.int/maternal_child_adolescent/epidemiology/profiles/maternal/afg.pdf.

"افغانستان: اطلس 2011 صحت روانی." دیپارتمنت صحت روانی، سازمان جهانی صحت. 2011.
http://www.who.int/mental_health/evidence/atlas/profiles/afg_mh_profile.pdf.

"افغانستان: لغو قانون عفو عمومی." دیدبان حقوق بشر. 10 مارچ 2010.
<http://www.hrw.org/news/2010/03/10/afghanistan-repeal-amnesty-law>.

"افغانستان: کتله عظیمی زنان در زندان (جرایم اخلاقی)." دیدبان حقوق بشر. 21 می 2013.
<http://www.hrw.org/news/2013/05/21/afghanistan-surge-women-jailed-moral-crimes>.

"زراعت در افغانستان: رشد اقتصاد، وظایف و امنیت غذایی." پرزنتیشن برای جلسه عمومی ARTF. 20 می 2014.
http://www.artf.af/images/uploads/ASR_PPT_for_ARTF_Strategy_Group_Meeting_May_20_2014.pdf.

احمد، فرید و فرزاد رحیمی. "نقش فعالیت های گروهی در پیشرفت روستا در افغانستان." اپریل 2013.
http://www.nispa.org/files/conferences/2013/papers/201304291438210.Paper_Farzam.pdf?fs_papersPage=9.

اکبر، نورجهان. "زنان افغان دوباره در برابر آزار و اذیت های جنسی مبارزه میکنند." الجزیره. 13 جولای 2011.
<http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2011/07/201171113305407580.html>.

اکبر، شهرزاد و طیبه پیرزاد. "دسترسی زنان به ملکیت در افغانستان." قانون، تنفیذ قانون و موانع. مشوره دهی قره (QARA). می 2011.
http://www.harakat.af/site_files/13623054771.pdf.

امین، محسن. "قدرت برای مردم: چگونه دسترسی افغان ها را به برق بالا ببریم." گروه تحلیل گران افغان. 3 فبروری 2015.
<https://www.afghanistan-analysts.org/power-to-the-people-how-to-extend-afghans-access-to-electricity/>.

آمویتز، LL، ام. هیزلیر، وی. لوکوپوینو. "یک ملت مبتنی به همکاری های صحت روانی و نگرش در برابر حقوق بشری زنان در افغانستان." ژورنال صحت زنان 12، نمبر 6. 87-2003.577

انيل، احمد شهير، ملك كارليداگ، و سيد پرتو. "تطبيق پلان كارى زنان در افغانستان." سازمان تحقيقاتى پاليسى عامه افغانستان. مارچ 2014.

آزاد، مليار صادق. "مدرسه افغانى متهم به راديكاليسم زنان گرديده است." بى بى سى افغانستان. 16 مارچ 2014.
<http://www.bbc.com/news/world-asia-26418558>.

بنزید، امیلی، مرجان کمال، پیتی پاسال، جان پاسکویت و فرانکوئیس گرانیوالد. "تحقیق درباره فهرست سلسله وار زنان فقیر در افغانستان." مارچ 2008.
http://www.urdu.org/IMG/pdf/CPW_report_hand-ove_march2008.pdf.

بولینجر، وینیسام. کاترین ال. فالب، جان شوما، و جونیر لینینگ. "کم کاری راجع به مسایل اخلاقی مادرها: سند کیفی تاثیرات از بین رفتن موضوعات راجع به مادران بالای زندگی اطفال شان در تانزانیا." پی لوس یک 8، نمبر. 2013.
<http://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0071674>.

کامرون، الیزابیت و داکتر جوریت کامینگا. "پشت در های بسته: خطرات در نظر گرفتن نگرانی های زنان برای آینده افغانستان." اوکسفام. 2014.
http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/file_attachments/bp200-behind-doors-afghan-women-rights-241114-en.pdf.

کاربری، سین. "آیا مکاتب افغانستان قسمی که بسیار خوب تعریف می شود درس می دهند؟" ردیوی ملی. 24 اکتوبر 2013.
<http://www.npr.org/blogs/parallels/2013/10/24/240482395/are-afghanistans-schools-doing-as-well-as-touted>.

"مراقبت برای خویش: یک جواب بسیار قوی افغان برای آسیب های غیر نظامیان." مرکز برای نزاع غیر نظامیان. 2013.
http://civiliansinconflict.org/uploads/files/publications/Afghan_Report_2013_smaller_final.pdf.

"مراقبت برای خویش: یک جواب بسیار قوی افغان برای آسیب های غیر نظامیان." مرکز برای نزاع غیر نظامیان. 2013.
http://civiliansinconflict.org/uploads/files/publications/Afghan_Report_2013_smaller_final.pdf.

"قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان، جردیده رسمی نمبر. 353." نشر شده 5 جنوری 1977. 2014.
<http://alep.stanford.edu/wp-content/uploads/2014/09/Civil-Law-of-the-Republic-of-Afghanistan.pdf>.

"ریاست خدمات ملکی." <http://www.csmd.gov.af>.

"مجمع آماده شده توسط کمیشنر عالی دفتر ملل متحد برای حقوق بشر مطابق پراگراف 15 (b) ضمیمه به شورای حقوق بشر 5/1 و پراگراف 5 ضمیمه به شورای 16/21: افغانستان." شورای حقوق بشر، 11 نومبر 2013.
<http://www.refworld.org/pdfid/52ea4c8a4.pdf>.

"اتصال با فرصت: سروی دسترسی زنان افغان به موبایل." سازمان ارتقاء ظرفیت زنان افغان و اداره انکشافی ایالات متحده امریکا. می 2013.
http://www.usaid.gov/sites/default/files/documents/1871/survey_afghan_women_mobile.pdf.

"قانون اساسی افغانستان." دولت جمهوری اسلامی افغانستان. 2014.

کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان
<http://www.refworld.org/publisher,CEDAW,CONCOBSERVATIONS,AFG,51ff5ac94,0.html>.

"فساد در افغانستان: سروی فساد اداری در افغانستان"
<http://www.unodc.org/documents/data-and-analysis/Afghanistan/Afghanistan-corruption-survey2010-Eng.pdf>.

کری، داکتر آنتونی، اندرو کی و جان استیوارد. "بهای اقتصادی و اجتماعی بی سوادی: یک تصویر کوتاه از بی سوادی در مفهوم جهانی." اپریل 2012.
http://www.worldliteracyfoundation.org/The_Economic_Social_Cost_of_Illiteracy.pdf.

Dastagir Sayed, Ghulam. "Mental Health in Afghanistan: Burden, Challenges, and the Way Forward." World Bank, Health, Nutrition and Population Discussion Paper. August 2011.

<http://siteresources.worldbank.org/HEALTHNUTRITIONANDPOPULATION/Resources/281627-1095698140167/MHinAfghanistan.pdf>.

سید دستگیر، غلام. "صحت روانی در افغانستان: بار دوش بودن و چالش ها." بانک جهانی، صحت، تغذیه. آگست 2011.
<http://siteresources.worldbank.org/HEALTHNUTRITIONANDPOPULATION/Resources/281627-1095698140167/MHinAfghanistan.pdf>.

دوبیتسکی، ستفینی. "مواجه شدن مراقبت های صحتی زنان در دوران حکومت طالبان در افغانستان." دانشگاه امریکایی واشنگتن، کالج حقوق، یادداشت های مختصر از حقوق بشر 6. نمبر. 2.1999.
<http://digitalcommons.wcl.american.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1576&context=hrbrief>.

دن، پیترا. "امید برای زنان تجارت پیشه افغانستان؟" بنیاد آسیایی. 7 آگست 2013.
<http://asiafoundation.org/in-asia/2013/08/07/hope-for-afghanistans-women-entrepreneurs/>.

"انتخابات در افغانستان: 5 اپریل انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شورای ولایتی." 27 مارچ 2014.
http://www.ifes.org/~media/Files/Publications/White%20PaperReport/2014_IFES_Afghanistan%20Presidential%20and%20PC%20Elections.pdf.

"ترجمه انگلیسی - قانون احوال شخصیه اهل شیعه." اداره انکشافی ایالات متحده امریکا (USIAD). اپریل 2009.
<http://www.refworld.org/docid/4a24ed5b2.html>.

"حفظ الصحه محیطی." سازمان جهانی صحت. 2014.
<http://www.emro.who.int/afg/programmes/eh.html>.

"پالیسی ماموریت اتحادیه اروپا در افغانستان: جزوه 2014." پالیسی ماموریت اتحادیه اروپا. 2014.
http://www.eupol-afg.eu/sites/default/files/EUPOL%20Afghanistan_Factsheet%20_September%202014.pdf.

"جزوه درباره وضعیت زنان و دختران در افغانستان." یونما. 2007.
http://www.peacewomen.org/assets/file/SecurityCouncilMonitor/Missions/Afghanistan/Afghanistan_WomenGirlsFactsheet_2009.pdf.

"چالش های جندر در تحصیلات عالی: نیاز مبرم به لیلیه ها برای محصلین دختر." وزارت تحصیلات عالی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. 10 جنوری 2011.
<http://www.csmd.gov.af/index.php/gender>.

"تعداد کارمندان خدمات ملکی دولت به اساس وزارت و ریاست ها." اداره احصایه مرکزی. 2014.
<http://cso.gov.af/Content/files/Government%20Civil%20Service%20Employees.pdf>.

حبیب زی، عبدالله، شبنم حبیب زی و کارلوس سی. سن. "بازنگری ترانسپورت در شهر کابل، افغانستان." http://web.missouri.edu/~sunc/Kabul_Transp_TRB.pdf.

حمید، زرین. "قطعه نامه 1325 شورای امنیت: راپور جامعه مدنی افغانستان." شبکه زنان افغان و شبکه جهانی صلح آوران زن. 2010.
http://www.gnwp.org/sites/default/files/resource-field_media/Afghanistan.pdf.

حمید، زرین. "قطعه نامه 1325 شورای امنیت: راپورنظارتی جامعه مدنی 2012." شبکه جهانی صلح آوران زن. 2012.
http://www.gnwp.org/wp-content/uploads/2010/02/Afghanistan_Report.pdf.

"روش های پرخطر و عملکردهای سنتی تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان." یوناما و OHCHR. 9 دسامبر 2010.
http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Publication/HTP%20REPORT_ENG.pdf.

حسرت، ام. ایچ و الکسندرا پی فیفیل، "خشونت علیه زنان در افغانستان." کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. 2012.
http://www.aihrc.org.af/media/files/VAW_Final%20Draft-20.12.pdf.
هوپر، داگلاس، نیکه سعیدی، عبدالخلیل صمدی. "به دست آوردن موقعیت با تنظیم خانواده در روستای افغانستان." سازمان جهانی صحت. دسامبر 2009.
<http://www.who.int/bulletin/volumes/88/3/08-059410/en/>.

- هوېر، مری اس. "اگر شما خانه خویش را آباد کردید، خودتان بعداً تخریب خواهی کرد؟" سهمیم ساختن اجتماع و برقرار نگهداشتن پروژه تیم بازسازی ولایتی (PRT) بعد از انتقال در افغانستان. "دیدبان شفافیت افغانستان. دسامبر 2013.
- هوېر، مری اس و حنا پارتیس جینکس. "زنان و انتخابات در افغانستان: چالش ها و فرصت ها." برابری برای صلح و دموکراسی. اکتوبر 2014.
<http://www.epd-afg.org/wp-content/uploads/2014/03/WE-paper-English.pdf>.
- هوېر، مری اس، موریدس راد و شمسیه نوری. "بازنگری مستقل مسوده بودجه ملی سال 1394: "نومبر 2014.
http://www.epd-afg.org/wp-content/uploads/2014/03/1394-Budget-Snapshot_English.pdf.
- "من مجبور بودم که فرار کنم: زندانی شدن زنان و دختران برای جرایم اخلاقی در افغانستان." دیدبان حقوق بشر. 2012.
http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/afghanistan0312webwcover_0.pdf.
- احسان، فوزیه. "شکست در تجارت." امروز افغانستان. 9 نومبر 2012.
<http://www.afghanistan-today.org/article/?id=340>.
- "بلند بردن دسترسی به مراقبت های صحتی در افغانستان با ارایه مراقبت های صحتی با توجه به نیازمندی های جندر." سازمان جهانی صحت. 2013.
http://applications.emro.who.int/dsaf/EMROPUB_2013_EN_1585.pdf.
- ارزیابی ریفرم اداری در وزارت امور داخله برای به انجام رساندن پلان استراتژیک 10 ساله آن. "کمپنی مشورتی سلسله. 2013.
<https://ipcb.files.wordpress.com/2014/04/institutional-reform-assessment-report-final.pdf>.
- جکسون، آشلی. "شرط بزرگی: تحصیل دختران در افغانستان." آکسفام. 24 فبروری 2011.
<http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/afghanistan-girls-education-022411.pdf>.
- کوهستانی، شکریه. "90 عراده ملی بس غیرفعال." کابل تایمز. 20 اکتوبر 2014.
<http://thekabultimes.gov.af/index.php/opinions/social/4197-90pc-millie-buses-not-operational-motca.html>.
- لیکسو جی. "برابری جنسیتی سکتور تعلیم و تربیه افغانستان - تحلیل وضعیت" گروپ مشوره دهی نوردیک. جولای 2012.
http://ncg.no/novus/upload/file/Afghanistan%20Education%20Sector_%20Gender%20Equality%20Situational%20Analysis%20Final%20Report.pdf.
- "اتخاذ تصمیم در سطح محلات زندگی زنان را در افغانستان تقویت می بخشد." برنامه انکشافی سازمان ملل. 2014.
<http://www.af.undp.org/content/afghanistan/en/home/ourwork/povertyreduction/successstories/badghiswomenandwater/>.
- لوکارو تیم و ایریکا گاستون. "دسترسى زنان به عدالت در افغانستان: موانع فردی و اجتماعی در برابر عدالت." انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا. 2014.
http://www.usip.org/sites/default/files/PW98_Women's-Access-to-Justice-in-Afghanistan.pdf.
- مجیب مشعل. "تقویت سرمایه گذاری های خورد و متوسط و تجارت منطقوی در افغانستان." دانشگاه آسیای مرکزی، انستیتوت اداره عامه و مدیریت، نمبر مقاله 24. 2014.
<http://www.ucentralasia.org/downloads/UCA-IPPA-WP24-Eng.pdf>.
- "MDG 5: بهبود صحت باروری." برنامه انکشافی سازمان ملل افغانستان. 2014.
<http://www.af.undp.org/content/afghanistan/en/home/mdgoverview/overview/mdg5/>.
- "حرکت فراتر از دو دهه جنگ: پیشرفت ولایات." اداره احصایه مرکزی و یونسف. 2003.
<http://www.childinfo.org/files/AfghanistanMICS2003.pdf>.
- نادر هدایت، لیدا و کرستین بیرگ هارپویکن. "زنان افغان در کدام سطح تحصیل و محیط اقتصادی قرار دارند؟" انستیتوت تحقیقاتی صلح اوسلو، سیمپوزیم . نومبر 2014.
http://file.prio.no/Publication_files/prio/Where%20Do%20Afghan%20Women%20Stand%20on%20Education%20and%20Economic%20Empowerment,%20PRIO%20Paper.pdf.

"پلان استراتژیک ملی تحصیلات عالی: 2010-2014 وزارت تحصیلات عالی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان." نومبر 2009.
http://planipolis.iiep.unesco.org/upload/Afghanistan/Afghanistan_HESP_2010-2014.pdf.

"پلان استراتژیک ملی تحصیلات عالی: 2015-2015." وزارت تحصیلات عالی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. نسخه مسوده. 4 دسمبر 2014.
"ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری 2011-2015: آموزش." اداره احصایه مرکزی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان، 2012.
<http://cso.gov.af/Content/files/Chapter8%20EDUCATION.pdf>.

"ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری سال 2011-12." اداره مرکزی احصایه. 2012.
نوبراندرف ویلیام پویل اکس، فیروزالدین فیروز و حیات الله ستانکزی. "بسته های اساسی خدمات صحتی افغانستان: تأثیرات آن بالای ساخت دوباره سیستم صحتی." صحت عامه جهانی 9 نمبر. جولای 2014. S6-s28.

نیج هاو دی و ال اوتس. "زندگی با خشونت. یک گزارش ملی راجع به خشونت های فامیلی در افغانستان." حقوق جهانی. 2008.
http://www.globalrights.org/site/DocServer/final_DVR_JUNE_16.pdf?docID=9803.

"هیچ زمانی برای از دست دادن نیست: بهبود بخشیدن حسابداری پولیس ملی افغانستان." تدوین سند مشترک، مدنی، کنسورشیم دادخواهی و تحقیقاتی حقوق بشر، اوکسفام و سازمان تحقیقاتی و آموزشی صلح. 10 می 2011.
<http://civiliansinconflict.org/uploads/files/publications/no-time-to-lose-may2011.pdf>.

"بیشتر از 60 فیصد از افغان ها از مشکل صحتی روانی رنج می برند." تحقیق جهانی، مرکز تحقیق برای جهانی. 11 اکتوبر 2010.
<http://www.globalresearch.ca/over-60-percent-of-afghans-suffer-mental-health-problems/21389>.

پارتیس-جینینگس، حنا و مری هوپر. "زنان، صلح و امنیت در افغانستان: نگاه به عقب برای حرکت به جلو." موسسه برابری برای صلح و دموکراسی. اگست 2014.
<http://www.epd-afg.org/wp-content/uploads/2014/03/WPS-paper.pdf>.

"سروی دیدگاه پولیس - 2011: چشم انداز افغانها." برنامه انکشافی سازمان ملل و مرکز تحقیقی، نظری و اقتصادی افغانستان. 2011.
<http://www.undp.org.af/Publications/KeyDocuments/2011/PPS-Eng%20Version-2011%20Final%20Lowest%20Res.pdf>.

"انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی." گزارش نهایی از ماموریت نظارت از انتخابات اتحادیه اروپا. 20 اگست 2009.
http://www.eods.eu/library/FR%20AFGHANISTAN%202009_en.pdf.

"اعلامیه مطبوعاتی مشترک اداره احصایه مرکزی و وزارت امور زنان برای تاسیس هماهنگی نهاد های دولتی بالای آمار جندر و اشتراک گذاری معلومات." منبع دولت جمهوری اسلامی افغانستان. 21 سپتمبر 2014.
<http://demo.afghanistan.af/en/news/press-release-central-statistics-organization-and-ministry-of-womens-affairs-joint-workshop-for-establishment-of-coordination-between-government-entit>.

پروکاس، اناستاسیا و ایرین پادویک. "در اوگاتا قانون در برابر تن فروشی وجود دارد: درس های مردسالارانه در اکادمی پولیس." جندر، وظیفه و سازمان 9. نمبر. 4. اگست 2002. 459-439.

"شوراهای ولایتی 2014: زنان چگونه کار کرده است؟" انتخابات افغانستان. 29 ژوئن 2014.
<http://afghanelections14.com/2014/05/29/provincial-councils-2014-how-did-the-women-do-1/>.

راد فورد، مری اف. "حقوق میراث زنان در قانون یهودیت و اسلام." کالج بین المللی بوستون و بازنگری حقوق تطبیقی 23. نمبر 2. 2000.
<http://lawdigitalcommons.bc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1205&context=iclr>.

راهی، سید مراد و همایون بشیر. "انتخابات 2014 افغانستان و فرا تر از آن." مطالعه از نگرانی های اجتماعی هفت ولایت. "یو اس ای پی و لپیس. 7 اپریل 2014.
[http://www.whiteband.org/sites/default/files/The%202014%20Afghan%20Elections%20and%20Beyond%20\(Lapis%20Report\).pdf](http://www.whiteband.org/sites/default/files/The%202014%20Afghan%20Elections%20and%20Beyond%20(Lapis%20Report).pdf).

راسموسین، سون انجیل. "نظارات زنان به خاطر حضور نداشتن زنان در کابینه دولت." روزنامه گاردین. 3 فبروری 2015.
<http://www.theguardian.com/global-development/2015/feb/03/afghan-women-protest-absence-female-ministers-new-cabinet>.

اسحاق زاده محمد رازق. "سروی فساد 2014". دیدبان شفافیت افغانستان. 2004.

http://www.iwaweb.org/ncs/2014/docs/national_corruption_survey_2014_english.pdf.

"گزارش از انجام پلت فورم اعلامیه بجینگ برای عملکرد 2010-2014". وزارت امور خارجه حقوق بشر و دیپارتمنت امور بین المللی زنان، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. می 2014.

http://www.unwomen.org/~media/headquarters/attachments/sections/csw/59/national_reviews/afghanistan_review_beijing20.ashx.

"حاکمیت قانون در افغانستان". انستیتیوت صلح ایالات متحده

<http://www.usip.org/programs/projects/rulelaw-afghanistan>.

صافی، مریم. "پروژه صلح افغانستان: آیا ما در مسیر درست قرار داریم؟" پیک دیپلماتیک. 24 جنوری 2013.

<http://www.diplomaticcourier.com/news/regions/central-asia/386-the-afghan-peace-process-are-we-on-the-right-path>.

صمد، وحید. "زنان و اعمار صلح در افغانستان: فضای برای خوشبینی؟" مرکز اچ دی. 12 جنوری 2012.

http://www.hdcentre.org/fileadmin/user_upload/Our_work/Mediation_support/Current%20activities/1%20Gender%20and%20Mediation/Gender%20main%20page/2%20Sous%20page%20Women%20at%20the%20Peace%20Table%20Asia%20Pacific/Supporting%20documents/Women%20and%20peacemaking%20in%20Afghanistan%20-%2012%20January%202011.pdf.

سنشیز، اینریک و سیلویا روگنویک. "فقط ساختن جوامع: مصالحه در تنظیمات انتقالی." سازمان ملل، گزارش ورکشاپ، اکرا، غنا. 5-6 جون 2012.

<http://www.un.org/en/peacebuilding/pbso/pdf/Reconciliation%20workshop%20report%20WEB.pdf>

سکریش، لیسا. "ایجاد روند جامع صلح در افغانستان." یو اس ای پی. 2011.

http://www.usip.org/sites/default/files/Designing_a_Comprehensive_Peace_Process_for_Afghanistan.pdf.

سمیرا، سیما. "فساد دشمن بی رحم زنان افغان است." بنیاد تامسون روترس. 3 می 2013.

<http://www.trust.org/item/20130502130716-v16ht/>.

صدیق، محمد علی و محمد شفیع حق مل. "بی سواد و آموزش جوانان در افغانستان: دست آورد ها و چالش ها." وزارت معارف، دولت جمهوری اسلامی افغانستان.

http://www.accu.or.jp/esd/forum_esd_2010/program/program12_01/pdf/text5.pdf.

ستانکتی، مارگاریتا. "زنان در انتخابات ریاست جمهوری نقش متفاوت را را بازی می کنند." ژورنال وال استریت. 2 اپریل 2014.

<http://www.wsj.com/articles/SB10001424052702304157204579475322060072290>.

"وضعیت نفوس جهانی 2014." صندوق جمعیت ملل متحد. 2014.

http://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/EN-SWOP14-Report_FINAL-web.pdf.

"بیانیه جلالتمآب داکتر حسن بانو غضنفر، وزیر امور زنان." در پنجاه و شش و مین کنفرانس وضعیت زنان. 2 مارچ 2012.

<http://www.un.org/womenwatch/daw/csw/csw56/general-discussions/member-states/Afghanistan.pdf>.

"کتاب احصاییه سالانه کارمندان دولت از 2008-9." اداره احصاییه مرکزی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان. 2009.

<http://cso.gov.af/Content/files/Full%20Chapter.pdf>.

"کتاب احصاییه سالانه 2013-2014: آموزش." دولت جمهوری اسلامی افغانستان، اداره مرکزی احصاییه. 2014.

[http://cso.gov.af/Content/files/Education%20part%20one\(1\).pdf](http://cso.gov.af/Content/files/Education%20part%20one(1).pdf).

"ربودن زنان سیاسی افغان توسط طالبان، حمله ور شدن بالای کمپاین حقوق زنان." آژانس خبری رویترز. 13 آگست 2013.

http://www.thestar.com/news/world/2013/08/13/taliban_kidnaps_female_afghan_politician_attacks_undermine_womens_rights_campaign.html.



کابل - افغانستان

communication@epd-afg.org – www.epd

موسسه برابری برای صلح و دموکراسی یک نهاد غیرانتفاعی و غیردولتی بوده که متعهد به تقویت زنان و جوانان در سطوح ملی و محلی می باشد. این موسسه در راستای ارتقای ظرفیت زنان و جوانان فعالیت می نماید تا باشد که آنها خود در ارایه نیازمندی های شان در ساحات انکشاف، اعمار صلح و سایر روند های دموکراتیک در کشور پیشگام شوند. موسسه برابری برای صلح و دموکراسی همچنان در راستای بسیج سازی هرچه بیشتر زنان و جوانان فعالیت دارد تا آنها سهم شان را در چالش های که افغانستان با آن مواجه است، ادا نمایند. این موسسه زمینه هایی را برای زنان و جوانان فراهم نموده است تا آنها گردهم آیند، شبکه ها را برای جوانان و زنان ایجاد نموده است تا آنها از این طریق بتوانند اعتماد سازی نمایند و مشترکا برای تغییر افغانستان به یک کشور دموکراتیک عاری از هر نوع خشونت و تبعیض، تلاش نمایند.